



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - شماره ۱۳ دوشنبه ۵ خرداد ۵۹ - با ضمیمه ۳۰۰۰۰۰

((کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

امپریالیسم آمریکا: کودتا، دخالت نظامی یا جنگ داخلی؟

راستی آمریکا در پی چه کاریست
تصدکودتا دارد؟ در فکر دخالت نظامی
است؟ یا آنکه میخواهد با حکومت
ایران سربرگرداند؟ آمریکا
زمانی در فکر بیرون آوردن قدرت
از چنگ روحانیت حاکم بتوسط جناح
بورژوا لیبرال و ایدئولوژی مزدورشناسی
بود، و زمانی دیگر با عملیات ماجراجویانه
تصدای آزادی گروگانها را داشت
و اکنون هم که بدنبال شکست عملیات
نظامی اش، احتمال آنچنان
ماجراجوییها سریع العمل ضعیف
است، بیوسته دست به عملیات ایدئولوژی
و تحریک کننده میزند. گاه در اطراف
جزیره های نفتی حریق ایجاد میکند،
گاه با هلیکوپترها پیش به خاک ایران
تجاوز میکند، و احياناً اسلحه بدهد
ایادی خود میسراند، و با بربرنا می
هایی را که در نظر دارد، دنبال میکنند
آیا آمریکا تدارک عملیاتی
مناسب آنچه را که در طین بشکست
انجام میدهد، میبیند یا اینکه برنا مه های
دیگری را در سر میپروراند؟ واضح
است که پس از انتقال گروگانها به
شهرستانها امکان در پیش گرفتن
آنچنان عملیاتی از طرف آمریکا
بمیدین نظر میرسد، و انگهی عملیاتی
شبه آنچه که قرار بود با طسرتزاهای
گروگانها در تهران صورت گیرد،
بدلائل چند در حال حاضر امکان پذیر
نیست، اول اینکه آمریکا آنچنان
قدرت مانور در شهرهای مختلف
ندارد، که احياناً در تهران میتواند
نست داشته باشد، دوم اینکه، افتضاح
مربوط به همکاری ارتش با آمریکا
در جریان تاج واز آمریکا از قبیل تخلیه
آتشبارهای ضد هوایی از پادگانها
بقیه در صفحه ۲

بحران و انقلاب

مدتی است که رقابت میان جناح
های مختلف هیات حاکمه شدت گرفته
است. رقابتی که بدو قدرت رسیدن
بلوک سیاسی حاکم تا به امروز ادامه
داشته است. مسئله اصلی این رقابت
بدست آوردن موقعیت بهتر در حکومت
ومتشاق آن، ترکیب طبقاتی نامتجانس
حکومت میباشد. و اکنون این
رقابت بجایی رسیده است که دوسو
ست مختلف در تمام زمینه ها زود روی
یکدیگر ایستاده و به آرایش نیروهای
خود مشغولند.
سرکوب در کردستان که یکی از
موارد وحدت در حکومت بود اکنون
در ادامه خود شکست مجددی که علی
رغم تمام تبلیغات ظاهری نصیب
حکومت شده است تفاذهای آنها را
عربانتر نموده است. موج ناراضی
و سرپیچی از دستور در ارتش بالا
گرفته است. بنی صدر که فرماندهی
خود را در خطر میبیند و فرماندهان
ارتش را در معرض اتهام و سوء ظن
درون و بیرون از ارتش میباشد
تلقی آمادگی برای مذاکره در کرد
دستان را اعلام میکند بقیه در صفحه ۳

شورش سپاهان آمریکا

بحران و امپریالیسم

چندی پیش خبر کشته شدن ۸ تن
از سپاهان وزخمی شدن صدها نفر
در شهر میامی را شنیدیم. و روز بعد
از آن خبر برقراری حکومت نظامی
در شهر آمریکا آمد. آیا خبر دروغ
نیست؟ آمریکا حکومت نظامی،
آمریکا این "کانون دمکراسی"
غرب به حکومت نظامی هم دست میزند!
بله خبر دروغ نیست و این اولین
بار نیست که اخباری چنین خونبار
و ضد دمکراتیک از آمریکا میآید.
همین چند روز پیش با دیوشهدای
کارگر شیکاگو در ۱۸۹۶ را بصورت جشن
جهانی کارگر برگزار کردیم. نه تنها
در قرن گذشته که در قرن بیستم نیز
آمریکا با رها دست به این اعمال

راه کارگر: دفاع از میهن با مبارزه طبقاتی؟

این دیگر باید برای همه روشن باشد که اوضاع متفلسفانه
اجتماعی کنونی و تحولاتی که گاهی در فاصله چند روز با سرعتی
آسا بوقوع میبویند، هر سال زمان، گروهها جریان سیاسی را به معنی
کامل کلمه وادار میکنند که عمق و اساس تئوری خود را به تماشا بگذارد.
وقایع اخیر، پس از تاج و زنتی آمریکا در منطقه طین، بسیاری مسایل
را بوجود آورد که از لحاظ شرایط موجود در ایران و چه از لحاظ تجربیات
و سابق مبارزات انقلابی کمونیستها در سایرین جهان و در زمان
نهای مختلف، ما را بطور جدی به بررسی و موضعگیری میکشاند. پس از
تاج و زنتی امپریالیسم آمریکا بسیاری از کمونیستها با ننگ برآور
دند: میهن در خطر است! وتوده ایها با جدیت در دیوار را ملو از شعار
"همه با هم" علیه امپریالیسم نمودند.
بقیه در صفحه ۸

اخبار جنبش

ضمیمه رزمندگان ۱۳

کارگران جهان متحد شوید!

امپریالیزم آمریکا

و فرودگاهها، وازکارانداختن را داراها و غیره در شرایط کنونی نوی هیثاری در افراد ارتشی بوجود آورده است، آنچنانکه هرگونه نقل و انتقال برای آنها پش آفرین است، بخصوص که حتی حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این مورد به ارتشیان هشدار داده اند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که از جریانات با نفوذدهیات حاکمه است طی صدور اطلاعیه از "پرسن مسلمان و انقلابی نیروهای مسلح" میخواهد که "مراقب تحولات مشکوک در ارتش بوده، و مرتباً آنها را بسمه مقامات مورد اعتماد خود گزارش دهید... حتی الامکان فعالیتهای خود را به طور مخفی انجام داده، تا از چشم فرماندهان نامالح بدورماند... مادگی مقابله با کودتا را در ارتش بوجود آورده و با برادران همفکر خود در دیگر پادگانها (از طریق که ممکن است) ارتباط و هماهنگی ایجاد نکنید" سوم اینکه جوشیدند آمریکا بی هرگونه دخالت

آمریکا دارد، بنظر ما منافع آمریکا فراتر از مسئله گروگانهاست و آمریکا هرگز منافع و مصالح خود را در ایران فدای موضوع گروگانها نمیکند. این یکی از بیگانه های مهم غارت و بهره کشی امپریالیسم میباشد، بنحویکه هر ساله میلیاردها دلار کالاهای غربی در ایران آب میشود، و گردش چرخ بسیاری از موسسات بزرگ امپریالیستی وابسته به حضور و شرکت آنها در ایران است. بسته شدن این عرصه وسیع غارت و این محرک نیرومند گردش سرمایه امپریالیستی ضربه مهلکی بر بیکر امپریالیسم وارد خواهد کرد. وانگهی، نفت ایران و نقش فوق العاده مهم استراتژیک ایران در خلیج فارس، این منطقه حیاتی امپریالیسم بهیچوجه قابل مقایسه با مسئله گروگانها نبوده، و هرگز نمیتوانند دو طرف یک معادله را تشکیل دهند.

بنابراین، با قاطعیت میتوان گفت آمریکا بهیچوجه منافع حساس و اساسی خود را در رابطه با ایران و وجه الضمانیهای آزادی گروگانها قرار نمیدهد.

بعلاوه، اختلاف بین امپریالیستها بر سر در پیش گرفتن سیاست جنگی یا استفاده از روشهای دیگر نیز عاملی است که مانع از آن میگردد تا آمریکا دست به دخالت نظامی وسیع در ایران بزند. مخالفت امپریالیستهای اروپایی با اقدامات حاد، و حتی علم همراهی جدی آنها با تحریم اقتصادی، و همچنین مخالفت جناحهایسی از هیات حاکمه آمریکا... مورد ساپروس ونس... آمریکا را از پشتوانه لازم در تهاجم وسیع نظامی محروم میسازد تازه، عامل مهم دیگر، هم مرز بودن ایران و شوروی است که این امر نیز خود مانع از آن میشود که آمریکا دست به تهاجم نظامی بر علیه ایران بزند. زیرا که، هم شوروی با رهبران اعلام داشته، که تهاجم نظامی آمریکا به ایران را تحمل نخواهد کرد، هم اینکه قاعدتا آمریکا و شوروی در کشورهای هم مرز طرف مقابل نمیتوانند دخالت نظامی نمایند.

براین اساس میتوان نتیجه گرفت که آمریکا در اوضاع کنونی ایران دست به اقدام نظامی وسیعی که توده های خلق را بر علیه ورود و روی فشرده سازد، نخواهد زد. این امر، حتی اگر به سوار شدن خرده بورژوازی

رادیکال و کمونیستها بر رهبری جنبش توده ها نیانجامد، لا قبال توده ها را بیشتر در کنار خمینی و ر ضدیت با امپریالیسم قرار داده و گرایش بسمت شوروی را در خمینی تقویت خواهند نمود. با این همه، باید توجه داشت که آمریکا در آستانه بحرانی عمیق قرار گرفته است که از هم اکنون نشانه های آن مانند بیکاری روبه افزایش و نرخ تورم ۱۴ درصدی و کاهش سرمایه گذاریها را مشاهده میکنیم. بحرانی که شبیه بحرانی ۱۹۳۰ و سالهای بعد از جنگ جهانی دوم است. این واقعیت در رابطه با آنکه میدانیم که امپریالیسم بهنگام گرفتاری در چنین بحرانی عمیق چاره ای جز توسل به جنگ افروزی و ایجاد فضای جنگی بمنظور بگردش انداختن سرمایه ها در تولیدات نظامی ندارد، مسئله را پیچیده تر میسازد. از طرفی آمریکا نمیتواند در اوضاع کنونی ایران دست به تهاجم نظامی بزند و از طرف دیگر، اوضاع داخلی آمریکا آنرا ناگزیر از توسل به سیاست خشن و جنگی مینماید.

بهر حال، با وجود رشد و تقویت گرایش جنگ طلبی در آمریکا بر اثر بحران دائم الحزایان، بدلیل اینکه گفته شد، و از آنجا که آمریکا هنوز ایران را کشوری از دست رفته و تحت سلطه شوروی تلقی نمیکند، و از آنجا که پایگاه نیرومندی در بورژوازی لیبرال و ارتش دارد، قطعاً سعی خواهند نمود که از طریق همون نمودن شرایط و تضادهای داخلی ایران با منافع خود عمل کند، یعنی آنکه بطور غیر مستقیم و از طریق نیروهای وابسته و متعادل به خود توطئه چینی نماید، تا زیر پای خرده بورژوازی حاکم خالی شود و رژیم ایران بطور خالص در دست بورژوازی قرار بگیرد، یا لاقلاً همونی آن در دست بورژوازی باشد. لازم است که کار از یک طرف تضعیف تدریجی قدرت خرده بورژوازی حاکم و سپردن آوردن مواضع قدرت مانند کمیته ها، سپاه پاسداران بسیج و... از دست نماند، و از طرف دیگر تضعیف و برپیدن ارگانهای توده ای که در برابر نظم بورژوازی و قدرت ارگانهای بورژوازی سد و مانعی محسوب میشوند، میباشد. در این راه بورژوازی میکوشد که شورا های منتخب توده ها را که نقشی

در کنترل و نظارت بر امور دارند و نیز انجمن های اسلامی ارتش و سایر ارگانها و نهادهای راکه راه تحمیل نظم دیکتاتور ما با نسه بورژوازی وابسته میباشد، بکلی از بین ببرد. بر این مبناست که چندی پیش بنی صدر نغمه "شورای شورا" را سرداد، و اینک خیر از توطئه فرما ندهان ارتش برای تضعیف و محور تدر بچی انجمن های اسلامی که تحت نفوذ حزب جمهوری اسلامی میباشد می آید.

مسئله ای که میماند اینست که آیا آمریکا و بورژوازی برای کنار زدن جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه که آشکارا قدرت بورژوازی و وابسته است، دست به کودتا خواهد زد؟ کودتا بر علیه جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه در واقع کودتا بر علیه روحانیت و حزب جمهوری اسلامی است که اخیراً در مجلس اکثریت لازم را برای اعمال قدرت خود بدست آورده است، و کودتا بر علیه روحانیت و حزب جمهوری اسلامی بدون تردید بمعنای کودتا بر علیه خمینی - حتی در صورت حفظ او - میباشد، که چنین کودتایی بدلیل نفوذ کلام خمینی در بین توده ها و وجود نهادهای ارگانهای نیرومند روحانیت مانند کمیته ها مساجد، بسیج، سپاه پاسداران و... و بخصوص ضعف و ناتوانی ارتش در بسج خود در این جهت، در نطفه شکست خواهد نجامد. فرما ندهان ارتش بسختی میتوانند ارتش را در جنگ بر علیه خلق کرد. با وجود هزار فریب و بهانه - آنچنان که میخواهند بکار گیرند، چه رسد به اینکه بخوانند از آن بر علیه رژیم حاکم و خمینی بهره جویند. ارتش در صورت اقدام بکنه اینکار ر بلافاصله از درون درهم خواهد شکست.

بنابراین کودتای مستقیم بر علیه خمینی و روحانیت در همان اوان کار با شکست روبرو خواهد شد. در نتیجه تنها راهی که برای آمریکا باقی میماند، همانطور که گفتیم دخالت از طریق تضادهای داخلی است، تضادهایی که علاوه بر بروز آن در شکل مبارزه توده ها و حتی در حالاتی جنگ توده ها بر علیه هیات حاکمه، بصورت حادثه در درون بلوک سیاسی حاکم وجود دارد. بلوک سیاسی حاکم با داشتن تضادهای طبقاتی درون خود و با ادامه این تضادها بدلیل ادامه و گسترش بحران اقتصادی و تشدید مبارزه طبقاتی و نیز سازمان نیافتن

بقیه از صفحه ۱

بحران و انقلاب

اما خسرده
 بورژوازی حاکم که هنوز قدرت اصلی
 در دست اوست، شکست در کرده‌ستان
 را در درجه اول بفرخود میباید و در
 عین حال از ادامه جنگ برای
 تضعیف بنی صدر و بورژوازی طرفدار
 او در حکومت استغاده مینماید.

بخشایی از سندیج که به تصمیم
 انقلابیون و الزامات تاکتیکی
 تخلیه شده است، بعنوان پیروزی ار
 تش و پاسداران از سوی حکومت تبلیغ
 میگردد. بنی صدر که خود میدانند
 ارتش به چه روزگاری افتاده و اشغال
 سندیج در واقع پیروزی تو خالی
 بیش نیست شرایط را برای عقب
 نشینی ظاهر از سوی موضع قدرت
 مناسب یافته و اعلام میکند:

"وقتی حکومتی به هدفهای انقلاب
 بنی پایبند است و میخواهد آنها را
 تحقق بخشد چه نیازی بخادته سازی؟
 اینان بایدهندگندهک پیشگامان
 استوار فاشیسم در ایرانند و بنا بر
 این دشمنان خلق ما بادشمنان
 خلق تا آنجا که احتمال بازگشت از
 راه خیانت بخلق را بدهیم مدارا
 میکنیم اما از آنجا بعد بیا
 قاطعیت بمبارزه بر میخیزیم" (تجربه
 سندیج سرمقاله انقلاب اسلامی ۲۲
 اردیبهشت "بقلم رئیس جمهور")

تهمت‌ها و تفسیرهای بورژوازی
 بنی صدر در قالب کلمات فوق را کنا
 میگذاریم، آنچه جالب توجه است
 هشدار است که او در رابطه بیا
 "استفرا فاشیسم" میدهد و
 انقلابیون را از ترس آن به تعطیل
 فعالیت‌های انقلابی دعوت میکند.
 بورژوازی لیبرال از زیان
 بنی صدر توجه همگان را به خاطر
 وقوع یک "گودتای فاشیستی مذهبی"
 بر علیه خود جلب و آنرا جاده صاف کن
 گودتای دیگری توسط امیرالایم
 آمریکا معرفی میکند. بنی صدر حزب
 حاکم (حزب جمهوری اسلامی) را
 تهدید میکند که در صورت ادامه کار
 شکنی به مقابله آن برخو اهدخواست.
 دوزریبید (۲۵ اردیبهشت)

سازمان مجاهدین انقلابی اسلامی
 که از شکای دائمی "ائتلاف بزرگ
 است اعلامیه فوق العاده منتشر نموده
 و در آن هشدار میدهد که آمریکا در صد
 گودتایی در ایران است و تلویحاً
 بورژوازی حاکم و فرماندهان

ک در ارتش بوده و مرتباً آن را به
 مقامات مورد اعتماد خود گزارش
 دهد" و "حتی الامکان فعالیت‌های
 خود را بطور مخفی انجام داده تا از
 چشم فرماندهان نامالح بدورماند"
 و "با برادران همفکر خود در
 دیگریا دگانها (از هر طریق که ممکن
 است) ارتباط و هماهنگی ایجاد
 کنید".
 (جمهوری اسلامی ۲۵ اردیبهشت).
 در همین اعلامیه از نیروهای انقلابی
 و از جمله کمونیست‌ها خواسته میشود
 که در این "گودتای جانب پیروان خط
 امام را بگیرند.

خطرا میرالایم راهرو جناح
 حاکم بصورت گودتایی نشان میدهد
 که هر یک دیگری را متهم به همکاری و
 یا حداقل فراهم نمودن زمینه برای
 آن متهم مینماید. هر کدام حاکمیت
 خود را آن واقعت فدا میرالایستی
 تبلیغ میکنند که گودتای متوجه سرنگو
 نی آنست. ابعا دقتیه تا آنجا میروند
 که جناح عمدتاً خرد بورژوازی حاکم
 به سازماندهی مستقل خود (انجمنهای
 اسلامی) در ارتش میپردازد و ابزار
 های خود (کمیتها، مساجد و منا بر)
 را بجا لت اما ده باش در میآورد.
 و در مقابل جناح بورژوازی حاکم
 هم اقدامات دیگری را شروع
 میکند. فرمانده نیروی زمینی
 طبق فرمانی دستور شناسایی اعضا
 انجمنهای اسلامی و اعزام آنها به
 جبهه جنگ در بانه را ما در میکند (۱)

صف آرایایی طرفین به ارتش
 محدود نمیشود و در عرصه های دیگر هم
 شروع شده است. "انقلاب فرهنگی"
 که در اوائل ماه گذشته دانشگاہها و
 جنبش دانشجویان انقلابی را بخون
 کشتانیده بود مضمون کرده ام آیی های
 دوجریان مختلف میگردد. از سویی
 بورژوازی لیبرال مبتکر کنفرانس
 میگردد که حتی مجاهدین را به آن
 دعوت میکند و از سوی دیگر "ائتلاف
 بزرگ" از حزب جمهوری اسلامی، رو
 حانون مبارز و انجمنهای اسلامی و

ارتش را عا ملین این گودتای معرفی
 میکنند روزنامه "جمهوری اسلامی"
 اعلامیه مؤتلف خود را در صفحه اول
 بجای میرساند. در این اعلامیه آمده
 است:
 "بر اساس اطلاعات موثقی که بما
 رسیده آمریکا یجهان خوا را تکیه بر
 ستون پنجم خود (ایادی مزدور داخلی)
 و... احتمالاً توسط عواملش در درون
 ارتش (که متاسفانه بعضاً در فرمانند
 هم سطوح بالا نیز نفوذ کرده اند)
 ساواکی های فراری و مخفی (که
 اینها نیز متاسفانه احیاء شبکه
 کرده اند!) و... در صد بریا نمودن یک
 گودتای داخلی است. و "این گودتای
 به اصطلاح به آشوب و هرج و مرج در سر
 اسر کشور خاتمه میدهد. سران انقلاب
 و بخصوص پیروان مشی امام و احتمالاً
 تعدادی از مردم روشنفکر و بیچار
 را از دم تیغ میگذرانند، مسئله کردستان
 را حل میکند، بحرانه را در سیستان
 و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان
 و کنبد حل میکند و در نهایت استقلال
 امنیت و تمامیت ارضی ایران
 بدست مزدوران آمریکایی به ارمغان
 میآورد" اما "چون دست بخون
 رهبران انقلاب و مردم آلوده خواهد
 بود بلافاصله با یک گودتای دیگر
 دست راستی بشیوه "اندونزی" سرنگو
 میشود"

جالب اینجاست که هر دو طرف
 یکدیگر را به شرکت در گودتایی
 متهم میکنند که عاقبت توسط
 گودتای کاملاً دلخواه آمریکا
 تکمیل خواهد شد. "سازمان مجاهدین
 انقلاب اسلامی" کار را بجایی میکشد
 نده که به مردم رهنمود میدهد "مکانات
 تسلیحاتی خود را آماده کرده و کسان
 که در ابتدای پیروزی انقلاب بیا
 کمیته های شهر محل خود ارتباط
 داشته اند، مجدداً ارتباط موثر خود
 را برقرار نموده و آمادگی خود را در
 جهت هرگونه فداکاری و ایثار اعلام
 دارید" و از انجمنهای اسلامی در
 ارتش میخواهد: "مراقب تحولات مشکو
 بورژوازی حاکم و فرماندهان

دیگران با تحریم کنفرانس کنفر
 انسی دیگر را در قم برپا مینماید.
 مسئله نخست وزیر مسئله دیگری
 است که دو جناح حاکم را بر سر قدرت
 بجان هم انداخت. جناح عمدتاً خرد
 بورژوازی حاکم میخواهد شکست خود را
 در انتخابات ریاست جمهوری با
 بدست آوردن مقام نخست وزیری
 جبران کند و بورژوازی لیبرال برای
 حفظ موقعیت رئیس جمهور نخست
 وزیر خود را میخواهد. همین دعوا بر
 سر ادبیت و لویزیون و مطبوعات در
 جریان است.

"دادگاه انقلاب اسلامی" که از
 ارگانهای تابع روحانیت حاکم
 است بنظر ارت فخرالدین حجازی
 کاتیدای "ائتلاف بزرگ" به محاکمه
 برستلمبارزه ها نیروز مشغول میشود
 و یک نفر را به اعدام وعده دیگری
 را به حبس های طویل المدت محکوم
 میکند. حجازی در توجیه جنایت خود
 میگوید: "میگفتند ما به کردستان
 نمیرویم و حاضریم برادر کشی
 نیستیم و اطاعت کورکورانه را نمی
 پذیریم و موجب شد که بعضی از طلبانها
 از دستورماندها نترسند".
 سران خرد بورژوازی حاکم با چنین
 روشی و با گرفتن فتوا از خمینی و
 منتظری خواها ن در هر گونه مذاکره
 در کردستان و ادامه جنگ شده اند. آنها
 قویاً از قبول شکست در کردستان
 هراس دارند و بشدت نسبت به بورژوا
 زی لیبرال که برای نجات فرماندهی
 خویش ارتش مجبور به عقب نشینی
 است سو ظن دارند.

مجموعه عوامل فوق بحران سی
 در حکومت و در تمام ارگانهای اند
 اری و نظامی آن است. در حالی
 شدت میگیرد که جنبش توده ها در حال
 رشد و گسترش است. جنبش انقلابی
 خلق کرد در مقابل تجا و زات ارتش
 و سپاه پاسداران سرکوبگر به مقاومت
 قهرمانانه ای مشغول است. مبارزه
 طبقه کارگر بر علیه مظاهر مختلف
 نظام سرمایه داری بیکاری، اخراج
 هر روز وسعت و عمق بیشتری میگیرد.
 مبارزه توده دهقان بر علیه مالکان
 و عوامل حکومت روبرو شده میباید
 ناراضی و اعتراض ساز بر حمتکشان
 بر محور میت‌های ناشی از نظام
 اقتصادی اجتماعی و سیاسی حاکم

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست‌ها، فقط
 بوسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!

شدت مییابد. هیات حاکمه به برقراری با تصور "برعلیه نشریات مخالف خود و به تحریک برعلیه نیروهای انقلابی مشغول است."

بورژوازی لیبرال که اکنون در قدرت سیاسی شرکت دارد هنوز ضعیف تر از آنست که در رقابت با خرده بورژوازی حاکم پیروز شود، بهمین خاطر در جستجوی متحد نیرومندی میسرود تا در جبهه انقلابیون شکاف انداخته و مبارزات انقلابی را خفیف داده و پای به توده های بیشتری را به حمایت از خود بکشاند. اگرچه امید جالب خرده بورژوازی را دیکال و انقلابی را در سر میپزوراند، اما موانع بزرگ مقابل این اتحاد است. کار بودن ماهیت ضد انقلابی آن در سر کوب مبارزات انقلابی بزرگتر شده است. گرایش اصلی بورژوازی لیبرال بسوی دستجات بورژوازی دیگری است که اکنون مستقیماً تحت حمایت امپریالیسم آمریکا گسترش فعالیت مشغولند. بورژوازی لیبرال که گزوه های طرفداران زرگان و بنی صدر را در خود دارد برخلاف این دستجات مورد نفرت توده ها نیست و بالعکس به برکت افتخارات جناح دیگر حکومت و تقدیمه های اجباری از ارتش و دستگاه های اداری و نظامی دیگری بخشی از توده رزایشیبا خود نموده است. بهمین خاطر طبقه بورژوازی لیبرال به آن دستجات یا در واقع فشرده شدن طبقه بورژوازی غایت تصور امپریالیسم است. تنها در این صورت است که امپریالیسم از هیچ اقدام گسترده و آشکار نظامی در حمایت از جبهه قابل ملاحظه بورژوازی دریغ نخواهد ورزید. اتحادی که پیدایش آن هنوز با موانع عینی و ذهنی فراوانی روبروست و امپریالیسم را از اقدام گسترده و پیگیر بیشتر از موعدیاز می دارد.

در شرایط بحرانی و بیفرنجی که جامعه ما در آن بسر میبرد تنها تشخیص بروسه تحولات عینی، مبارزه، طبقاتی و تعیین تاکتیک های پرولتاریا بر مبنای آنست که میتوانند دورنمای جنگ میان اردوی ضد انقلاب را به جنگ میان انقلاب و ضد انقلاب بیا جنگ میان پرولتاریا و متحدینش از یکسو و بورژوازی متکسبی به امپریالیسم و متحدینش از سوی دیگر تبدیل نماید. حالتی که تنها در صورت رشد سریع جنبش کمونیستی و کلاً انقلابی، رشد و شکل و آگاهی پرو -

لتاریا وتوده، زحمتکش میسر است و لا غیر.

برای تشخیص آن وظایف فوری و جدی که اکنون در مقابل جنبش کمونیستی برای تدارک هر چه زودتر این آمادگی قرار میگیرد، با ردیگر به بررسی دقیقتر عوامل مختلف بحرانی که سر تا پای جامعه افرا گرفته است میپردازیم.

همچنانکه اشاره شده میزبانی دوجریان اصلی قدرت سیاسی (بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی حاکم) که همراه با وحدت و رقابت است وارد دوران جدید بحران شده است. در مقاله "رزمندگان" شماره ۱۱ ریشه های بحران سیاسی حکومت به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت و در شماره ۱۲ یکی از جلوه های معین مسئله انتخاب نخست وزیر تشریح گشت. در عین حال سیر حوادث و تحولات مبارزه طبقاتی که از جمله در حکومت در جریان است با ردیگر بحران شدت یافته و رقابت دو جناح اصلی حکومت را برای دست یافتن به موقعیت برتر نشان میدهد. طرفین این رقابت بتدریج دوخط می متفاوت و هر چه غور در به مشکلات مقابل حکومت میسر می کنند.

مشکلاتی که ریش از یکسال گذشته در مقابل قدرت سیاسی جدید قرار گرفته است عبارت بوده اند از:
 ۱) پایان دادن به بحران انتقال بی جا معه، سرکوب مبارزات انقلابی و رشدی بنده، توده های که بتدریج خود را از قید و بند تصورات و اسی نسبت با ماهیت و توانایی های حکومت جدید خلاص کرده اند.

۲) بحرکت در آوردن چرخه های اقتصاد دور شکسته، نظام سرما به داری وابسته به امپریالیسم در شرایط انقلابی و در متن مبارزات حساد طبقاتی، شرایط و متنی که هم امپریالیسم و بورژوازی متکی به آنرا از فعالیتهای اقتصادی باز داشته است و هم حکومت را در جلب بورژوازی و تکیه بر امپریالیسم برای رونق اقتصادی ناکام گزارده است.

۳) رقابت های شدید جریانات مختلف ضد انقلابی در بیرون و درون قدرت حاکمه برای باز یافتن موقعیت و دست یافتن بر موقعیت بهتر (رقابت های بین جناح های درون حکومت)

قدرت سیاسی جدید که از همان ابتدا بصورت بلوک نامتجانسی تشکیل گشت با مشکلات فوق الذکر

دست بگریبان بود. با زرگان و داور و دسته او میکوشید تا با احیای موقعیت بورژوازی از هم گسیخته، متحد نمودن تمام دستجات بورژوازی جلب حمایت امپریالیسم و با مهار نمودن تدریجی خرده بورژوازی عنان گسیخته، حاکم از مراکز قدرت، رسالت تاریخی خود را به انجام برساند. چیزی نگذشت که با زرگان و داور و دسته او در مقابل مبارزات انقلابی خلق گردان نظارات و خواسته های توده، زحمتکش از نظر سیاسی سقوط نمود و به موقعیت ضعیفتری در حکومت عقب نشست. اما در عین حال ایمن سقوط سیاسی شکستی بود برای مجموعه هیات حاکمه که حتی با ظاهر سازی های موقت و توخالی خسرده بورژوازی حاکم و بخصوص روحانیت ملهم از آن جبران نکشت. تنها سه ماه اداره مورتوسط شورای انقلاب و جناح غالب بر آن (حزب جمهوری اسلامی) کافی بود تا مکافات حکومت بریک جا معه انقلاب زده و به ستیبریا امپریالیسم برخاسته، دامن گیر این جناح آشکارا بمیدان آمده نیز بشود.

هیات حاکمه متحدانه به تلاشی در حفظ اعتماد دست شده توده ها نسبت به خود پرداخت. هم چنین برای کاهش تشنج بوجود آمده با امپریالیسم مجبور به عقب نشینی بود. این دوفوروت شرایط را برای پیدایش یک جریان ثالث در حکومت بوجود آورد. بنی صدر، جریانی که هنوز از سوی توده ها از پیش نشده اما برای امپریالیسم و نظام سرما به داری و گستاخ میبخش بود. جریانی جدا از نهفت از آن آزمایش شده و رسوا شده و جدا از "حزب جمهوری اسلامی" روحانیت حاکم که خود را در صف مبارزات ضد امپریالیستی جا میزند. "حزب" و روحانیتی که میخواهد "نجات" رفع تشنج میان خود و آمریکا را با انتخاب یک واسطه "با تقوا" ببو. مانند جریانی که در تطابق با خواست باطنی حزب و روحانیت حاکم مبارزه با امپریالیسم را بگونه ای "مطلوب" تفسیر میشوند و خود مسئولیت اجرای آنرا بعهده می گرفت. جریانی که رموز فریفتن توده و جلب اعتماد بورژوازی را میدانست اما تا آن زمان هرگز با از گلیم منتفذ و فاداری به "حزب جمهوری اسلامی" فراتر نگذاشته و در همان مرز میان تصورات مست شده اما هنوز با برجای توده ها به حکومت و قدرت روبه تحلیل رفته اما باقی حکومت در جلب توده قدم میزد.

بخش مهمی از روحانیت از سیاست بنی صدراتیستیانی نمود. حزب حاکم دچار تشنج گردید، تنها کاندیدای مترقی ریاست جمهوری با استفاده از ولایت فقیه کنا رگذارده شد و آراء اکثریت به بنی صدراتی تعلق

امید بورژوازی

تعلق اکثریت آراء به ریاست جمهوری که اختیارات و مسئولیتهای مهمی در حکومت بدست میگرفت و ماهیت بورژوازی ایده ها بر نامه های جریانی که این چنین بقدرت رسیده بود یکی از مهمترین ضعفهای بورژوازی را که همانا فقدان پایه توده ای و محبوبیت سیاسی آن بود جبران مینمود. بورژوازی که تا آن زمان با صادر کردن تحفه های چگون مدیعی و بختیاریا زرگان و امیر انتظام و امثالهم بخت سیاسی خود را در نجات موقعیت طبقاتی روبه پاشیدگی خویش از دست میداد. اکنون بیکیاره و نگفت زده امید جدیدی را در میان صفوف خود می یافت.

امید جدید بورژوازی از صندوق رای، این قبله مقدس بورژوازی، بیرون آمده بود موفقیتی که اخراج بورژوازی از انقلاب راتا مدت ها میتوانست سرپوش گذارد. بورژوازی لیبرال تصمیم گرفت که از این پس "چاقوی بنی صدر را تیز کند" و دستجات مختلف بورژوازی نیز بجای امید بستن به رسوا شدگانی چون بختیار و مدنی به تلاشهای "رئیس جمهور محبوب" چشم میدوختند. اما هر چه دستجات بورژوازی بر پشتیبانی از بنی صدراتیست بر شوق میا مدند. حزب و روحانیت حاکم بیشتر به وحشت می افتاد. خرده بورژوازی حاکم که از همان ابتدای قدرت گیری خود بناچار راه حلها و طرحهای اقتصادی بورژوازی را می پذیرفت و جالب اینست که طرحهای اقتصادی مورد نظر بنی صدر را نیز به اتوبی های خود نزدیک ترم می یافت. اکنون تباب تحمل خروج بورژوازی را از حد یک شریک درجه دوم حکومتی نداشت.

بنی صدر که در ابتدا بعنوان محصول کثاکش و فرمایش درونسی حکومت و محصول تفاخر خرده بورژوازی حاکم با منافع انقلابی توده ها از یکسو و ضرورت رفع تشنج آن با امپریالیسم از سوی دیگر بقدرت رسیده بود، بزودی و بنا به جبر طبقاتی

در موقعیت شایسته خود قرار گرفت .
 رئیس جمهور بفرمان فقیه سا زمانده ارتش تابسان و فرمانده انگشت ، رئیس جمهور براس شورای انقلاب نشست ، رئیس جمهور ما مور برقراری نظم و آرامش بورژوازی گردید ، و پس علیهذا ، حمایت خرد بورژوازی حاکم از رئیس جمهور در این امور ضروری برای موجودیت تمامی هیات حاکمه بزرودی با حرص و آاز خرد بورژوازی در حفظ موقعیت خویش در قدرت سیاسی در تناقض آمد .

خرد بورژوازی فرار گرفت و میگردد که آنکس که بهتر و بیشتر در کردستان سرکوب میکند ، آنکس که بهتر و بیشتر فعالیتهای انقلابی را ممنوع میکند ، آنکس که بهتر و بیشتر "نظم" را در کارخانه و مزرعه و مدرسه و خیابان برقرار میسازد و با لاجرم آنکس که توده را میفریبید و خود را متشکل میکند است که میتواند موقعیت برتر سیاسی را در قدرت حاکمه برای خود حفظ کند . در سهایی که فصول آن را رئیس جمهور و بورژوازی پشتیبان او میدانست و کوشیده است تا همه را بهتر انجام دهد .

دوره اول مختلف بورژوازی خرد بورژوازی حاکم در انجام بهتر این وظایف از ماهیت طبقاتی متفاوت آنها و امکانات متفاوت موجود آنها نشأت میگیرد . خرد بورژوازی حاکم که هنوز با به وسیله در میان توده ها دارد و به تعصبات و علائق مذهبی آنها متکی است بنام خط امام ، " مبارزه فدا میریالیستی " ، انقلاب فرهنگی " و امثالهم میکوشد به مقصد برسد . بورژوازی بنام حاکمیت دولت ، استقلال و تمامیت ارضی ، و بحث آزاد (۱) ، اولی از شکل های خاص خود ، کمیتها ، پاسداران ، انجمنهای اسلامی و شبکه روحانیت و وعظ و مساجد و منابر استفاده میکند و دومی از ارتش ، شهربانی ، بوروکراتهای اداری و امثالهم .

نمایندگان خرد بورژوازی حاکم در طول ۱۵ ماهی که ابتکار عمل را در اداره حکومت داشته اند پایه های وسیع خود را بتدریج از دست داده اند . برخلاف تصور آنها مردم به مسلمانان خالص در یک طرف و مسلمان الحاقی ، " چپی ها " و " روشنفکران غرب زده " و ... در سوی دیگر تقسیم شده و نمی شوند . مردم بر اساس طبقات تقسیم بندی شده اند و تنها در یک تسم بیرون ریاست که میتوان ندید . ندادن تقابلی طبقه کارگر و توده های

زحمتکش شهروده را تا مین نماید . خرد بورژوازی سنتی و روحانیت ملهم از آن با حرکات ارتجاعی خود در حکومت ما هیت ضد انقلابی خود را نشان داده اند . اگر این ماهیت ضد انقلابی برای خلق کرد و ترکمسن در قالب فرستادن " قشون اسلام " از سوی خرد بورژوازی حاکم تجربه شد ، برای کارگران و دهقانان و سایر توده های زحمتکش دیگر مناطق ایران نیز رفته رفته از طریق لمس ماهیت " انجمنهای اسلامی " ارتجاعی ، حمایت آنها از سرمایه داران ، حمایت روحانیت از مالکان و ثروتمندان ، حمایت پاسداران و کمیتها سنا از استعمارگران و با لاجرم ماهیت دستجات و لگردان چاقوکش " حزب الهی " تجربه میگردد . از زمانیکه خرد بورژوازی حاکم به راه ۹۹٪ (بقول خودش) به " جمهوری اسلامی " مینالید تا کنون که در نهاییست (با زهم بقول خودش) تنها ۶٪ مردم به پای صندوقها حاضر میشوند . و تا زه رای نیمی از آنها برای او نامطلوب است ، فقط ۱۵ ماه میگذرد !

کاهش پایه توده های خرد بورژوازی حاکم ، و نیز فرات بردن بورژوازی لیبرال ، او را به اتخاذ شیوه های فوق العاده و اضطرابی جهت حفظ موقعیت برتر در مقابل تعرضات بورژوازی واداشته است . بورژوازی لیبرال در عرض همین ۱۵ ماه از رسوایی اسفنا ربه امید جدیدا سرز خود دست یافته و در طول این مدت نیز از ناراضی های مردم از حکومت ، در جلب آنها بسوی خود و با لاقبل بیطرف نمودن آنها پیشرفت چشمگیری داشته است .

امپریالیسم آمریکا

و مبارزه طبقاتی

امپریالیسم آمریکا بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم سرسپرده خود در ایران ، برای احیای نفوذ خود توجه خود را عمدتاً به رشد قدرت بورژوازی لیبرال در حکومت معطوف داشته است . حضور خرد بورژوازی سنتی در حکومت اگرچه مانعی در مقابل سیر سریع تحولات مورد نظر او نگشته ؛ اما قدرت این خرد بورژوازی بیش از آنچه در تقادیمات مانع امپریالیسم بوده است ، بر علیه منافع انقلابی توده های زحمتکش و فعالیت انقلابی بیون و بویژه کمونیستها بکار رفته است . یعنی بر علیه همان خطری که بقول کارتر در پیمانش به آیت الله خمینی " نظام مشترک آمریکا و ایران

را تهدید میکند " تا قبل از اشغال سفارت " امپریالیسم آمریکا " سیر مطلوبی " را مشاهده میکرد که ژنرال هویز و سایر لیوان ها مقدمات آنرا فراهم کرده بودند . و حتی پس از دوره ای کوتاه بعد از اشغال " سفارت " نیز عقب نشینی خرد بورژوازی حاکم از درخواستهای اولیه خود و قدرت گیری مجدد بورژوازی این " سیر مطلوب " را تا آنجا ادامه داد که بهیام معروف کارتر تمهین آنتس .

فرورتهای بین المللی و استراتژیک برای نشان دادن موقعیت امپریالیسم آمریکا حتی تا شش ماه پس از واقعه " اشغال سفارت " نتوانست خطرات ناشی از اقدامات شدید و نظامی بر علیه ایران را برای امپریالیسم موجه نماید . زیرا گذشته از خطر نوعی عکس العمل از سوی شوروی و پیدایش وضعیت در منطقه حساس و نفت خیز خلیج فارس ، خطر سقوط همیشگی بورژوازی از قدرت و از هم پاشیدگی ارتش که امده سالی اصلی امپریالیسم آمریکا در سراز گرداندن ایران به دایره سلطه کامل بوده اند نیز خطری غیر قابل تحمل برای آن بوده است . کما اینکه تجاوز نظامی آمریکا با اینکه همان حسد واقع پس باقی ماند ، اعتراضات شدیدی از سوی محافل مختلف امپریالیستی برانگیخته و سو ظن های شدیدی را از سوی مردم نسبت به ارتش " جمهوری اسلامی " و فرماندهان آن برانگیخت . سو ظن هایی که خرد بورژوازی حاکم از آنها برای کوبیدن بورژوازی استفاده نموده و می نماید .

هرگاه اقدامات امپریالیسم آمریکا بگونه ای باشد که موافقی که حکومت در مقابل مبارزه ضد امپریالیستی توده ها بوجود آورد بخورد کند و مبارزه ضد امپریالیستی این گیرد ، انعکاس این وضعیت در درجه اول سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال و در هر یختن بیژن کمال کوشش آن در احیای دستگاه اداری و نظامی کنونی است . سقوطی که نه تنها قدرت سیاسی را از مزیت حضور موثر بورژوازی در آن برای امپریالیسم تهی خواهد کرد . بلکه امکانات بهره برداری موجود توده ای آن را نیز برای همیشه از سوی امپریالیسم از میان خواهد برد . خواه بصورت قبضه کامل قدرت توسط خرد بورژوازی حاکم که هنوز قدرت مندترین نیروی سیاسی در مقطع کنونی را تشکیل میدهد ؛ خواه در رشد سریع نیروهای انقلابی و مبارزات توده های که آنها برای

کسب قدرت سیاسی حرکت در می آورند نتیجه هر چه باشد چه حکومت خرد بورژوازی که بتدریج در حیطه نفوذ شوروی درآید ، و چه ویتنامی که برای شکست قشون آمریکا مبارزه میکند ، اگر چه دو شرایط متفاوت را برای انقلاب بوجود می آورد ، اما برای آمریکا تنها یک نتیجه دارد : خروج آمریکا از دایره نفوذ آمریکا و متحد بنشی و بهم خوردن شدید نظام امپریالیستی در منطقه (۱)

ظا هرا امپریالیسم آمریکا در مقطع کنونی خطرات ناشی از اقدامات شدید و نظامی علیه ایران را تشخیص میدهد و عملیات خود را در حد ما نورسای تهدیدی و تجاوزات ایذایی نگاه میداشته است و امید خود را به تشکیل جبهه و جذب بورژوازی بسته است . در هر صورت انقلابیون و بویژه کمونیستها حتی از تجاوزات امپریالیسم آمریکا اقدامات عوامل مستقیم و سازمان یافته اود ایران را نمیبهراند و لحظه ای دست از مبارزه انقلابی بر نخواهد داشت . کمونیستها جنگ توده ای بر علیه قشون آمریکا در ایران را با انقلاب برای کسب قدرت سیاسی و سرنگونی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم تبدیل خواهند نمود .

کمونیستهای ایران بهیچ وجه چون رهبران خائن حزب توده قبیل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد منفعل نخواهند ماند و از آماج توده ها در سیج انقلابی بر علیه تجاوز امپریالیسم ، تا کسب قدرت سیاسی توسط توده زحمتکش به بهترین وجه استفاده خواهند نمود .

بر خلاف کسانی که تصور میکنند " مبارزه طبقاتی از منظر مبارزه ضد امپریالیستی میگذرد " (۱) هیچ طبقه ای مگر به حکم اجبار و ضرورت منافع طبقاتی (۱) در طبقه مشترک با طبقه دیگر جمع نمیگردد . تهدیدهای امپریالیسم آمریکا دورکن اصلی قدرت سیاسی حاکم را بجان یکدیگر انداخته است زیرا حداقل یکی از آنها (خرد بورژوازی حاکم) درست بهمان خاطر که منافع طبقاتی خود را راجع بر هر چیز دیگر میدانند ، حتی از تشنج ناشی از تهدیدات آمریکا حداکثر استفاده را برای قبضه کردن قدرت سیاسی بکار میبرد . زیرا میدانند که اگر امروز از این شرایط مساعد که هنوز پایه توده ای و هرمهای موثر سازماندهی دارد از تمام نقطه ضعفهای طرف مقابل برای عقب نشاندن او در تعرضی که آغاز کرده استفاده نکنند فردا موقعیتش بر مراتب

بحران و...

بدتر خواهد بود. تا زمانیکه بورژوازی لیبرال امید خود را در حکومت از دست نداده است این کشمکش بمورگوناگون مجاهدشکار و گاه نهان ادامه خواهد داشت.

هر طبقه ای هر مقوله اجتماعی و از جمله مبارزه ضد امپریالیستی را بنوعی تفسیر و بنوعی تصویر مینماید. بورژوازی لیبرال اکنون مبارزه ضد امپریالیستی را خلع سلاح انقلاب بدنبال میکند. با وا داشتن انقلابیون به تعطیل فعالیت های انقلابی و پیش گرفتن شیوه بحث آزاد! یاد دعوت آنها به تبعیت از او در خنثی نمودن اغتشاشات داخلی که گویا به تحریک آمریکا و یکم "حزب الهی" و کلا غرب ده بورژوازی حاکم در قالب حکومت فاشیستی مذهبی جلوه گر خواهد شد. دنبال میکند بورژوازی لیبرال در این مبارزه طبقه ای خودتکیه به ارتش و وجیه "محبوب" خود و نیروی توده ای سازمان های انقلابی و مترقی مضطرب و فریفته شده را در نظر دارد.

خرده بورژوازی حاکم نیز ایضاً مبارزه ضد امپریالیستی را ادامه

سرکوب و کشتار خلق کرد، اجسرای "انقلاب فرهنگی اجتماعی" فرستاد. دن دستجات حزب الهی به خیا با آنها برای ضرب و جرح مبارزین، و تحریک توده بر علیه انقلابیون و کمونیستها تفسیر میکنند. و نیز در این مبارزه طبقاتی خود، به فلج نمودن ارتش توسط نفوذ خود در آن، به پایا توده ای روحانیون، به امکانات کمیته ها و پاسداران و تشکلهایی نظیر - انجمن های اسلامی در موسسات تکیه میکند. و نیز هدف خود را خنثی نمودن توطئه کودتا بی بنفعا امپریالیسم میدانند و از انقلابیون و کمونیستها دعوت میکنند که از او به احترام "خط ضد امپریالیستی امام" و به احترام خرده بورژوازی بودنش تبعیت نمایند تا جهنمی "فردا" امپریالیستی "برایمان تدارک ببینند.

"خطر کودتا" بیش از آنکه از وقوع آن نشأت بگیرد در خدشه ای است که در ذهن انقلابیون و توده های مردم نسبت به مبارزه طبقاتی صورت میگیرد. دو جناح اصلی حکومت میکوشند تا مبارزه طبقاتی را در جدالهای میان خود خلاصه کنند و بنام مبارزه با امپری-

الیسم، فاشیسم، کودتا و... رهبری توده ها را در گشودن جبهه ای بر علیه طرف مقابل بدست بگیرند. کمونیستها با بدست اندر کار گشودن جبهه انقلابی مستقل پرولتاریا و متحدین آن بر علیه امپریالیسم بورژوازی متحد آن و برای کسب قدرت سیاسی بشوند.

بحران سیاسی در حکومت اکنون از بعد درونی آن خارج گشته و در جستجوی پایه بیشتر برای خارج از خود کشیده میشود، حاکمین از ما میخواهند که برگزینیم: حمایت از بورژوازی لیبرال بر علیه خرده بورژوازی حاکم تنگ نظری یا تبعیت مرتجع بخاطر اینکه قول آزادیهای بورژوازی را میدهد؛ و یا حمایت از خرده بورژوازی بر علیه بورژوازی لیبرال، فردا فاشیست؛ زیرا که خرده بورژوازی گویا "خلعتاً" ضد امپریالیست است (!).

کمونیستها با بدرا ندیشه ایجاد صف مستقل پرولتاریا و متحدین او باشند. آنچه برای کمونیستها در درجه اول قرار دارد: اولاً: دستیابی به وحدت اصلی در میان خود است زیرا که با وضعیت

کنونی هیچ سیاسی را بطور جدی نمیتوانند دنبال کنند. ثانیاً: اتحاد نیروها و انقلابی پرولتاریا و متحدین او برای بسیج انقلابی توده ها جهت نیل به قدرت و مقابله با هر مانع ضد انقلابی در این راه است. ثالثاً: دعوت پرولتاریا و توده های زحمتکش به آن مبارزه ای است که در پروسه آن وظایف فوق یغنی بقیه در صفحه ۷



بقیه از صفحه ۱

شورش سپاهان امریکا...

امریکا با کمک غارت و بهره کشی وسیع از کشورهای دیگر جهان و در بین راه کشتار و سرکوب وحشیانه خلقهای آن کشورها میتواند است که با فشار توان سرمای سرمایه را برگرداند و گریبان و زحمتشان خود آمریکا اندکی کاهش بخشد، و در نتیجه مانع از نیروزیایی عبارت از دقیقتر با لا گرفتن مبارزات خونین خلق آمریکا بر علیه حکومت آن میگردد. آمریکا نابکاراننداختن سود و سرمایه های خود در کشورهای دیگر امکان آن را مییافت، که از تورم سرمایه و برگردش نیفتادن در آمریکا و در نتیجه رکود و بیکاری جلوگیری نماید. و بدین طریق امکانات کار، بیمه بیکاری و آسایش نسبی برای اکثریت خلق آمریکا فراهم سازد. در واقع آمریکا یکم کشتار خونریزی و سرکوب وحشیانه خلقهای کشورهای دیگر، با رفتار خونبار سرمایه را از گرده کارگران و زحمتکشان خسود

میگاست، و به بهانه های جنایت ها و قتل عام های فراوانش در کشورهای دیگر نسبت سرکوب و کشتار خلق خود را پائین میآورد، و حتی نا چیز میساخت. اما اینک بنظر میرسد، که عصر خوش آمریکا ثانیان پایان رسیده، و دروان آرمش طلایی آمریکا بسر آمده است. اینک خلقهای کشورهای تحت سلطه یکی پس از دیگری خود را از زیر چنگال سلطه امپریالیسم رها میکنند. و نفمی در آزادی و براحتی میکنند. اینک خلقهای کشورهای دیگر با آزادی از زیر یوغ سنگین امپریالیسم امکانات وسیع سود آوری کلان سرمایه های امپریالیستی را که در متنی از سرکوب خشن و اختناق و کشتار برگردش در میآید، متوقف ساخته و پا کاش میدهند. و در نتیجه این امکان را از آمریکا سلب میکنند. که بحران ذاتی سرمایه داری را از دو طرفه خالی کند و آسودگی کشورهای تحت سلطه سرمایه امپری-

لیستی ما در نماید. آمریکا ناگزیر است که بخش قابل توجهی از فشارها و عواقب بحران عمومی سرمایه داری را در خود حفظ کند، و آنها را برگرداند. کارگران و زحمتکشان خودتحمیل نمایند. نرخ تورم آمریکا به ۱۴ درصد و نرخ بیکاری در آن به بیشترین حد از پایان جنگ ویتنام بدینسورسیده سرمایه گذارها کاش یافته، و در انگلیس جفت طبیعی آمریکا نرسخ بیکاری به بیشترین حد از پایان جنگ جهانی دوم بدینسورسیده است. به همین خاطر است که اعتراضات دورن جامعه آمریکا روز بروز خشن تر و اساسی تر میگردد، فقر و تنگدستی ناشی از بحران که گریبانگیر توده های زحمتکش بخصوص سپاهان، گردیده زمینه تا شیرجندی و بروز سایر عوامل ناراضی مانندی تبخیش و مناسک سیاسی دیگر میشود. چشم انداز بروز اعتراضات

و ادامه مبارزات زحمتکشان بر علیه ستم و زور امپریالیسم تیره و تار - از نظر امپریالیستها - میباشد. این چشم انداز از آنرو تیره تر میشود که در کشورهای تحت سلطه امواج اعتراض و مبارزه بر علیه سلطه سرمایه در حال خیزش است. آمریکا مرکزی در تب شورش و انقلاب میسوزد، و شیلی و آرژانتین زیر خا کمتروند. ترکیه در آستانه قرار گرفتن در وضعیت انقلابی است و کره سخت دستخوش التهاب و هیجان انقلابی است. به نحویکه در اغلب شهرهای آن تظاهرات عظیم سیاسی بر علیه رژیم حاکم صورت گرفته، و اوضاعی شبیه زمستان ۵۷ ایران را بدست آورده است. شورش و آشوب در کشورهای تحت سلطه آمریکا و نیز در شهرهای داخلی آمریکا خبر از آینده بی خوش برای پرولتاریا و خلقهای تحت ستم میدهد و در واقع ناقوس سرگ امپریالیسم بمدا درآمده است. ■

بقیه از صفحه ۲

امپریالیزم آمریکا...

بحران و...

بقیه از صفحه ۶

نظم بورژوازی وابسته، ابزاری و پایگاه مناسب تشبیه نظام سرمایه داری وابسته و تا مین منافع امپریالیسم نمیباشد. پایگاه طبیعی و مناسبات امپریالیسم در ایران، بورژوازی و وابسته است که در حال حاضر بورژوازی لیبرال منافع آنرا نمایندگی میکند. جناح خرده بورژوازی - روحانی بلوک سیاسی بسیار وجودا اینکه در خدمت تشبیه و استقرار نظام سرمایه داری وابسته و در جهت سرکوب مبارزات انقلابی توده ها بر علیه نظام عمل میکند، باز بدلیل خصوصیات خرده بورژوازی و روحانی موجود در آن، پایگاه مناسب و طبیعی امپریالیسم محسوب نمیشود، و حتی تا حدودی سد راه تا مین منافع امپریالیسم میباشد.

امپریالیسم تا مدتی ادامه داشت که خمینی و جناح خرده بورژوازی ای حکومت کلا تبدیل به اهرم قدرت سرمایه داری وابسته گردید. و حال بخوبی در بافته است که انطباق و همسویی منافع امپریالیسم با خرده بورژوازی حاکم نه تنها تا مین نشده، که حتی چشم انداز آن در رابطه با شرایط طبقاتی جامعه تیره و تار است. بنا بر این امپریالیسم برای حفظ و تا مین منافع خود چاره بینی جز تلاش برای تقویت بورژوازی لیبرال بزیان خرده بورژوازی حاکم ندارد. و درست در این مسیر است که امپریالیسم از هیچ کوشش دریغ نمیورزد، حتی اگر مسئله دخالت نظامی امپریالیسم در میان باشد. اما باید توجه داشت که باز بدلیل اینکه گفتیم این تلاش آمریکا بصورت غیر مستقیم و در پوشش کمک به بورژوازی لیبرال یا لاقابل بخشی از آن تحقق میپذیرد، بدین معنا که بورژوازی لیبرال یا بخشهایی از آن علی رغم عقب نشینی های اجباری که در برابر جناح خرده بورژوازی حاکم داشته باشد، زبانی، ناگزیر دست به اقدامات حاد و توطئه های بی نظور و غلیبه یافتن بر حریف حکومتی خود خواهد زد، و زمینه مناسب برای دخالت آمریکا فراهم خواهد شد. اینکه توطئه های بورژوازی لیبرال به منظور تصرف هژمونی در قدرت بچشم

صورت باشد، قابل پیش بینی نیست، ولی آنچه با قاطعیت میتوان گفت، اینست که بورژوازی لیبرال در برابر اوضاع پراشوب کنونی و قدرت برتر خرده بورژوازی سنتی مرفه ناگزیر از دست زدن به قمار قدرت است. امپریالیسم نیز این امر را تحریک و تقویت مینماید. و در این صورت در گرفتار جنگ انقلاب و ضد انقلاب، نا همدنگ درون فدا انقلاب خواهیم بود.

در چنان وضعیتی است که امپریالیسم برای تقویت پایگاه طبیعی خود، یعنی بورژوازی لیبرال حتی به دخالت نظامی بصورت کمک به جناحی از طرفین درگیری و متحاصم میادرت خواهد نمود. در این حالت، امپریالیسم با داشتن پایگاه نیر و مندی که بخشهایی از بورژوازی لیبرال، ارتش و احیاناً بخشهایی از توده های فریب خورده، از جمله بخشهای عقب مانده عشاری باشند، خواهد توانست هم با تجربه ایران و دفاع از منطقه نفوذ و قدرت جناح متمایل به خود که قطعا جنوب ایران و منطقه نفت خیز باشد، منافع حیاتی خود را در منطقه خلیج فارس را پاسداری کند، همه فضای جنگی مطلوب و مورد نیازش را فراهم آورد.

در صورت وقوع آنچه گفته شد، که احتمال آن بعید نیست، اوضاع پیچیده مبارزه طبقاتی کنونی بفرج تر شده، و وظایف کمونیستها و انقلابیون حساس تر و دقیق تر خواهد گشت. کمونیستها پیش و پیش از هر چیزی باید در جهت ایجاد دمف واحد و مشکل خود بعنوان نمایندگان طبقه کارگر تلاش نمایند. و این مهم را چه بصورت وحدت وجه در شکل اتحاد و اختلاف جامعه عمل بپوشانند. و در عین حال برای تقویت بلوک انقلابی بر علیه امپریالیسم و پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته سعی نمایند که با دموکراتهای انقلابی، جنبه مشترک انقلابی بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته تشکیل دهند.

از این گذشته در چنین اوضاعی طبیعی است که تا ما ج جمله کمونیستها و انقلابیون در درجه اول و عمدتاً باید

پاسداران طبیعی و عمده نظام سرمایه داری وابسته یعنی بورژوازی لیبرال و متحدان امپریالیسم باشند. کمونیستها و انقلابیون باید بجا نند از تضاد خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم در مبارزه بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته استفاده نموده، و حتی در صورت مقتضی و در جهت نابودی نظام سرمایه داری وابسته، خرده بورژوازی حاکم را که مهرضدا انقلابی است، ریشخانی خود دارد، به ائتلاف با خویش بکشانند، و ضدیت آنرا با امپریالیسم نشان دهند. اما باید توجه داشت که توجه ری وابسته نمایند. اما باید توجه داشت که تحقق چنین تاکتیکی و بهره گیری انقلابی از تضاد خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم مستلزم نیرو مندی و استحکام صف مشکل چپ و جبهه انقلاب میباشد. ■



* - لازم به توضیح است که بورژوازی لیبرال بعنوان پاسدار اصلی و طبیعی نظام سرمایه داری وابسته همیشه در مقابل پیکان حمله انقلاب قرار دارد، و حتی در شرایط حاضر که مواجه با چشم انداز تصویر شده در مقاله هستیم، بخصوص در شرایطی که قبل صحبت از آن کرده ایم که در مقابل تهاجم وسیع جناح خرده بورژوازی حاکم بر علیه انقلاب لبه تیز حمله را باید متوجه این گروه بورژوازی ساخت، باز ما بخوبی هیچ درنگ و تردیدی به مبارزه قاطع و انقلابی با بورژوازی لیبرال میپردازیم. بعبارت دیگر، اینکه لبه تیز حمله ما در حال حاضر متوجه خرده بورژوازی است و به هنگام اوضاع پیش بینی شده متوجه بورژوازی لیبرال میگردد، بهیچوجه بمعنای پذیرش اجتمالی همکاری و ائتلاف با بورژوازی لیبرال در لحظه حاضر نخواهد بود.



رشد رهبری کمونیستی در مبارزات طبقاتی پرولتاریا، اتحاد نیروهای انقلابی متحدین و بسیج انقلابی توده تا مین گرد و نیل به قدرت را به اجرا در آورد. وظیفه کمونیستها سازماندهی و هدایت پرولتاریا و توده های زحمتکش برای نیل به قدرت سیاسی است. کمونیستها در این راه در هر عرصه که به رشد آگاهی و آماجگی طبقه کارگر و متحدین آن کمک نماید مبارزه خواهند کرد و در این راه به هرگونه اتحاد دموقت و کوتاه مدت دست خواهند زد. اما آنچه امروز برای پیگیری هر چه بهتر و بیشتر در انجام این وظیفه مبرم ضرورت درجه اول دارد، گسترش تبلیغ و ترویج سازماندهی پرولتاریا و توده های زحمتکش در سطوح گوناگون است.

مضمون تبلیغ و ترویج کمونیستها نمیتواند چیزی جز افشاگری ماهیت ضد انقلابی بلوک سیاسی حاکم، گوشزد نمودن آینده مبارزات طبقاتی و جنبش انقلابی در جامعه و ضرورتهای ناشی از آن باشد. به این صورت است که ضرورت تشکل توده ها در صفوف سازماندهی انقلابی کمونیستها تا آن حد که عرصه تبلیغ و ترویج بر آورده میگردد سازماندهی کمونیستها نیز چیزی جز تشکل نمودن توده ها در بهترین اشکال ممکنه و از جمله عالی ترین شکل آن آماجگی مسلحانه برای جنگ توده ای بر علیه امپریالیسم و بورژوازی متحد امپریالیسم نمیتواند باشد. سازماندهی کمونیستها بهیچوجه نمیایست به تعمیق و گسترش هر چند ضروری شورا های کنونی محدود شود. کمونیستها میبایست در اندیشه ایجاد اشکال جدیدی از سازماندهی توده ها باشند. اشکالی که تحت هدایت کمونیستها بتوانند ضرورت مبارزه حاد طبقاتی جاری و دو زبانی سرخ آن پاسخ دهد. ■

بقیه از صفحه ۱

راه کارگر . . .

بهر ترتیب این مسئله بوجود آمد که آیا باید شعار "دفاع از میهن" را در دستور کار قرار داد؟ آیا باید نیروهای اجتماعی و طبقات مختلف را حول شعار دفاع از میهن خودببر علیه امپریالیسم آمریکا متحد نمود؟ آیا شعار دفاع از میهن شعار صحیحی است و با اوضاع کنونی ما انطباق دارد؟

دفاع از میهن به چه معنا قابل تصدیق است؟

این مسئله تا آنجا که مربوط به تئوری و پراتیک مشخص ما یعنی انقلابات جهان و مبارزات طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیسم باشد، روشن است. شعار "دفاع از میهن" هنگامی که مسئله "انقلاب پرولتری" در جنگی غیر عادلانه، یعنی جنگ میان امپریالیست ها برای تقسیم جهان و به بنام بردن سرزمینها و منابع خلقهای دیگر، مطرح است، شعاری بورژوازی و برضد مصالح پرولتاریا است. لنین میگوید ما هنگامی که امپریالیست ها بجان یکدیگر میافتند و کارگران و زحمتکشان را به خاطر مصالح سرمایه به روبروی ما با هم و کشتار یکدیگر میسازند شعار جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی و انقلاب تبدیل کنیم را میدهیم. و کارگران و زحمتکشان را آماده و تربیت میکنند تا به جای افتادن به جان هم برای مطامع امپریالیست ها، با یکدیگر متحد شوند و امپریالیست ها را سرنگون سازند. جنگ را، جنگ امپریالیست ها با یکدیگر را به انقلاب تبدیل میکنیم. این امر همانطور که در تاریخ سوسیال دموکراسی اروپا اساس یک انشعاب بزرگ محسوب میگردد، از لحاظ تاکتیک پرولتاریا یایی نیز نکاتی بس آموزنده و اساسی در بر دارد. در آستانه جنگ اول جهانی، انترناسیونال دوم به دو جناح سوسیال شوونیست، سوسیال سیال دمکرات حقیقی و یا مارکسیست - لنینیست تبدیل شد و دفاع طلبان بورژوازی، همه اپورتونیست ها بر علیه تاکتیک لنین که خواهان انقلاب در مقابل جنگ امپریالیستی بود به دفاع از میهن روی آورند. و بدینوسیله خیانت بزرگ خود به طبقه کارگر و خدمت نوکرانه خود به سرمایه را، به بورژوازی خودی نشان دادند و عملی کردند. آنها از پرولتاریا خواستند که بجای انقلاب با بورژوازی تو - سه طلب و امپریالیست خود متحد گردند و از میهن دفاع کنند. آنها مبارزه طبقاتی را بغیرا موشی و عملاً به دفاع از بورژوازی خودی پرداختند.

اما، وقتی جنگی عادلانه، جنگ میان خلقهای تحت ستم و امپریالیسم، پرولتاریای انقلابی و بورژوازی امپریالیستی مهاجم، در جریان است، مفهوم شعار دفاع از میهن تغییر مییابد. لنین در این مورد میگوید:

"ما نباید بگذاریم با حرف اغفالمانمایند، مثلاً مفهوم "دفاع از میهن" برای خیلی هانفرت انگیر است. زیرا اپورتونیست های علنی و کائوتسکیست ها بکمک آن دروغ بورژوازی را در جنگ غارتگرانه فعلی استتار و پیرده پوشی مینمایند. این یک واقعیتی است. ولی از این واقعیت چنین نتیجه نمیشود که ما باید از تفکر دربارها همیست شماره های سیاسی دست بکشیم. "دفاع از میهن" را در جنگ فعلی فقط و فقط وقتی میتوان تصدیق کرد که جنگ عادلانه یعنی مطابق با مصالح پرولتاریا باشد، زیرا هیچ جنگی امکان هجوم را منفی نمیسازد. سفاقت صرف بودهرآینه "دفاع از میهن" از طرف سلسل ستمکش در جنگ آنها برضد ولت های بزرگ امپریالیستی و یا از طرف پرولتاریای پیروزمند، در جنگی برضد فلان "کالیفه" دولت بورژوازی نفی میشود.

از نقطه نظر تئوری کاملاً اشتباه بوده آریته فرا موش میشود هر جنگی فقط ادامه سیاست با و سایل دیگر است، جنگ

امپریالیستی فعلی ادامه سیاست امپریالیستی دوگروه از کشورهای بزرگ است و این سیاست معلول مجموعه مناسبات عصر امپریالیستی بوده و از آن نیرو میگیرد. ولی همان عصرناگزیر با بد موجب پیدایش سیاست مبارزه برضد ستمگری ملی و سیاست مبارزه پرولتاریا برضد بورژوازی گردید و آن نیرو بخشد و بهمین جهت اولاً قیامها و جنگهای ملی، انقلابی و ثانیاً جنگها و قیامهای پرولتاریا برضد بورژوازی و ثالثاً وحدت هر دو نوع جنگهای انقلابی و غیره را ممکن سازد. لنین - برنامہ جنگی انقلاب پرولتری منتخبات فارسی - ص ۲۲۲

این نشان میدهد که طرح شعار دفاع از میهن فقط و فقط در چه شرایطی قابل تصدیق است. وقتی امپریالیسم به جنگ علیه خلقی میپردازد، با خلق تحت ستمی بر علیه امپریالیسم قیام میکند و به جنگ عادلانه دست میزند، در چنین شرایطی دفاع از میهن با مفهوم مشخص همراه بود و شعاری قابل تصدیق است و برای پرولتاریا هنگامی که پیرومند آن به ستم است و سوسیالیسم مشغول است و امپریالیسم دست به تجاوز و جنگ اشغالگرانه به کشور سوسیالیستی میزند، دفاع از میهن کاملاً قابل تصدیق است.

اما معنی فقط و فقط معنی عینی آن شرایط و وجود آن شرایط بطور مشخص میباشد. تا زمانی که چنین شرایطی ایجاد نشده است، و چنین وضعیتی ایجاد نگردیده، طرح این شعار، و کوشش برای جلب نیروها حول آن و اجرای همه تاکتیک های مربوط به این امر، خود بخود کوششی برای قریب توده ها و غلبه بر مبارزه طبقه سوسیالیستی است و هنگامی که چنین شرایطی نیز بوجود می آید، بنا به موقعیت معین نیروهای طبقاتی و مبارزه جاری آنها، بنا به تضادهای طبقاتی موجود است، که ما به دفاع از میهن در برابر امپریالیسم میپردازیم. قصد ما اینست اولاً شیوه برخورد به مسئله، ثانیاً امکان چنین تجاویز را در حال حاضر و ثالثاً موضع صحیح و طبقاتی را در این حالت توضیح دهیم.

پیش از هر چیز بگوئیم، که راه کارگر، در مقاله در کجا ایستاده ایم - شماره ۲۲ کوشش میکند همین مناسبت را با شیوه خود توضیح دهد. ما به این شیوه و تاکتیکهای راه کارگر نیز بر خورد میکنیم.

۲- منشور مبارزه ضد امپریالیستی

اینک که بر ما روشن گردید شعار دفاع از میهن فقط و فقط به چه معنا قابل تصدیق است نگاهی به اوضاع و احوال جاری و توصیه های راه کارگر شماره ۲۲ بیفکنیم. راه کارگر میگوید:

"تردید نیست در حال حاضر میهن ما در معرض تجاوز امپریالیسم آمریکا و متحدان آن قرار دارد و تردیدی نیست که وظیفه تمام نیروهای انقلابی و ترقیخواه ما زمان دادن مبارزه و مقاومت ضد امپریالیستی خلق بزرگمان در برابر آمریکا است." راه کارگر - شماره ۲۲ ص ۶، همه جا تأکید از ماست.

نکته فوق را از دل و لحاظ باید بررسی کنیم. اولاً در حال حاضر امپریالیسم آمریکا به ایران تجاوز مینماید یا نه؟ و چرا؟ ثانیاً: چنین تجاوزی در چه شرایطی و چگونه انجام خواهد گرفت؟ راه کارگر به جای آنکه زمینه مادی و عینی ابدقت بررسی کرده نیروهای داخلی و شرایط بین المللی امپریالیسم را مورد چند و چون قرار داده باشد، ناگهان فریاد میزند: میهن در معرض تجاوز امپریالیسم قرار دارد! آیا واقعاً چنین وضعیتی موجود است؟ امپریالیسم آمریکا با یک ما نور نظامی و تجاوز آشکار به خاک ایران، بسود متحدین داخلی و برای انجام یک سلسله اقدامات دیگر، در اوضاع موجود تسبیحاتی وارد کرده است. اما آنچه که مهم است خود تجاوز و جنبه اساسی



راه کارگر . . .

این عمل امپریالیسم آمریکا است. در حال حاضر شرایط نشان می‌دهند و همه تحلیل‌های نیز آن را به اثبات میرساند که تاج و زامپریالیسم آمریکا در حال حاضر تنها مورد تردید است بلکه خصوصیت اصلی تحولات موجود نیست و امری است که در شرایط پیچیده تری متحقق خواهد شد. نه تنها بحران در درون بلوک و محافل امپریالیستی، بلکه اوضاع استراتژیک منطقه، و عدم وجود یک پایگاه داخلی نیرومند و شرایط مسا عدرونی، وجود مبارزه طبقاتی حاد که در عین حال بر علیه امپریالیسم بوده و میتواند آنرا تهدام کامل قیود وابستگی و ناپسندی متحدین داخلی امپریالیسم و خلاصه اضمحلال سیستم به پیش برود، همه و همه در حال حاضر چنین امکان ضعیف کرده است. یک حرکت آمریکا در طین به افتاء ارتش وابسته به آن و بورژوازیهای خوش خدمت امپریالیسم منجر گردید. آنها عملاً تضعیف شدند و در ذهن توده‌ها عموماً در مورد آنها سؤالاتی بوجود آمد. ما در همین شماره نشریه رزمندگان در مقاله‌ای وضعیت امپریالیسم آمریکا و امکانات آنرا از لحاظ تجا و وزنظامی بررسی کرده ایم. بنابراین شرایطی (چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین المللی) که تحت آن بتوان تجا و زامپریالیسم به میهن را به عنوان یک امر اساسی و در حال حاضر ممکن ارزیابی نمود وجود ندارد. و طرح دفاع از میهن در مقابل امپریالیسم بدون وجود زمینه عینی آن نشانه غفلت از شرایط عمومی موجود است.

امپریالیسم آمریکا تجا و وزنظامی خود را به ایران در شرایطی عملی میکند که از لحاظ داخلی، عمدتاً پایگاه درونی مستحکم را بوجود آورده باشد و برای حمایت از آن و در جهت تامین منافع خود با آنکه به این پایگاه عمل نظامی اش را صورت دهد. در حقیقت کلیه شبکه‌های جاسوسی در پرو و کراسی و ارتش و سایر سازماندهی‌های امپریالیسم آمریکا از او آگاهی و نیروهای سرمایه دار وابسته همه در این جهت متباند. معنی این امر کوشش امپریالیسم در شکستن بلوک سیاسی حاکم است. تقویت بورژوازی لیبرال و تضعیف جناح خرده بورژوازی حاکم. زمینه چینی برای قدرت یابی بورژوازی لیبرال در بلوک سیاسی حاکم و ایجاد چنان شرایطی که جناح بورژوازی بتواند به تعرض حقیقی بر علیه خرده بورژوازی حاکم دست بزند. آنکه همه شبکه‌های داخلی و خود امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برای دخالت خود، و برای انجام تعرض موقعیت مناسب را خواهند یافت. در چنین شرایطی همه قوای امپریالیسم در جهت دفاع و پشتیبانی از بورژوازیهای میهنی که سود خود را در رابطه با امپریالیسم و حمایت آن میبینند، متمرکز خواهند نمود. واضح است که اقداماتی از قبیل فرستادن نیروهای طرفدار ریختارویا شاه‌خاثن به ایران، حتی اگر با شرکت نیروهای آمریکا بی همراه باشد، در شرایط موجود، یک تاکتیک محکوم به شکست فوری است؛ بزودی منهدم و منهزم خواهند شد. قالیسی که آمریکا میتواند عملیات خود را در دل آن به پیش برد دیگر نه بختیار و شاه‌خاثن که، بورژوازیهای وابسته‌های بوروکراتیک و نظامی وابسته به آمریکا و شخصیت‌های نامدار بورژوازی لیبرال میباشد در حقیقت تجا و وزنظامی آمریکا به ایران نمیتواند جدا از آگاهی بلوک سیاسی حاکم باشد. این بلوک بورژوازی لیبرالی، خرده بورژوازی، بلوک متناقض است. مشخصات اصلی بورژوازی لیبرال در این بلوک، همانا کوشش در ایجاد شرایطی کاملاً مسا عدبرای راه اندازی سیستم و ارتباط آنکارو عمیق با امپریالیسم آمریکا و تامین جدی منافع آنست. بورژوازی لیبرال یک پای اساسی سرکوب در هیات حاکمه، درست همپای جناح خرده بورژوازی حاکم میباشد. آنها هر دو از این لحاظ، یعنی از لحاظ نیت با انقلاب و خلق، از لحاظ حفظ سیستم موجود و وحدت دارند. اما خرده بورژوازی حاکم نمیتواند بنا به ماهیت، آنگونه که جناح بورژوازی بلوک حاکم کوشش میکند، بزیبار و وابستگی اینچنین نسبت به امپریالیسم آمریکا برود. آنها استقلال طلبی و آرای تضادها بی با امپریالیسم هستند آنها بانظم مطلوب بورژوازی لیبرال تاکنون

به شیوه خود در افتاده اند در حالیکه عملاً در حفظ سیستم و سرکوب و کشتار خلقها کل بلوک حاکم اتحاد دارد. ما شاهد تضادهای جناح خرده بورژوازی وایی با امپریالیسم آمریکا و عملکرد آن در افشای ارتش، در افشای بورژوازی لیبرالها در کروگان شگری جاسویان آمریکایی، و بوده و هستیم. و همینطور شاهد وحدت منافع بورژوازی لیبرالها، تلاش در جهت احیاء آمریکا بی ارتش و زمینه چینی در خدمت به امپریالیسم آمریکا بوده ایم. از این لحاظ چنین بلوک نمیتواند منبای تجا و زامپریالیسم قرار گیرد. و عملاً نیز بحران اقتصادی - سیاسی جاری ایسین بلوک را در درون خود به صف بندی کشانیده است و جریانات سیاسی اخیر این امر را بهتر و آشکارتر نشان میدهد.

اما مبارزه توده‌ها، و توسعه آن اولین و مهمترین مشخصه اوضاع کنونی است. این مبارزه در کردستان، در کارخانه‌ها، در میان دهقانان و در دانشگاهها جریان دارد. مبارزه‌ای است که به تمام معنی ارگانهای سرکوب و کشتار رژیم (بلوک سیاسی حکومت) راه میدان کشیده است. **تولید به قهر**، در مقابل با توده‌های انقلابی مردم، در وحشیانه ترین شکل آن، قانون حرکت خارجی هیات حاکمه، یا دقیقتر حرکت آن در مقابل خلق است. یک نگاه کلی نشان میدهد که توده‌ها در خط انقلاب و هیات حاکمه در خط ضد انقلاب است. توده‌ها بر ضد سیستم موجود و در جهت نابودی کامل نفوذ و پایگاه‌های امپریالیسم و محافظان سیستم مبارزه میکنند (آگاهان ناخود آگاه) و هیات حاکمه در جهت حفظ سیستم موجود، خلعت عمومی شرایط کنونی بحران عمیق اقتصادی - سیاسی و مبارزه طبقاتی - آمریکا ضمن تلاش جهت تقویت جناح بورژوازی لیبرالی حکومت و سازماندهی مزدوران و عوامل نظامی - بوروکراتیک خود، تا آنجا که هیات حاکمه در سرکوب و کشتار توده‌ها و انقلابیون پیشقدم است و سنگ تمام میگذارد، نمیتواند از این کشتارها و سرکوبی‌ها خوشحال نباشد؛ حتی بنی مدرم در تبریز میگوید آمریکا از کشتار کمونیستها در ایران خشنود است. این امر نشان میدهد که امپریالیسم در حال حاضر نه تنها این سرکوب‌ها را مطابق منافع خود میبیند، بلکه به این جماعت که با تجا و ز خود موازنه موجود در میان نیروهای سیاسی درم بریزد تن در نخواهد داد. این است منشاء همه اظهارات جرج بال ها و ماکی-ها در آمریکا؛ آنها عملاً با هیات حاکمه در حال حاضر برخوردی دوگانه میکنند. در مقابل سرکوب و کشتار توده‌ها حساس و وحدت با هیات حاکمه میکنند، و در مقابل تضاد خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم با این جناح وارد تضاد میگردند ضمن آنکه با جناح دیگر در وحدتند. تجا و ز بی موقع امپریالیسم، عملاً به دوند نتیجه منجر خواهد گردید؛ یا بورژوازی لیبرال را بطور کلی در شرایط عدم آمادگی و تجهیز کافی بشکست کامل در حکومت روبرو خواهد کرد و یا اینکه تجزیه سریعتر آنها را در بلوک حاکم مخدوش میمیزد؛ اینهاست آن عوامل عینی که راه کارگر برداشته‌ها توجه ندارد.

بنابراین برای ما مشخص گردید که اقدام آمریکا جهت تجا و ز مستقیم و همه جانبه نظامی در ایران نمیتواند جدا از مبارزات درونی و قدرت یابی متحدین داخلی اش که در حال حاضر ضعیفند باشد. ما باید توده‌ها را تا زمانی که بلوک سیاسی موجود و شرایط موجود برقرار هستند، بر علیه سیستم حاکم و بلوک سیاسی حامی آن سازماندهی کنیم؛ علیه این سیستم و ماهیت حکومت ترویج و تبلیغ کنیم؛ و مقاومت و تعرض منطقه‌ای توده‌ها را بر علیه این سیستم هدایت نما- شیم؛ و اگر تجا و ز امپریالیسم با توجه به شرایطی که گفتیم و یا شرایطی که به این نتایج منجر خواهد شد صورت گیرد، تازه ما با شکست بلوک سیاسی حاکم روبرو خواهیم بود. نیروهای ضد انقلاب حاکم بنا به منافع و مصالح طبقاتی خود به دو جناح طرفدار و مخالف آمریکا که با هم درگیرند تجزیه خواهند شد. جناح خرده بورژوازی حاکم که با امپریالیسم تضاد دارد، در مقابل جناح بورژوازی لیبرالی و عوامل بورژوازی وابسته قرار خواهد گرفت. چنین تجزیه‌ای در نیروهای ضد انقلاب از لحاظ ما تنها یک معنی میتواند داشته باشد. و آن این است که استراتژی اصلی ما، که نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است

راه کارگر . . .

در مسیر خود، در مسیر تجهیز مستقل توده ها بر علیه سیستم و بر علیه امپریالیسم متجاوز آمریکا با ضد انقلاب دوبرخورده نمود. یک جناح ضد انقلاب که با امپریالیسم تضادهای معینی دارد و به مبارزه با آن نمیپرد. از د، نیرویی است که ما میتوانیم و باید با آن وارد یک وحدت موقت، همراه افشاء و مقاومت در برابر آن گردیم. و نیروی دیگر ضد انقلاب، متحد امپریالیسم، بورژوازی لیبرال را باید در همین مبارزه نابود کنیم و با آن به یک مبارزه حقیقی بپردازیم، ما نه تنها علیه امپریالیسم بلکه علیه متحدین طبقاتی درونی اش با مبارزه کنیم. و با نیروهایی که در عین داشتن حرکات ضد انقلابی به مبارزه با امپریالیسم میپردازند، ضمن حفظ صف مستقل خود، به اتحاد موقت همراه با افشاء و مقاومت در برابر آن بپردازیم. اینست یگانگانه راه مبارزه با امپریالیسم: مبارزه با متحدین داخلی اش در عین حال، تاکتیک مادر مقابل ضد انقلاب (نابودی، مقاومت، افشاء) است. و این تاکتیک برای اسلح مبارزه طبقاتی و تضاد طبقاتی که تعیین میکند چگونگی و چگونه بسا امپریالیسم میجنگند، یا به ریزی شده است. ما ضمن بطور بعدی این تاکتیک را بهتر و بیشتر توضیح میدهیم.

راه کارگر ضمن آنکه اصولاً به بررسی شرایط نبرد اخته و عوام مسل متعددی را که باید در راه هرگونه تاکتیک اتخاذ نمود، فرا موش میکند در عین حال میگوید:

"در شرایط کنونی مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه ارتجاع و ضد انقلاب داخلی از منشور مبارزه ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی توده های زحمتکش میهن قهرمانان میگذرد . . ."

قانون وارونه است! این مبارزه طبقاتی، منافع طبقاتی است که توده ها و طبقات مختلف را در برابر امپریالیسم به دو طرف متحده و مخالف امپریالیسم تقسیم میکند و نه بعکس! ما میگوئیم بورژوازی لیبرال بنا به ما هیتش، بنا به موقعیت طبقاتی اش نمیتواند بسا امپریالیسم متحد بنا شود مگر تا کنون آثار و شواهد متعددی برای این امر ندیده ایم؟ تاکتیک ما نمیتواند با این مسئله رانندیده بگیرد و عملاً نیز نمیتواند جز این باشد. این منشور مبارزه طبقاتی است که نیروهای ضد امپریالیست و متحد آنرا از هم جدا میکند و نه بعکس! تضادهای جناح خرده بوروازی حاکم با امپریالیسم، محصول موقعیت طبقاتی اوست و به همین علت تا کنون علی رغم مبارزه علیه توده ها و علیه انقلاب و علیه کمونیستها و نیروها و دمکرات، علی رغم ضد انقلاب بی بودنش، این تضاد یعنی تضاد خرده بورژوازی حاکم و امپریالیسم در عین حال موجودیت خود را حفظ کرده است. این نیرویی که مبارزه طبقاتی جاری و موقعیتش در حفظ سیستم او را به موضع ضد انقلاب نشانده است، بنا به همین قاعده و تضادی که در نحوه حفظ و شکل بخشیدن به سیستم با بورژوازی دارد، یعنی وضعیت اقتصادی و طبقاتی آن در جامعه، تضادهایی با امپریالیسم از خود نشان داده است. راه کارگر که خود بارها تکرار کرده است، مبارزه طبقاتی اساس هر حرکت و تحلیلی میباشد. در این جایگاه مبارزه ضد امپریالیستی را بر آن چسبده میازد!

۳- دو تاکتیک در مبارزه ضد امپریالیستی!

بنا بر این راه کارگر به یکباره با این چرخش در اوضاع سیاسی، چرخ عظیم مینماید. راه کارگر میخواهد توده ها را تنها حول مبارزه با امپریالیسم و در دفاع از میهن در قبال حمله امپریالیسم متحد کند هر کس میداند که چنین تاکتیکی برخلاف همه تجربیات کمونیستها و جنبش های جهانی است! شما نمیتوانید با امپریالیسم بجنگید بدون اینکه متحدین داخلی آنرا مورد حمله قرار ندهید. انقلابیون کمونیست

در چین ضمن رهبری جنبش ضد امپریالیستی خلق چین، علیه فتوایهای بزرگ و بورژواکمپرا دورها میجنگیدند. در ویستام مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا همراه مبارزه با متحدین داخلی آن حکومت دست نشانده فتوایها و بورژواکمپرا دورها بود. اما راه کارگر که یک عمل نظامی آمریکا کلیه مشا عرش را از دیدن عینیت عاجز میماند ناگهان فریاد میزند: علیه امپریالیسم! آنهم در زمانی که هنوز حکومت موجود، بلوک سیاسی حاکم بر سر جای خود باقی است. بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم متحدان درستان انقلابی را به توپ و بمب بسته اند. موذن ها و مستعده ها را اعدام و ترور کرده اند. دژ آگاهها و کارگران مبارزه را محکوم به اعدام کرده اند! و همین چند ماه پیش از کشتار خلق ترکمن فارغ شده اند. انسان با بدخالی کوربا شد که شرایط عینی را بناگهان در پرتویک حادثه و یا یک شرایط دیگر که زمان آن متعلق به آینده است، ندیده بگیرد. تا زمانی که بلوک سیاسی موجود باقی است، تا زمانی که چنین اتحادی در سرکوب و کشتار توده ها در هیات حاکمه برقرار است، تا زمانی که آنها متحداً بر علیه توده ها اقدام میکنند و نه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی در بین است ما همچنان با این بلوک سیاسی، با این هیات حاکمه و با همه جناحهایش به شیوه مناسب با ید مبارزه کنیم و میکنیم. در حال حاضر اینست واقعیت! و در آینده در صورت تجاوز امپریالیسم چنان خواهد بود که گفتیم.

اما احکام اولیه راه کارگر، بی حساب در کنار هم گذاشته نشده اند آنها بر اساس یک دید مشخص در پی هم آمده اند (اجازه بدهید کمی دیرتر به آن برخورد کنیم) ما زمینه های اصلی این دید را بلافاصله در دسترس کتیک مورد توصیه راه کارگر یا زمیابیم. پیش از آن به این عیسارت توجه کنید.

"اقدامات یکجانبه و مطلق کردن مبارزه علیه ضد انقلاب عملاً اقداماتی است در تضعیف وحدت ضد امپریالیستی توده ها" (همانجا)

اولاً: تا کنون ما کسی را سراغ نداریم که مبارزه علیه ضد انقلاب داخلی را مطلق کرده باشد. این کار در شرایط موجود و با توجه به سیستم امپریالیسم و شیوه های عملکرد آن نه تنها غلط بلکه حماقت است! شکار سیاسی است. ولی وقتی راه کارگر از روی میل خود به "مطلق کردن" این مبارزه حمله میکند در حقیقت به چیز دیگری تعرض کرده است و آن اصولاً مبارزه با ضد انقلاب داخلی است. آنها مبارزه با هیات حاکمه و با جناح متحد آن با امپریالیسم را مطلقاً (آری بدبختانه مطلقاً) از مبارزه با امپریالیسم جدا میکنند. توجه کنید در شرایطی که توده ها نمیتوانند مبارزه ضد امپریالیستی را جدا از مبارزه طبقاتی و لاجرم مبارزه با هیات حاکمه به پیش ببرند راه کارگر میگوید:

"بسته به نوع ضد انقلاب، (نیروهای انقلابی) باید در برابر آن مقاومت کنند. و با مقاصد آنرا (کدام مقاصد را؟) مقاصد کدام جناح را؟" (افشاء نمایند "راه کارگر شماره ۲۲)

فرض راه کارگر در اینجا اینست که تجاوز امپریالیسم خلق و هیات حاکمه را بطور کلی با همه رودروری با خود میکشد یعنی به امپریالیسم وقتی تجاوز کند بورژوازی لیبرال - خرده بورژوازی حاکم و خلق همگی به مقاومت برمیخیزند! گویا امپریالیسم بدون پایه داخلی به کثوری فارغ از هرگونه دشمن داخلی متحد امپریالیسم حمله میکند. انقلابیون و وظیفه ای در مقابل هیات حاکمه جز افشاء و مقاومت ندارند. (در حالیکه خود هیات حاکمه اعلام میکند: ضد انقلاب داخلی (یعنی کارگران و دهقانان، کردستان، ترکمن صحرا، کمونیستها و دمکراتها انقلابی و...) متحد امپریالیسم است و بهشتی میگوید مبارزه با امپریالیسم یعنی سرکوب کردن! ضد انقلاب در کردستان است!) راه کارگر تو میگوید که ما به هیچ چیز دست نزیم، مقاومت کنیم! افشاء کنیم! و مبارزه ضد امپریالیستی را سازمان دهیم این مبارزه در داخل ایران علیه چه کسی چه طبقه ای، چه متحد امپریالیستی و در چه شرایطی انجام میگیرد؟ راه کارگر با در فکر آنهم نیست! و فقط بفکر مبارزه ضد امپریالیستی است!

راه کارگر . . .

ثانیاً : بهمین علت است که به تاکتیک افشاء، مقاومت "متوسل" میشود. تاکتیک اصلی راه کارگر "افشاء و مقاومت" است. راه کارگر ضد انقلاب را به دو بخش تقسیم میکند و بر حسب نوع ضد انقلاب به انقلاب توصیه افشاء آن و یا مقاومت در برابر آن را مینماید، اما واقعاً این ضد انقلاب که راه کارگر آن را به دو بخش تقسیم میکند، هر بخش آن در مقابل تهاجم امپریالیسم چه موضعی خواهد داشت؟

ما هم اکنون شاهد تلاشهای پنهان و آشکار، تند و آرام، نظامی و سیاسی جناح بورژوا - لیبرالها هستیم که مصرا نه خواهان عادی شدن روابط و تقویت پیوندها با امپریالیسم هستند. آنها همگان نیروهای هستند که امپریالیسم در همنوایی و پشتیبانی آنان تجاویز خود را از زمان میدهد و یا بجز تجاویز نظامی امپریالیسم آمریکا با آن همنوایی کرده و آنرا در سرکوب توده های انقلابی یاری میدهند. آنها که هم اکنون با بنیای جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه با توده در جنگی علنی بسر میبرند، در آن توقع به ژنرال "پتن" های ما تبدیل خواهند شد. آنها که بورژوازی را بطور کلی نمایندگی میکنند، پایگاه اصلی امپریالیسم از لحاظ اقتصادی و سیاسی محسوب میشوند. بنابراین این در چنین موقعیتی ما با چنین نیرویی چه باید بکنیم؟ آیا باید آنرا افشاء بکنیم؟ یا در برابر آن مقاومت نداشتیم؟ یا آنرا اساساً از بین ببریم؟

مگر بورژوازی لیبرال بقول شما دلال امپریالیسم نیست؟ با این دلالت چه باید بکنیم؟ مگر ما میتوانیم بدون جنگ با آنها که در اینجا از امپریالیسم دفاع میکنند، مبارزه با امپریالیسم را پیش ببریم؟ ما باید بورژوازی متحد امپریالیسم را از بین ببریم. ما نباید در برابر آنها خود را به دفاع یا افشاء محدود نمائیم. زیرا در این صورت مبارزه ما با امپریالیسم هیچ معنایی نخواهد داشت، بجز اینکه نفوذ و موقعیت امپریالیسم را بدون نابودی پایگاه دورنسی آن بخواهیم از بین ببریم. در این صورت ما به استقلال طلبان بورژوازی تبدیل میشویم و اتحادنا سیونالیست هایی که حقیقتاً توده ها را از عمیق تر شدن و طبقاتی شدن مبارزه باز میدارند، تنزل میکنیم!

اینست نکته اصلی! و در مورد خرده بورژوازی حاکم باید بگوئیم که این جناح از حکومت، تضادهای با امپریالیسم دارد. این تضادها در چهار چوب بورژوازی سیر میکنند. این جناح نیز ضد انقلاب و در ضدیت با توده ها است. آنها تاکنون مبارزه خود را علیه توده ها بر مهمتر و جدی تر از تضادهای ایشان با امپریالیسم دنبال کرده اند. آنها نه تنها ضد کمونیست، بلکه ضد کارگران - دهقانان و زحمتکشانند. از این جهت تا زمانی که آنها عملاً به مبارزه با امپریالیسم کشیده نشوند، و تا زمانی که بلوک سیاسی کنونی اتحاد آنها با بورژوازی بدین صورت برقرار است، طبعاً ما بسته به شرایط با کل هیات حاکمه و از جمله با این جناح مبارزه اساسی خود را دنبال میکنیم. ما منشور مبارزه طبقاتی را ملاک خود قرار داده ایم: **ضد مبارزه ضد امپریالیستی!** و در صورتیکه، در دید استراتژیک، و در شرایطی که باز گفتیم، آنها بشیوه خود به مبارزه با امپریالیسم کشیده شوند، طبیعتاً است که ما تاکتیک (افشاء - مقاومت) را در مقابل این جناح بکار

ببندیم (ضمن اتحادهای موقتی ضد امپریالیستی) آنچه که برای یک کمونیست اهمیت دارد کسب قدرت سیاسی و اتکاء مستقل به پرولتاریا و توده ها است. ما اساساً به مبارزه خود را در این میریزیم. شرایط کنونی و شرایط آینده بدون شک مبارزه انقلابی توده ها را بیض و گسترش خواهد داد. مبارزه ای که اتحاد انقلابی کمونیستها و داشتن برنامه و استراتژی واحد میتواند آنرا تبدیل به یک پایگاه انقلابی کمونیستی نماید.

با توجه به این شرایط است که ما میگوئیم: تجهیز و سازماندهی

مستقل توده ها بر علیه امپریالیسم و متحدان داخلی اش!، نابود کردن بورژوازی متحد امپریالیسم و افشاء و مقاومت در مقابل عملیات ضد انقلابی ای که حتی در حین مبارزه ضد امپریالیستی از ناحیه خرده بورژوازی حاکم (بهر صورت) میتواند سر بزند. ما هر جا بتوانیم باید قدرت را کسب نمائیم و هر جا که نمیتوانیم باید با توجه به خط عمومی فوق مبارزه را به پیش ببریم. تجربه انقلابات جهانی نیز این امر را نشان داده است. در چین، هنگام تهاجم و زامپریالیسم ژاپن، "ضد کمونیستهای طرفدار ژاپن" نابود میشوند و "ضد کمونیستهای مخالف ژاپن" افشاء گردیده، در مقابلشان مقاومت میکرد (ضمن اتحاد موقت و مشخص با آنها از طرف کمونیستها) در ویتنام، قشرهای بورژوازی و فئودالهای متحد با حکومت دست نشانده نابود میشوند، و نیروهای غیر کمونیست و حتی ضد کمونیست و مذهبی مخالف امپریالیسم افشاء میگرددند و در برابرشان هر جا که تعرضی کرده اند، مقاومت کرده اند. در آلبانی با موضع گیری در مقابل ضد انقلاب داخلی و نیروهای متجاوز فاشیست حزب کار آلبانی توانست یک انقلاب پیروز مند را رهبری کند. دشمنان طبقاتی داخلی را نابود کند، با نیروهای ضد کمونیست ضد فاشیسم وارد اتحاد موقت - افشاء - مقاومت گردیدند و بدین ترتیب جنبش ضد فاشیسم را همراه با یک انقلاب حقیقی نماید.

می بینیم که راه کارگر و خطای اساسی دارد. اولاً تاکتیک افشاء - مقاومت را برای زمان حاضر طرح میکند. که هنوز پای تجاویز امپریالیسم در میان نیست، و هیات حاکمه عمدتاً و اساساً به سرکوب انقلاب مشغول است. ثانیاً: بهمین تاکتیک را برای شرایط تجاویز امپریالیسم که ما مفضل آنرا بررسی کردیم، توصیه میکند (بدون توجه به پایگاه داخلی و متحد امپریالیسم) آنچه که راه کارگر میآورد کم رنگ جلوه دادن طبقات اجتماعی است.

از نظر "راه کارگر" خرده بورژوازی مرفه ستی در جناح خلقی است و در حاکمیت حضور ندارد. کاست حکومتی (شامل همه اعضای درونسی - حاشیای و غیره) و بورژوازی لیبرال حکومت را در دست دارند، و این هر دو نیروهای ضد انقلابینند. اما از آنجا که "کاست حکومتی" منشأ فاشیسم و حفظ سیستم اجتماعی در تئوری راه کارگر است و این کاست خود ما و راه طبقات است، و بورژوازی لیبرال نیز نیرویی است که با ما مبارزه میکند، (از نظر راه کارگر) خود بخود کسی نمیداند که از لحاظ طبقاتی لیاقت تا بود کردن را داشته باشد: "راه کارگر" در مقابل بورژوازی لیبرالها افشاء و در مقابل کاست "مقاومت" را پیشنهاد میکند!! (چه نتیجه عجیبی بعضی از تئوریها میتوانند داشته باشند. انسان باید دکا بوسه ای داشته در دوزخ میافتد!)

ما صرف نظر از این تحلیل راه کارگر با سایر روی اینک بورژوازی دست نخورده باقی میماند تا نگشت میگردانیم. اینجاست که مسئله امپریالیسم تنها بعنوان مسئله موزی، مربوط به حفظ سیستم، حفظ جامعه و طبقات و تنها "دفاع از میهن" به کمک بورژوازی طرح میگردد: نه طبقه ای با پیداز بین برود، نه سیستمی باید تغییر کند، نه... تنها با پیداز میهن خود دفاع کنیم! چنین است سر نوشت تاکتیک اپورتوس نیستی راست راه کارگر: مقاومت، افشاء راه کارگر نه تنها بخاطر تجاویز آینده امپریالیسم سپر خود را میانندازد، و وضعیت کنونی و حرکت ضد انقلاب و وحدت اساسی آنها را در سرکوب و غیره نمیبیند، بلکه حتی در شرایطی که تجاویز امپریالیسم به صورت عملی گردد، تاکتیک بیرونیمتی را به ما هدیه میکنند. نه تاکتیک توسعه انقلاب، نه تاکتیک نابودی سیستم به همراه مبارزه علیه امپریالیسم. نه تاکتیک صحیح در مقابل دود ضد انقلاب، نه هر... بلکه "دفاع"، "دفاع از میهن بدون درافتادن با متحدین امپریالیسم را پیش روی قرار میدهد: چنین است "دفاع از میهن" به شیوه بورژوازی در مقابل امپریالیسم! بسه هیچ چیز دست زنید در قبال هیچ چیز!

"ادامه دارد"

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



اینجا کردستان است!

وسینه دشمنان خلق را خواهم شکافت
 همچنانکه زمین را برای آبادانی
 از هم میشکافم!
 اینجا کردستان است!
 و من شوهر یک زن
 و پدر چند کودکم!
 کودکانی که دنیا بد چون پدر ما در شان
 زندگی را در زیر سرنیزه و ستم،
 در زیر استعمار و فقر!
 در تشنگی و گرسنگی
 و پای درزنجیر!
 از سر بیگذرانند!
 اینجا کردستان است!
 و من!
 یک بلوچم! یک ترکمنم! یک...
 عربم! یک فارسم!
 یک آفریقایی ستم کشیده و آسیایی
 در بندم!
 من! از شیلی! بولیوی و کوبا
 ازویتنام!

سرزمین قتل و عامهای قارنا و قله تا
 سرزمین تجا و زبایداران و ارتشیان
 مزدور که زنان و کودکان بی سلاح
 را نیز به گلوله میبندند!
 اینجا کردستان است!
 سرزمین دهقانان و زحمتکشان!
 سرزمین پیشمرگان خلق!
 سرزمین، مرزعه‌های شخم نخورده
 و تشنه آب و آزادی!
 اینجا کردستان است
 و من پیشمرگه‌ای زحمتکشم!
 برشان نام تفتنگم و اینک
 بردستانم خیش، تا زمین مرده را،
 همچون خلقم زنده کنم!
 برشان نام تفتنگم و اینک
 آماده بخاک مالیدن پوزه دشمنان
 خلق!
 من گلوله‌ایم را بر سینه دشمنان خلق
 نلیک خواهیم کرد!
 بی پروا، بر کینه و بی لحظه‌ای تردید!

از هر جا که استعمار و ستم و مفسارزه
 است به ارت رسیده‌ام!
 من یک ویتنامی‌ام!
 آه! ای مرتجعین! ای دشمنان
 خلق!
 هرگز مرا نخواهید شناخت!
 من شکست ناپذیرم! در زیر بمباران
 زمین میکارم!
 و وقتی زمین میکارم، سینه‌تورا بسا
 گلوله میشکافم!
 من فانتوم متجا و زنیستم! من!
 خمپاره اندازارتن نیستم! من!
 تانک و توپ نیستم!
 من، پیشمرگه‌ام! با تفتنگم بردوش!
 و قلبی به بزرگی آزادی همه خلقها!
 و قلبی به بزرگی کینه‌های بی پایان!
 من پیشمرگه‌ام و اینجا کردستان است!
 کردستان ایران!
 اینجا کردستان است
 سرزمین بمبارانهای هوایی جمهوری
 اسلامی!



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - شماره ۱۳ - دوشنبه ۵ خرداد ۵۹ - باضمیمه ۴۰۰ ریال

(کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.)
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

امپریالیسم آمریکا: کودتا، دخالت نظامی یا جنگ داخلی؟

راستی آمریکا در پی چه کاریست قصد کودتا دارد؟ در فکر دخالت نظامی است؟ یا آنکه میخواهد با حکومت ایران سرسری بگذارد؟ آمریکا زمانی در فکر بیرون آوردن قدرت از چنگ روحانیت حاکم بتوسط جناح بورژوا لیبرال و ابادی مزدبوش فواریش بود، و زمانی دیگر با عملیات ماجراجویانه قصد آزادی گروگانها را داشت و اکنون هم که بدنبال شکست عملیات نظامی اش، احتمال آنچنانگان ماجراجوییها سریع العمل ضعیف است، بهیوسته دست به عملیات ایذایی و تحریک کننده میزند. گاه در اطراف جزیره های نفتی حریق ایجاد میکند، گاه با هلیکوپترهایش به خاک ایران تهاجم میزند، و گاه با نا اسلحه به ایادی خود میسرماند، و ما بر برنا مه - هایی را که در نظر دارد، دنبال میکند آیا آمریکا تدارک عملیات سی منتهای تهاجمی که در طیس بشکست انجام مید، میبیند یا اینکه برنا مه های دیگری را در سر میپروراند؟ واضح است که پس از انتقال گروگانها به شهرستانها امکان در پیش گرفتن آنچنان عملیاتی از طرف آمریکا بعید بنظر میرسد، و انگهی عملیاتی شبهه آنچه که قرار بود بخطر ازای گروگانها در تهران صورت گیرد، بدلائل چند در حال حاضر امکان پذیر نیست، اول اینکه آمریکا آنچنان قدرت مانور در شهرهای مختلف ندارد، که احیاناً در تهران میتوانست داشته باشد، دوم اینکه، افتخار مربوط به همکاری ارتش با آمریکا در جریان تهاجم و آزادی آمریکا از قبیل تخلیه آتشبارهای ضد هوایی از پادگانها بقیه در صفحه ۲

شورش سپاهان آمریکا

بحران و امپریالیسم

چندی پیش خبر کشته شدن ۸ تن از سپاهان وزخمی شدن صدها نفر در شهر میامی را شنیدیم. و روز بعد از آن خبر برقراری حکومت نظامی در ۸ شهر آمریکا آمد. آیا خبر دروغ نیست؟ آمریکا حکومت نظامی، آمریکا این "کانون دمکراسی" غرب به حکومت نظامی هم دست میزند؟ بله خبر دروغ نیست و این اولین بار نیست که اخباری چنین خوببار و ضد دمکراتیک از آمریکا میآید. همین چند روز پیش یادبود شهدای کارگر شیکاگو در ۱۸۹۶ را با صورت جشن جهانی کارگر برگزار کردیم. نه تنها در قرن گذشته که در قرن بیستم نیز آمریکا بارها دست به این اعمال

بحران و انقلاب

مدتی است که رقابت میان جناح های مختلف هیات حاکمه شدت گرفته است. رقابتی که بدو بقدرت رسیدن بلوک سیاسی حاکم تا به امروز ادامه داشته است. مسئله اصلی این رقابت بدست آوردن موقعیت بهتر در حکومت و متشاق آن، ترکیب طبقاتی نامتجانس حکومت میباشد. و اکنون این رقابت بجایی رسیده است که در سواست مختلف در تمام زمینه ها رودر روی یکدیگر ایستاده و به آرایش نیروهای خود مشغولند.

سرکوب در کردستان که یکی از موارد وحدت در حکومت بود اکنون در ادامه خود شکست مجددی که علی رغم تمام تبلیغات ظاهری نصیب حکومت شده است تفاذهای آنها را عربانتر نموده است. موج ناراضی و سرپیچی از دستور در ارتش بالا گرفته است. بنی صدر که فرماندهی خود را در خطر میبیند و فرماندهان ارتش را در معرض اتهام و سوءظن درون و بیرون از ارتش میباید تلویحاً آمادگی برای مذاکره در کردستان را اعلام میکند بقیه در صفحه ۳

راه کارگر: دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی؟

این دیگر باید برای همه روشن باشد که دفاع متفلسفانه سیاسی - اجتماعی کنونی و تحولاتی که گاهی در فاصله چند روز با سرعتی بی سابقه اتفاق میبندد، هر زمان، گروه یا جریان سیاسی را به معنی کامل کلمه وادار میکند که عمق و اساس تئوری خود را به تماشا بگذارد. وقایع اخیر، پس از تهاجم و منطقه طیس، بسیاری مسایل را بوجود آورد که چه از لحاظ شرایط موجود در ایران و چه از لحاظ تجربیات و سابق مبارزات انقلابی کمونیستها در سایر بیرون جهان و در مسائلهای مختلف، ما را بطور جدی به بررسی و موفقمگیری میکشاند. پس از تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا بسیاری از کمونیستها بانگ برآوردند: میهن در خطر است! و توده ایها با جدیت در دیوار را ملو از شعار "همه با هم" علیه امپریالیسم نمودند. بقیه در صفحه ۸

اخبار جنبش

ضمیمه رزمندگان ۱۳

کارگران جهان متحد شوید!

امپریالیزم آمریکا

وفردگانها، باوزکارانداختن را داراها و غیره در شرایط کنونی نو- غی هشاری درافراد ارتشی بوجود آورده است، آنچنانکه هرگونه نقل و انتقال برای آنها پرش آفرین است، بخصوص که حتی حزب جمهوری اسلامی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این مورد به ارتشیان هشدار داده اند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که از جریانات با نفوذ در هیات حاکمه است طی صدور اطلاعیه از "پرسل مسلمان و انقلابی نیروهای مسلح" میخواید که "مراقب تحولات مشکبک در ارتش بوده، و مرتباً آنها را به مقامات مورد اعتماد خود گزارش دهید... حتی الامکان فعالیتهای خود را به طور مخفی انجام داده، تا از چشم فرماندهان ناصالح بدورماند... تا مدتی مقابله با کودتا را در ارتش بوجود آورده و با برادران همفکر خود در دیگر پادگانها (از طریق که ممکن است) ارتباط و هماهنگی ایجاد کنید" سوم اینکه جو شدیدی در آمریکا بی هرگونه دخالت

آمریکا دارد، بنظر ما منافع آمریکا فراتر از مسئله گروگانهاست و آمریکا هرگز منافع و مصالح خود را در ایران فدای موضوع گروگانها نمیکند. این یکی از پایگاه های مهم غارت و بهره کشی امپریالیسم میباشد، بنحویکه هر ساله میلیاردها دلار کالاهای غربی در ایران آب میشود، و گردش چرخ بسیاری از موسسات بزرگ امپریالیستی وابسته به حضور و شرکت آنها در ایران است. بسته شدن این عرصه وسیع غارت و این محرک نیرومند گردش سرمایه امپریالیستی ضربه مهلکی بر بیکر امپریالیسم وارد خواهد کرد. وانگهی، نفت ایران و نقش فوق العاده مهم استراتژیک ایران در خلیج فارس، این منطقه حیاتی امپریالیسم بهیچوجه قابل مقایسه با مسئله گروگانها نبوده، و هرگز نمیتوانند دو طرف یک معادله را تشکیل دهند.

بنابراین، با قاطعیت میتوان گفت آمریکا بهیچوجه منافع حساس و اساسی خود را در ارتباط با ایران و وجه الضمان و آزادی گروگانها قرار نمیدهد.

بعلاوه، اختلاف بین امپریالیستها بر سر درپیش گرفتن سیاست جنگی یا استفاده از روشهای دیگر نیز عاملی است که مانع از آن میگردد تا آمریکا دست به دخالت نظامی وسیع در ایران بزند. مخالفت امپریالیستهای اروپایی با اقدامات حاد، و حتی عدم همراهی جدی آنها با تحریم اقتصادی، و همچنین مخالفت جناحهای ای از هیات حاکمه آمریکا - مورد ساروس و سن - آمریکا را از پشتوانه لازم در تهاجم وسیع نظامی محروم میسازد. تازه، عامل مهم دیگر، هم مرز بودن ایران و شوروی است که این امر نیز خود مانع از آن میشود که آمریکا دست به تهاجم نظامی بر علیه ایران بزند. زیرا که، هم شوروی با رهسازان اعلام داشته، که تهاجم نظامی آمریکا بکابل ایران را تحمل نخواهد کرد. هم اینکه قاعدتاً آمریکا و شوروی در کشورهای هم مرز طرف مقابل نمیتوانند دخالت نظامی نمایند.

براین اساس میتوان نتیجه گرفت که آمریکا در اوضاع کنونی ایران دست به اقدام نظامی وسیعی که توده های خلق را بر علیه ورود در وی فشرده سازد، نخواهد زد. این امر، حتی اگر به سوار شدن خریده بورژوازی

را دیگال و کمونیستها بر رهبری جنبش توده ها نباشد، بلا قیل توده ها را بیشتر در کنترلی خود ر ضدیت با امپریالیسم قرار داده و گرایش به سمت شوروی را در خمینی تقویت خواهند نمود. با این همه، باید توجه داشت که آمریکا در آستانه بحرانی عمیق قرار گرفته است که از هم اکنون نشانه های آن مانند سیکاری، روبه افزایش و نرخ تورم ۱۴ درصدی و کاهش سرمایه گذاریها مشاهده میکنیم. بحرانی که شبیه بحرانهای ۱۹۳۰ و سالهای بعد از جنگ جهانی دوم است. این واقعیت در رابطه با آنکه میدانیم که امپریالیسم بهنگام گرفتاری در چنین بحرانی عمیق چاره ای جز توسل به جنگ افروزی و ایجاد فضای جنگی بمنظور بگردش انداختن سرمایه ها در تولیدات نظامی ندارد، مسئله را پیچیده تر میسازد. از طرفی آمریکا نمیتواند در اوضاع کنونی ایران دست به تهاجم نظامی بزند، و از طرف دیگر، اوضاع داخلی آمریکا آنرا ناگزیر از توسل به سیاست خشن و جنگی مینماید.

بهر حال، با وجود رشد و تقویت گرایش جنگ طلبی در آمریکا بر اثر بحران دائم التزاید آن، بدلالی که گفته شد، و از آنجا که آمریکا هنوز ایران را کشوری از دست رفته و تحت سلطه شوروی تلقی نمیکند، و از آنجا که پایگاه نیرومندی در بورژوازی لیبیرال و ارتش دارد، قطعاً سعی خواهد نمود که از طریق همسوس نمودن شرایط و تضادهای داخلی ایران با منافع خود عمل کند، یعنی آنکه بطور غیر مستقیم و از طریق نیروهای وابسته و متمایل به خود توطئه چینی نماید، تا زیر پای خریده بورژوازی حاکم خالی شود و رژیم ایران بطور خالص در دست بورژوازی قرار بگیرد، یا لاقلاً هژمونی آن در دست بورژوازی باشد. لازم است که کار از یک طرف تضعیف تدریجی قدرت خریده بورژوازی حاکم و بهر رو آوردن مواضع قدرت مانند کمیته ها، سپاه پاسداران بسیج و... از دست آید، و از طرف دیگر تضعیف و بریدن ارگانهای وابسته به آن که در برابر نظم بورژوازی و قدرت ارگانهای بورژوازی سد مانعی محسوب میشوند، میباید. در این راه بورژوازی میکوشد که تئورهای منتخب توده ها را که نقشی

در کنترل و نظارت بر امور دارند و نیز انجمن های اسلامی ارتش و سایر ارگانها و نهادها بی راکه در راه تحمیل نظم دیکتاتور ما باشد بورژوازی وابسته میباشد، یکسلی از بین ببرد. برای این مناسبت که چندی پیش بنی صدر گفته "شورای شورا" را رسد، و اینک خبر از توطئه فرما - ندهان ارتش برای تضعیف و محو تدریجی انجمن های اسلامی که تحت نفوذ حزب جمهوری اسلامی میباشد می آید.

مسئله ای که میماند اینست که آیا آمریکا و بورژوازی برای کنار زدن جناح خریده بورژوازی هیئت حاکمه که آشکارا قدرت بورژوازی و وابسته است، دست به کودتا خواهند زد؟ کودتا بر علیه جناح خریده بورژوازی هیئت حاکمه در واقع کودتا بر علیه روحانیت و حزب جمهوری اسلامی است که اخیراً در مجلس اکثریت لازم را برای اعمال قدرت خود بدست آورده است، و کودتا بر علیه روحانیت و حزب جمهوری اسلامی بدون تردید بمعنای کودتا بر علیه خمینی - حتی در صورت حفظ او - میباشد، که چنین کودتایی بدلیل نفوذ کلام خمینی در بین توده ها و وجود نهادها و ارگانهای نیرومند روحانیت مانند کمیته ها، مساجد، بسیج، سپاه پاسداران و... و بخصوص ضعف و ناتوانی ارتش در بسیج خود در این جهت، در توطئه شکست خواهد نجامد. فرما ندهان ارتش بسختی میتواند ارتش را در جنگ بر علیه خلق کرد - با وجود هزار فریب و بهانه - آنچنان که میخواهند بکار گیرند، چه رسد به اینکه بخوانند از آن بر علیه رژیم حاکم و خمینی بهره جویند. ارتش در صورت اقدام به اینکار بلافاصله از درون درم خواهد شکست.

بنابراین کودتای مستقیم بر علیه خمینی و روحانیت در همان اوان کار با شکست روبرو خواهد شد. در نتیجه تنها راهی که برای آمریکا باقی میماند، همانطور که گفتیم دخالت از طریق تضادهای داخلی است، تضادهایی که علاوه بر بروز آن در شکل مبارزه توده ها و حتی در حالاتی جنگ توده ها بر علیه هیات حاکمه، بصورت حاد خود در درون بلوک سیاسی حاکم وجود دارد. بلوک سیاسی حاکم با داشتن تضادهای طبقاتی درون خود و با ادامه این تضادها بدلیل ادامه و گسترش بحران اقتصادی و تشدید مبارزه طبقاتی و نیز سازمان نیافتن

اما غرده
بورژوازی حاکم که هنوز قدرت اصلی
در دست اوست، شکست در کردستان
را در درجه اول بضرر خود میباید و در
عین حال از ادامه جنگ برای
تضعیف بنی مدرو بورژوازی طرفدار
اودر حکومت استفاده مینماید.

بخشهایی از سنجند که به تصمیم
انقلابیون و الزامات تاکتیکی
تخلیه شده است، بعنوان پیروزی ار-
تشی و پاسداران از سوی حکومت تبلیغ
میگردد. بنی صدر که خود میداند
ارتش به پیروزی افتاده و اشغال
سنجند در واقع پیروزی توخالی
بیش نیست شرایط را برای عقب
نشینی ظاهراً از سوی موضع قدرت
مناسب یافته و اعلام میکند:

"وقتی حکومتی به هدفهای انقلابی
پایبند است و میخواهد آنها را
تحقیق خدشده نیازی بجا داشته سازی؟
اینان باید بدانند که پیشگامان
استوار باشیم در ایران تندو بنابر-
این دشمنان خلق ما بدشمنان
خلق تا آنجا که احتمال بازگشت از
راه خیانت بخلق را بدهیم مسدارا
میکنیم اما از آنجا به بعد ب-
قاعدت بمبارزه بر میخیزیم" (تجربه
سنجند سرمقاله انقلاب اسلامی ۲۳
اردیبهشت "پنجم رئیس جمهور")

تهمت ها و تفسیرهای بورژوازی
بنی صدر در قالب کلمات فوق را کتا
میگذاریم، آنچه جالب توجه است
هداری است که او در رابطه با
"استقرار فاشیسم" میدهد و
انقلابیون را از ترس آن به تعطیل
فعالیتهای انقلابی دعوت میکند.

بورژوازی لیبرال از زبان
بنی صدر توجه همگان را به خاطر
وقوع یک "کودتای فاشیستی مذهبی"
بر علیه خود جلب و آنرا جاده صاف کن
کودتای دیگری توسط امیرالایم
آمریکا معرفی میکند. بنی صدر حزب
حاکم (حزب جمهوری اسلامی) را
تهدید میکند که در صورت ادامه کار
شکنی به مقابله آن برخواد و دعوت
دوروز بعد (۲۵ اردیبهشت)

سازمان مجاهدین انقلابی اسلامی
که از شرکای دائمی "ائتلاف بزرگ
است اعلامیه فوق العاده منتشر نموده
و در آن هشدار میدهد که آمریکا در صد
کودتایی در ایران است و تلویحاً
بورژوازی حاکم و فرماندهان

ارتش را اعلام ملین این کودتا معرفی
میکند روزنامه "جمهوری اسلامی"
اعلامیه مؤتلف خود را در صفحه اول
بجای میرساند. در این اعلامیه آمده
است:

"بر اساس اطلاعات موثقی که بما
رسیده آمریکا چنان خواهد تکیه بر
ستون پنجم خود (ایادی مزدور داخلی)
و... احتمالاً توسط عمالش در درون
ارتش (که متأسفانه بعضاً در فرمانده
هی سطوح بالا نیز نفوذ کرده اند)
ساواکی های فراری و مخفی (کسه
اینها نیز متأسفانه احیاء شبکه
کرده اند!) و... در مدبری نمودن یک
کودتای داخلی است." و "این کودتا
به اصطلاح به آشوب و هرج و مرج در سر-
سرکشور خاتمه میدهد، سران انقلاب
و بخصوص پیروان مشی امام و احتمالاً
تعدادی از مردم روشنفکر و بیچاره
را از دم تیغ میگذرانند، مسئله کردستان
را حل میکند، بحرانش را در سیستان
و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان
و گنبد حل میکند و در نهایت استقلال
امنیت و تمامیت ارضی ایران
بدست مزدوران آمریکایی به ارمغان
میآورد" اما "چون دست بخون
رهبران انقلاب و مردم لوده خواهد
بود بلافاصله با یک کودتای دیگر
دست راستی بشیوه "اندونزی" سرنگ
میشود"

جالب اینجاست که هر دو طرف
یکدیگر را به شرکت در کودتایی
متهم میکنند که عاقبت توسط
کودتای کاملاً دلخواه آمریکا
تکمیل خواهد شد. "سازمان مجاهدین
انقلاب اسلامی" کار را بجایی میکشد
تذکره به مردم رهنمود میدهد "امکانات
تسلیحاتی خود را آماده کرده و کسانی
که در ابتدای پیروزی انقلاب با
کمیته های شهرومل خود ارتباط
داشته اند، مجدداً ارتباط موثر خود
را برقرار نموده و آمادگی خود را در
جهت هرگونه فداکاری و ایثار اعلام
دارید" و از انجمنهای اسلامی در
ارتش میخواهد: "مراقب تحولات مشکو-

بحران و انقلاب

ک در ارتش بوده و مرتباً آن را به
مقامات مورد اعتماد خود گسزارش
دهید" و "حتی الامکان فعالیتهای
خود را بطور مخفی انجام داده تا از
چشم فرماندهان نامالح بدور ماند"
و "با برادران همفکر خود در
دیگر یارگانها (از هر طریق که ممکن
است) ارتباط و هماهنگی ایجاد
کنید".

(جمهوری اسلامی ۲۵ اردیبهشت).
در همین اعلامیه از نیروهای انقلابی
و از جمله کمونیستها خواسته میشود
که در این "کودتا" جانب پیروان خط
امام را بگیرند.

خطرا میرالایم راهرد و جناح
حاکم بصورت کودتایی نشان میدهد
که هر یک دیگری را متهم به همکاری و
یا حداقل فراهم نمودن زمینه برای
آن متهم مینماید. هر کدام حاکمیت
خود را تان واقعیت فدا میرالایستی
تبلیغ میکنند که کودتا متوجه سرنگو-
نی آنست. ایضا دقتیه تا آنجا میرود
که جناح عمدتاً خرد بورژوازی حاکم
به سازماندهی مستقل خود (انجمنهای
اسلامی) در ارتش میراد از دو بزار-
های خود (کمیته ها، ساجدومنا بر)
را بجا لت اما ده باش در میآورد.
و در مقابل جناح بورژوازی حاکم
هم اقدامات دیگری را شروع
میکند، فرماندهی نیروی زمینی
طبق فرمانی دستور شناسایی اعضا
انجمنهای اسلامی و اعزام آنها به
جبهه جنگ در بنامه را ما در می کنند (۱)

صف آرای طرفین به ارتش
محدود نمیشود و در عرصه های دیگر هم
شروع شده است. "انقلاب فرهنگی"
که در اوائل ماه گذشته دا نشگا هها و
جنبش دانشجویان انقلابی را بخون
کشانیده بود مضمون گردهم آیی های
دو جریان مختلف میگردد. از سویی
بورژوازی لیبرال مبتکر کنفرانس
میگردد که حتی مجاهدین را به آن
دعوت میکند و از سوی دیگر "ائتلاف
بزرگ" از حزب جمهوری اسلامی، رو-
حانین مبارز و انجمنهای اسلامی و

دیگران با تحریم کنفرانس کنفر-
انسی دیگر را در قمبر با مینماید.
مسئله نخست وزیر مسئله دیگری
است که دو جناح حاکم را بر سر قدرت
بجان هم انداخت. جناح عمدتاً خرد
بورژوازی حاکم میخواهد شکست خود را
در انتخابات ریاست جمهوری با
بدست آوردن مقام نخست وزیری
جبران کند و بورژوازی لیبرال برای
حفظ موقعیت رئیس جمهور نخست
وزیر خود را میخواهد. همین دعوا بر
سر ادیوتلوویزیون و مطبوعات در
جریان است.

"دادگاه انقلاب اسلامی" که از
ارگانهای تابع روحانیت حاکم
است بنظر ارت فخرالدین حجازی
کا ندیدای "ائتلاف بزرگ" به محاکمه
بر ستمبار زه هوانیروز مشغول میشود
ویک نفر را به اعدام وعده دیگری
را به حبس های طویل المدت محکوم
میکند. حجازی در توجیه جنایت خود
میگوید: "میگفتند ما به کردستان
نمیرویم و حاضریم برادر کشی
نیستیم و اطاعت کورکورانه را نمی-
پذیریم و موجب شد که بعضی از طلبانها
از دست فرماندهان شمره گردند." و
سران خرد بورژوازی حاکم با چنین
روشی و با گرفتن فتوا از خمینی و
منتظری خواهان ردهر گونه مذاکره
در کردستان و ادامه جنگ شده اند، آنها
قویاً از قبول شکست در کردستان
هر اس دارند و بشدت نسبت به بورژوا-
زی لیبرال که برای نجات فرماندهی
خوبتر ارتش مجبور به عقب نشینی
است سوء ظن دارند.

مجموعه عوامل فوق بحران سی-
سی در حکومت و در تمام ارگانهای اد-
اری و نظامی آن است. در حالی
شدت میگیرند که جنبش توده ها در حال
رشد و گسترش است. جنبش انقلابی
خلق کرد در مقابل تجا و زات ارتش
و سپاه پاسداران سرکوبگر به مقاومت
قهرمانانه ای مشغول است. مبارزه
طبقه کارگر بر علیه مظاهر مختلف
نظام سرمایه داری بیکاری، اخراج
هر روز وسعت و عمق بیشتری میگیرد.
مبارزه توده دهقان بر علیه مالکان
و عوامل حکومت روبرو شده است
تا رضایتی و اعتراض ساز بر حمتکشان
بر محرومیت های ناشی از نظام
اقتصادی اجتماعی و سیاسی حاکم

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست ها، فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

شدت مییابد. هیات حاکمه به برقراری
با نسور بر علیه نشریات مخالف
خود و به تحریک بر علیه نیروهای
انقلابی مشغول است.

بورژوازی لیبرال که اکنون در قدر
سیاسی شرکت دارد هنوز ضعیف تر است
آنست که در رقابت با خرده بورژوازی
حاکم پیروز شود، بهمین خاطر در
جستجوی متحد نیرومندی می رود
تا در جبهه انقلابیون شکاف انداخته
و مبارزات انقلابی را تخفیف داده و
پایه توده های بیشتری را به حمایت
از خود بکشاند. اگرچه میدجلیب
خرده بورژوازی را دیکال و انقلابی
را در سر میپوراند. اما موانع
بزرگ مقابل این اتحادها آشکار
بودن ما هیت ضد انقلابی آن در سر -
کوب مبارزات انقلابی بزرگتر
شده است. گرایش اصلی بورژوازی
لیبرال بسوی دستجات بورژوازی
دیگری است که اکنون مستقیماً تحت
حمایت امپریالیسم آمریکا -
گسترش فعالیت مشغولند. بورژوازی
لیبرال که گروههای طرفدار بازرگان
و بنی مدراء در خود دارد برخلاف
این دستجات مورد نفرت توده ها
نیست و بالعکس به برکت افتخارات
جناح دیگر حکومت و تقدیسهای
اجباری از ارتش و دستگا ههای
اداری و نظامی دیگر بخشی از توده
را پشتیبان خود نموده است. بهمین
خاطر پیوستن بورژوازی لیبرال
به آن دستجات با در واقع فشرده
شدن طبقه بورژوازی غایت تصور
امپریالیسم است. تنها در این صورت
است که امپریالیسم از هیچ اقدام
گسترده و آشکار نظامی در حمایت از
جبهه قابل ملاحظه بورژوازی دریغ
نخواهد ورزید. اتحادی که پیدایش
آن هنوز با موانع عینی و ذهنی
فراوانی روبروست و امپریالیسم
را از اقدام گسترده و پیگیر پیش از
موعدا باز میدارد.

در شرایط بحرانی و بیقرانی که
جا مع ما در آن بسر میبرد تنها تشخیص
پرونده تحولات عینی مبارزه طبقه ای
و تعیین تاکتیک های پرولتاریا بر
مبنای آنست که میتواند دورنمای
جنگ میان اردوی ضد انقلاب را به
جنگ میان انقلاب و ضد انقلاب یا
جنگ میان پرولتاریا و متحدینش
از یکسو و بورژوازی متکسبی به
امپریالیسم و متحدینش از سوی دیگر
تبدیل نماید. حالتی که تنها در
صورت رشد سریع جنبش کمونیستی و کلاً
انقلابی، رشد و شکل و آگاهی پرو -

لتاریا وتوده زحمتکش میسراست و لا
غیر.

برای تشخیص آن وظایف فوری
وجدی که اکنون در مقابل جنبش
کمونیستی برای تدارک هر چه زودتر
این آمادگی قرار میگیرد، با ردیگر
به بررسی دقیقتر عوامل مختلف
یجرانی که سر تا پای جامعه را فرا
گرفته است میپردازیم.

همچنانکه اشاره شده همزیستی
دوجریبان اصلی قدرت سیاسی
(بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی
حاکم) که همراه با وحدت و رقابت
است وارد دوران جدید و بحرانی
شده است. در مقاله "رزمندگان"
شماره ۱۱ ریشه های بحران سیاسی
حکومت به تفصیل مورد بررسی قرار
گرفت و در شماره ۱۲ یکی از جلوه های
معین مسئله انتخاب نخست وزیر
تشریح گشت. در عین حال سیر حوادث
و تحولات مبارزه طبقاتی که از جمله
در حکومت در جریان است با ردیگر
بحران شدت یافته رقابت دوجناح
اصلی حکومت را برای دست یافتن
به موقعیت برتر نشان میدهد.
طرفین این رقابت بتدریج دوخط
مشي متفاوت را هر هر خود به مشکلات
مقابل حکومت همترسیم میکنند.

**مشکلاتی که رهبری از یکسال
گذشته در مقابل قدرت سیاسی جدید
قرار گرفته است عبارت بوده اند از:**
۱) پایان دادن به بحران انتقال
بی جا مع، سرکوب مبارزات انقلابی
و رشد یافته توده های که بتدریج
خود را از قید و بند تصورات واهی
نسبت با ما هیت و توانایی های
حکومت جدید خلاص کرده اند.

۲) بحرکت در آوردن چرخهای
اقتصاد دور شکسته نظام سرمایه داری
و بسته به امپریالیسم در شرایط
انقلابی و در متن مبارزات حاد
طبقاتی، شرایط و متنی که هم امپری -
الیسم و بورژوازی متکی به آنرا از
فعالتهای اقتصادی باز داشته
است و هم حکومت را در جلب بورژوازی
و تکیه بر امپریالیسم برای رونق
اقتصادی ناکام گزارده است.

۳) رقابت های شدید جریانات
مختلف ضد انقلابی در بیرون و درون
قدرت حاکمه برای باز یافتن موقعیت
و دست یافتن بر موقعیت
بهبتر (رقابت های بین جناح های
درون حکومت)

قدرت سیاسی جدید که از همان
ابتدا بصورت بلوک نامتجانسی
تشکیل گشت با مشکلات فوق الذکر

دست یگریبان بود. بازرگان و دار و
دسته و میکوشید تا با احیای موقعیت
بورژوازی از هم گسیخته، متحد
نمودن تمام دستجات بورژوازی
جلب حمایت امپریالیسم و با مهار
نمودن تدریجی خرده بورژوازی عنوان
گسیخته، حاکم از مراکز قدرت، رسالت
تاریخی خود را به انجام برساند.
چیزی نگذشت که با زرگان و دار و
سته او در مقابل مبارزات انقلابی
خلق کرد و انتظارات و خواسته های
توده زحمتکش از نظر سیاسی سقوط
نمود و به موقعیت ضعیفتری در حکومت
عقب نشست. اما در عین حال این
سقوط سیاسی شکستی بود برای
مجموعه هیات حاکمه که حتی با ظاهر
سازی های موقت و توخالی خسرده
بورژوازی حاکم و بخصوص روحانیت
ملیهم از آن جریان نگشت. تنها سه
ماه آواراه مور توسط شورای انقلاب
و جناح غالب بر آن (حزب جمهوری
اسلامی) کافی بود تا مکافات حکومت
بریک جا مع انقلاب زده و به ستیریا
امپریالیسم برخاسته، دامن گیر
این جناح آشکارا میدان آمده نیز
شود.

هیات حاکمه متحدانه به تلاشی
در حفظ اعتماد دست شده توده ها
نسبت به خود پرداخت. هم چنین برای
کاهش تشنج بوجود آمده با امپریالیسم
مجبور به عقب نشینی بود. این
دو ضرورت شرایط را برای پیدایش
یک جریان ثالث در حکومت بوجود
آورد. بنی صدر اجرائی که هنوز از
سوی توده ها آزمایش نشده اما برای
امپریالیسم و نظام سرمایه داری و -
بسته امیدیخ بود. جریانی جدا از
نهضت آزادی آزمایش شده و رسوا
شده و جدا از "حزب جمهوری اسلامی"
روحانیت حاکم که خود را در مصف
مبارزات فدا مهربا لیستی جا
میزند و "حزب" و روحانیتی که میخواد
هد "نجات" رفع تشنج میان خود و
امپریا را با انتخاب یک واسطه
"با تقوا" بنویسند. جریانی که در
تطابق با خواست باطنی حزب و
روحانیت حاکم مبارزه با امپریالیسم
لیسم را بگونه ای "مطلوب" تفسیر
مینموند و خود مسئولیت اجرای آنرا
بعهد می گرفت. جریانی که موز
فریفتن توده و جلب اعتماد بورژوازی
را میدانست اما تا آن زمان هرگز
با از انگلیس منتفذ و فاداریه
"حزب جمهوری اسلامی" فراتر نگذاشته
و در همان مرز میان تصورات سنت
شده اما هنوز با برجای توده ها به
حکومت و قدرت روجه تحلیل رفته اما
باقی حکومت در جلب توده قدم میزد.

بخش مهمی از روحانیت از سیا -
ست بنی صدر پشتیبانی نمود، حزب
حاکم دچار تشنج گردید، تنها کاند -
یدی مترقی ریاست جمهوری با
استفاده از ولایت فقیه کنار گذاشته شد
و آراء اکثریت به بنی صدر تعلق گرفت.

امید بورژوازی

تعلق اکثریت آرا به ریاست
جمهوری که اختیارات و مسئولیتهای
مهم را در حکومت بدست میگرداند و
ما هیت بورژوازی ایده ها برنا مهای
جریانی که این چنین بقدرت رسیده
بود یکی از مهمترین ضعفهای بورژوازی
ازی را که ما فاقدان پایه توده ای
و محبوبیت سیاسی آن بود. جریان
مینمود. بورژوازی که تا آن زمان
با ما در گردن تحفه های چگون
صدیقی و بختیاریا زرگان و امپری
انتظام و امثالهم بخت سیاسی خود
را در نجات موقعیت طبقاتی رویه
پاشیدگی خویش از دست میداد. اکنون
بیکباره و شگفت زده امید جدیدی
را در میان صفوف خود مییافت.

امید جدید بورژوازی از صندوق
رای، این قبله مقدس بورژوازی،
بیرون آمده بود. موفقیتی که اخراج
بورژوازی از انقلاب را تا مدت ها
میتوانست سرپوش گذارد. بورژوازی
لیبرال تصمیم گرفت که از این پس
"چاقوی بنی صدر را تیز کند" و دستجات
مختلف بورژوازی نیز بجای امید
بستن به رسوا شدگانی چون بختیار
و مدنی به تلاشهای "رئیس جمهور
محبوب" چشم میدوختند. اما هر چه
دستجات بورژوازی بر پشتیبانی
از بنی صدر بیشتر به شوق میآمدند.
حزب و روحانیت حاکم بیشتر به وحشت
میافتاد. خرده بورژوازی حاکم که
از همان ابتدای قدرت گیری خود
بناچار راه طلب و طرحهای اقتصادی
بورژوازی را میپذیرفت و غالب
اینکه طرحهای اقتصادی مورد نظر
بنی صدر را نیز به اتوبی های خود
نزدیک ترمی یافت، اکنون تا ب
تحمل خروج بورژوازی را از حد یک
شریک درجه دوم حکومتی نداشت.

بنی صدر که در ابتدا بعنوان
محصول کشاکش و فرسایش درونسی
حکومت و محصول تفاد خرده بورژوازی
حاکم با منافع انقلابی توده ها از
یکسو و ضرورت رفع تشنج آن با
امپریالیسم از سوی دیگر بقدرت
رسیده بود، بزودی و بنا به جبر طبقاتی

در موقعیت شایسته خود قرار گرفت . رئیس جمهور بفرمان فقیه سا زمانه ارتش ناسامان و فرماندهان گشت ، رئیس جمهور براس شورای انقلاب نشست ، رئیس جمهور ما مور برقراری نظم و آرامش بورژوازی گردید ، و قس علیهذا . حمایت خرده بورژوازی حاکم از رئیس جمهور در این امور ضروری برای موجودیت تمامی هیات حاکمه بزرودی با حرص و آرزو خرده بورژوازی در حفظ موقعیت خویش در قدرت سیاسی در رضا قضا آمد .

خرده بورژوازی فرار گرفت و میگردد که آنکس که بهتر و بیشتر در گردستان سرکوب میکند ، آنکس که بهتر و بیشتر فعالیتهای انقلابی را ممنوع میکند ، آنکس که بهتر و بیشتر "نظم" را در کارخانه و مدرسه و خیابان برقرار میسازد و بالاخره آنکس که توده را میفریبد و خود را متشکل میکند است که میتواند موقعیت برتر سیاسی را در قدرت حاکمه برای خود حفظ کند . در سهایی که فصول آن را رئیس جمهور و بورژوازی پشتیبان او میدانست و کوشیده است تا همه را بهتر انجام دهد .

دوره عمل مختلف بورژوازی خرده بورژوازی حاکم در انجام بهتر این وظایف از ماهیت طبقاتی متفاوت آنها و امکانات متفاوت موجود آنها نشأت میگیرد : خرده بورژوازی حاکم که هنوز پایه وسیعی در میان توده ها دارد و به تعصبات و علائق مذهبی آنها متکی است بنام خط امام ، " مبارزه فدا میریالیستی " ، انقلاب فرهنگی " و امثالهم میکوشد به مقصد برسد . بورژوازی بنام حاکمیت دولت ، باقتل و تمامیت ارضی و بحث آزاد (!) اولی از شکل های خاص خود ، کمیته ها ، پاسداران ، انجمنهای اسلامی و شبکه روحانیت و وعاظ و مساجد و جماعتها استفاده میکند و دومی از ارتش ، شهربانی ، بوروکراتهای اداری و امثالهم .

نمایندگان خرده بورژوازی حال کم در طول ۱۵ ماهی که ابتکار عمل را در اداره حکومت داشته اند پایه های وسیع خود را بتدریج از دست داده اند . برخلاف تصور آنها مردم به مسلمانان خاص در یک طرف و مسلمان انقلابی ، " چپی ها " و " روشنفکران غرب زده " و ... دوسوی دیگر تقسیم نشده و نمی شوند . مردم بر اساس طبقات تقسیم بندی شده اند و تنها دمکراتیسم بیرونی است که میتواند ندبوند . ندا انقلابی طبقه کارگر و توده های

زحمتکش شهروده را تا مین نمایسد . خرده بورژوازی سنتی و روحانیت ملهم از آن با حرکات ارتجاعی خود در حکومت با هیت ضد انقلابی خود را نشان داده اند . اگر این ماهیت ضد انقلابی برای خلق کرد و ترکمسن در قالب فرستان " قشون اسلام " از سوی خرده بورژوازی حاکم تجربه شد ، برای کارگران و دهقانان و سایر توده های زحمتکش دیگر مناطق ایران نیز رفته رفته از طریق لیس ماهیت " انجمنهای اسلامی " ارتجاعی ، حمایت آنها از سرمایه داران ، حمایت روحانیت از مالکان و شروتمندان ، حمایت پاسداران و کمیته ها از استعمارگران و بالاخره ماهیت دستجات و لگردان چاقوکش " حزب الهی " تجربه میگردد . از زمانیکه خرده بورژوازی حاکم به رای ۹۹٪ (بقول خودش) به " جمهوری اسلامی " میباید تا کنون که در آنها نیست (بازم بقول خودش) تنها ۶۶٪ مردم به پای صندوقها حاضر میشوند . و تا زه رای نیمی از آنها برای او نامطلوب است ، فقط ۱۵٪ میگذرد !

کاهش پایه توده های خرده بورژوازی حاکم ، و نیز رفاهت بورژوازی لیبرال ، او را به اتخاذ شیوه های فوق العاده و اضطرابی جهت حفظ موقعیت برتر در مقابل تعرضات بورژوازی و اداشته است . بورژوازی لیبرال در عرض همین ۱۵ ماه از رسوایی اسفباریها میدیدد اسروز خود دست یافته و در طول این مدت نیز از ناراضی های مردم از حکومت ، در جلب آنها بسوی خود و یا لاقبل بیطرف نمودن آنها پیشرفت چشمگیری داشته است .

امپریالیسم آمریکا

و مبارزه طبقاتی

امپریالیسم آمریکا بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم سرسپرده خود در ایران ، برای احیای نفوذ خود توجه خود را عمدتاً به رشد قدرت بورژوازی لیبرال در حکومت معطوف داشته است . حضور خرده بورژوازی سنتی در حکومت اگرچه مانعی در مقابل سیر سریع تحولات مورد نظر او گشته ، اما قدرت این خرده بورژوازی بیش از آنچه در تفادیا منافع امپریالیسم بوده است ، بر علیه منافع انقلابی توده های زحمتکش و فعالیت انقلابی بیون و بویژه کمونیستها بکار رفته است . یعنی بر علیه همان خطری که بقول کارتر در پهاش به آیت الله خمینی " نظام مشترک آمریکا و ایران

را تهدید میکند " تا قبل از اشغال سفارت " امپریالیسم آمریکا " سیر مطلوبی " را مشاهده میکرد که زیرا ل هویز روسا لیوان ها مقدمات آنرا فراهم کرده بودند . و حتی پس از دوره ای کوتاه بعد از اشغال " سفارت " نیز عقب نشینی خرده بورژوازی حاکم از درخواستهای اولیه خود و قدرت گیری مجدد بورژوازی این " سیر مطلوب " را تا آنجا ادامه داد که به نام معروف کارتر مین آنتست .

ضرورتی بین المللی استراتژیک برای نشان دادن موقعیت امپریالیسم آمریکا حتی تا شش ماه پس از واقعه " اشغال سفارت " نتوانست خطرات ناشی از اقدامات شدید و نظمی بر علیه ایران را برای امپریالیسم موجه نماید . زیرا گذشته از خطر نوعی عکس العمل از سوی شوروی و یهدایش وضعیت متشنج در منطقه حاس و نفت خیز خلیج فارس ، خطر سقوط همیشگی بورژوازی از قدرت و از هم پاشیدگی ارتش که امیدهای اصلی امپریالیسم آمریکا در سراز گرداندن ایران به داده ای به سلطه کامل بوده اند نیز خطری غیر قابل تحمل برای آن بوده است . کما اینکه تجا و ز نظمی آمریکا با اینکه همان خد واقعه پس باقی ماند ، با اعتراضات شدیدی از سوی محافل مختلف امپریالیستی برانگیخته و سوءظن های شدیدی را از سوی مردم نسبت به ارتش " جمهوری اسلامی " و فرماندهان آن برانگیخت . سوءظن هایی که خرده بورژوازی حاکم از آنها برای کوبیدن بورژوازی استفاده ننموده و مینماید .

هرگاه اقدامات امپریالیسم آمریکا بگونه ای باشد که مانعی که حکومت در مقابل مبارزه ضد امپریالیستی توده ها بوجود آورد خسرند کند و مبارزه ضد امپریالیستی اوج گیرد ، انعکاس این وضعیت در درجه اول سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال و در هر ریختن بیشتر آنکس که کوشش در احیای دستگاه اداری و نظمی کنونی است . سقوطی که نه تنها قدرت سیاسی را از مزیت حضور موثر بورژوازی در آن برای امپریالیسم تهی خواهد کرد ، بلکه امکانات بهره برداری موجود توده ای آن را نیز برای همیشه از سوی امپریالیسم از میان خواهد برد . خواه بصورت قبیله کامل قدرت توسط خرده بورژوازی حاکم که هنوز قدرتمندترین نیروی سیاسی در مقطع کنونی را تشکیل میدهد ، خواه در رشد سریع نیروهای انقلابی و مبارزات توده های که آنها برای

کسب قدرت سیاسی بحرکت در میآورد . نتیجه هرچه باشد چه حکومت خرده بورژوازی که بتدریج در حیطه نفوذ شوروی درآید ، و چه بیثباتی که برای شکست قشون آمریکا مبارزه میکند ، اگرچه دوشرايط متفاوت را برای انقلاب بوجود میآورد ، اما برای آمریکا تنها یک نتیجه دارد : خروج آمریکا از دایره نفوذ آمریکا و متحد بینش و بهم خوردن شدید نظم امپریالیستی در منطقه (۱)

ظواهر امپریالیسم آمریکا در مقطع کنونی خطرات ناشی از اقدامات شدید و نظمی علیه ایران را تشخیص میدهد و عملیات خود را در حاد ما توریبا تهدیدی و تجا و زات ابتدایی نگاه داشته است و امید خود را به تشکیل جبهه واحد بورژوازی داشته است . در هر صورت انقلابیون و بویژه کمونیستها حتی از تجا و زت تمام عیار آمریکا و اقدامات عوامل مستقیم و سازمان یافته او در ایران نمیرا سد و لحظه ای دست از مبارزه انقلابی بر نخواهد داشت . کمونیستها جنگ توده های بر علیه قشون آمریکا در ایران را به انقلاب برای کسب قدرت سیاسی و سرنگونی نظم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم تبدیل خواهند نمود .

کمونیستهای ایران بهیچ وجه چون رهبران خائن حزب توده قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد منفعل نخواهند ماند و تا آزادی توده ها در بسیج انقلابی بر علیه تجا و ز امپریالیسم ، تا کسب قدرت سیاسی توسط توده زحمتکش به بهترین وجه استفاده خواهند نمود .

بر خلاف کسانی که تصور میکنند " مبارزه طبقاتی از مشور مبارزه ضد امپریالیستی میگذرد " (!) هیچ طبقه ای مگر به حکم اجبار و بی ضرورت منافع طبقاتی (!) در طبقه مشترک با طبقه دیگر جمع نمیکرد . تهدیدهای امپریالیسم آمریکا دورکن اصلی قدرت سیاسی حاکم را بجان یکدیگر انداخته است زیرا حداقل یکی از آنها (خرده بورژوازی حاکم) درست بهمان خاطر که منافع طبقاتی خود را ارجح بر هر چیز دیگر میداند ، حتی از تشنج ناشی از تهدیدات آمریکا جداگانه استفاده را برای قبیله کردن قدرت سیاسی بکار میبرد . زیرا میداند که اگر امروز از این شرایط مناعده که هنوز پایه توده ای و اهرمهای موثر سازماندهی دارد از تمام نقطه ضعفهای طرف مقابل برای عقب نشاندن او در تعرضی که آغاز کرده استفاده نکنند فردا موقعیتش بر ما است

بحران و ...

بدتر خواهد بود. تا زمانیکه یورژوای لیبرال امید خود را در حکومت از دست نداده است این کشمکش بمرور گوناگون خواهد شد.

هر طبقه‌ای هر مقوله، اجتماعی و از جمله مبارزه‌فدا مپریالیستی را بنوعی تفسیر و بنوعی تفسیر می‌نماید. یورژوای لیبرال اکنون مبارزه‌فدا مپریالیستی را با خلق سلاح انقلاب بیون، سرکوب مبارزات انقلابی دنبال میکند. با واداشتن انقلابیون به تعطیل فعالیت‌های انقلابی و پیش گرفتن شیوه بحث آزاد با دعوت آنها به تبعیت از او در خنثی نمودن اغتشاشات داخلی که گویا به تحریک آمریکا و یکمک "حزب الهی" و کلا خبر ده یورژوای حاکم در قالب حکومت فاشیستی مذهبی جلوه گر خواهد شد دنبال میکند. یورژوای لیبرال در این مبارزه، طبقاتی خود تکیه به ارتش و وجهه، "محبوب" خود و نیروی توده‌ای سازمان‌های انقلابی و مترقی مضطرب و فریفته شده را در نظر دارد.

خرده یورژوای حاکم نیز با یفا مبارزه‌فدا مپریالیستی را ادامه

کنونی هیچ سیاسی را بطور جدی نمیتوان تند دنبال کنند. ثانیاً: اتحاد نیروهای انقلابی پرولتاریا و متحدین او برای بسیج انقلابی توده‌ها جهت نیل به قدرت و مقابله با هر مانع فدا انقلابی در این راه است. ثالثاً: دعوت پرولتاریا و توده‌های زحمتکش به آن مبارزه‌ای است که در پروسه آن وظایف فوق یعنی بقیه در صفحه ۷

یا لیسم، فاشیسم، کودتا و... رهبری توده‌ها را در گشودن جبهه‌ای بر علیه طرف مقابل بدست بگیرند. کمونیستها با یهدست اندر کار کشودن جبهه، انقلابی مستقل پرولتاریا و متحدین آن بر علیه مپریالیسم یورژوای متحدان و برای کسب قدرت سیاسی بشوند.

بحران سیاسی در حکومت اکنون از بعد درونی آن خارج گشته و در جستجوی پایه بیشتر بر خارج از خود کشیده میشود، حاکمین از ما میخواهند که برگزینیم: حمایت از یورژوای لیبرال بر علیه خرده یورژوای حاکم تنگ نظر و طبقاتی مرتجع بخاطر اینکه قول آزادی‌های یورژوایی را میدهد؛ و یا حمایت از خرده یورژوای بر علیه یورژوای لیبرال، فردا فاشیست؛ زیرا که خرده یورژوای گویا "خلعتاً" فدا مپریالیست است (۱).

کمونیستها با یهدر اندیشه ایجاد صف مستقل پرولتاریا و متحدین او باشند. آنچه برای کمونیستها در درجه اول قرار دارد:

اولاً: دستیابی به وحدت اصولی در میان خود است زیرا که با وضعیت

سرکوب و کشتار خلق کرد، اجسرای "انقلاب فرهنگی اجتماعی" فرستاد. دستجات حزب الهی به خیا با آنها برای ضرب و جرح میارزین، و تحریک توده بر علیه انقلابیون و کمونیستها تفسیر میکند. او نیز در این مبارزه طبقاتی خود، به فلج نمودن ارتش توسط نفوذ خود در آن، به پایا توده‌های روحانیون، به امکانات کمیته‌ها و پاسداران و تشکلهایی نظیر انجمن‌های اسلامی در موسسات تکیه میکند. او نیز هدف خود را خنثی نمودن توطئه کودتای بنفست مپریالیسم میدانند و از انقلابیون و کمونیستها دعوت میکند که از او به احترام "خط فدا مپریالیستی" اما و به احترام خرده یورژوایی بودنش تبعیت نمایند تا جهنمی "فدا مپریالیستی" برایمان تسد ارک ببینند.

"خطر کودتا" بیش از آنکه از وقوع آن نشات بگیرد در خنده‌ای است که در ذهن انقلابیون و توده‌های مردم نسبت به مبارزه طبقاتی صورت میگیرد. دو جناح اصلی حکومت میکوشند تا مبارزه طبقاتی را در جدال‌های میان خود خلاصه کنند و بنام مبارزه با امپری-



بقیه از صفحه ۱

شورش سپاهان امریکا ...

امریکا با کمک غارت و بهره‌کشی وسیع از کشورهای دیگر جهان و در بین راه کشتار و سرکوب وحشیانه خلق‌های آن کشورها میتواند که با فشار توان نرسای سرما به را برگرداند. کارگران و زحمتکشان خود امریکا اندکی کاهش بخشد، و در نتیجه مانع از یورژوای بیعبارت دقیقتر را لا گرفتن مبارزات خونین خلق امریکا بر علیه حکومت آن میگردد. امریکان با کار انداختن سودا و سرمایه‌های خود در کشورهای دیگر امکان را نیامیافت، که از تورم سرمایه و بگردش نیفتادن در آمریکا و در نتیجه رکود و بیکاری جلوگیری نماید. و بدین طریق امکانات کار، بیمه بیکاری و آسایش نسبی بسرای اکثریت خلق آمریکا فراهم سازد. در واقع آمریکا بکمک کشتار خونریزی و سرکوب وحشیانه خلقی کشورهای دیگر، با فشار خونبار سرمایه را از گردنه کارگران و زحمتکشان خود

لیستی ما در نماید. امریکان گزیر است که بخش قابل توجهی از فشارها و عواقب بحران عمومی سرما به داری را در خود حفظ کند، و آنها را برگرداند. کارگران و زحمتکشان خود تمحیل نمایند. نرخ تورم آمریکا به ۱۴ درصد و نرخ بیکاری در آن به بیشترین حد از پاییان جنگ ویتنام بدینسورسیده سرما به گذار یها کاهش یافته، و در انگلیس جفت طبیعی آمریکا نرخ بیکاری به بیشترین حد از پاییان جنگ جهانی دوم بدینسورسیده است. به همین خاطر است که اعتراضات دورن جامعه آمریکا روز بروز خشن تر و اساسی تر میگردد، فقر و تنگدستی ناشی از بحران که گریبانگیر توده‌های زحمتکش بخصوص سیاهان، گردیده زمینه تا شیر جردی و پروژا بر عوامل نارضایتی مانند تبعیض و مسائل سیاسی دیگر میشود.

چشم انداز پروژا اعتراضات

و ادامه، مبارزات زحمتکشان بر علیه ستم و زور مپریالیسم تیره و تار - از نظرا مپریالیستها - میباشد. این چشم انداز از آن تیره تر میشود که در کشورهای تحت سلطه امواج اعتراض و مبارزه بر علیه سلطه سرما به در حال خیزش است. آمریکا مرکزی در تب شورش و انقلاب میوزد، و شیلی و آرژانتین زیر خا کسترند. ترکیه در آستانه قرا گرفتن در وضعیت انقلابی است و کر ه سخت دستخوش التهاب و هیجان انقلابی است. به نحویکه در اغلب شهرهای آن تظاهرات عظیم سیاسی بر علیه رژیم حاکم صورت گرفته، و اوضاعی شبیه زمستان ۵۷ ایران را بدست آورده است. شورش و آشوب در کشورهای تحت سلطه آمریکا و نیز در شهرهای داخلی آمریکا خبر از آینه‌ی خوش بسرای پرولتاریا و خلق‌های تحت ستم میدهد و در واقع ناقوس سرگ مپریالیسم بمداد آمده است. ■

بقیه از صفحه ۲

امپریالیزم آمریکا...

بحران و...

بقیه از صفحه ۶

نظم بورژوازی وابسته، ابزار و پایگاه مناسب تثبیت نظام سرمایه داری وابسته و تامین منافع امپریالیسم نمیباشد. پایگاه طبیعی و مناسب امپریالیسم در ایران، بورژوازی و وابسته است که در حال حاضر بورژوازی لیبرال منافع آنرا نمایندگی میکند. جناح خرده بورژوازی - روحانی بلوک سیاسی بسیار وجود یافته در خدمت تثبیت و استقرار نظام سرمایه داری وابسته و در جهت سرکوب مبارزات انقلابی توده ها بر علیه نظام عمل میکند، باز بدلیل خصوصیات خرده بورژوازی و روحانی موجود در آن، پایگاه مناسب طبیعی امپریالیسم محسوب نمیشود، و حتی تا حدودی سدها تا تامین منافع امپریالیسم میباشد.

امپریالیسم نامدتی امید داشت که خمینی و جناح خرده بورژوازی ای حکومت کلا تبدیل به اهرم قدرت سرمایه داری وابسته گردد. و حال بخوبی دریافته است که انطباق و همسویی منافع امپریالیسم با خرده بورژوازی حاکم نه تنها تا مین نشده، که حتی چشم انداز آن در رابطه با شرایط طبقاتی جامعه تیره و تار است. بنابراین امپریالیسم برای حفظ و تامین منافع خود چاره یی جز تلاش برای تقویت بورژوازی لیبرال بزیان خرده بورژوازی حاکم ندارد. و درست در این مسیر است که امپریالیسم از هیچ کوشش دریغ نمیورزد، حتی اگر مسئله دخالت نظامی امپریالیسم در میان باشد. اما باید توجه داشت که باز بدلیل آنکه گفتیم این تلاش آمریکا بصورت غیر مستقیم و در پوشش کمک به بورژوازی لیبرال یا لاقابل بخشی از آن تحقق میپذیرد، بدین معنا که بورژوازی لیبرال یا بخشهایی از آن علیرغم عقب نشینی های اجباری که در برابر جناح خرده بورژوازی حاکم داشته باشد، زبانی، ناگزیر دست به اقدامات خودتوطئه های بیمنظور و غلبه یافتن بر حریف حکومتی خود خواهد زد، و زمینه مناسب برای دخالت آمریکا فراهم خواهد شد. اینکه توطئه های بورژوازی لیبرال به منظور تصرف هژمونی در قدرت بجهت

صورت باشد، قابل پیش بینی نیست، ولی آنچه با قاطعیت میتوان گفت، اینست که بورژوازی لیبرال دربرابر اوضاع پراشوب کنونی و قدرت برتر خرده بورژوازی سنتی مرفه ناگزیر از دست زدن به قمار قدرت است. امپریالیسم نیز این امر را تحریک و تقویت مینماید. و در این صورت در کفزار جنگ انقلاب و ضد انقلاب، شاهد جنگ درون فدا انقلاب خواهیم بود.

در چنان وضعیتی است که امپریالیسم برای تقویت پایگاه طبیعی خود، یعنی بورژوازی لیبرال حتی به دخالت نظامی بصورت کمک به جناحی از طرفین درگیری و متحاصم میادرت خواهد نمود. در این حالت، امپریالیسم با داشتن پایگاه تیره و مندی که بخشهایی از بورژوازی لیبرال، ارتش و احیاناً بخشهایی از توده های قریب خورده، از جمله بخشهای عقب مانده عشاریها شند، خواهد توانست هم با تجربه ایران و دفاع از منطقه نفوذ و قدرت جناح متمایل به خود که قطعا جنوب ایران و منطقه نفت خیز باشد، منافع حیاتی خود را در منطقه خلیج فارس را پاسداری کند، همه فضای جنگی مطلوب و مورد نیازش را فراهم آورد.

در صورت وقوع آنچه گفته شد، که احتمال آن بعید نیست، اوضاع پیچیده مبارزه طبقاتی کنونی بفرج تر شده، و وظایف کمونیستها و انقلابیون حساستر و دقیقتر خواهد گشت. کمونیستها پیش و پیش از هر چیزی باید در جهت ایجاد صف واحد و متشکل خود بعنوان نمایندگان طبقه کارگر تلاش نمایند. و این مهم را چه بصورت وحدت وجه در شکل اتحاد و ائتلاف یا چه عمل پویا کنند. و در عین حال برای تقویت بلوک انقلابی بر علیه امپریالیسم و پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته سعی ننمایند که با دموکراتهای انقلابی، جبهه مشترک انقلابی بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته تشکیل دهند.

از این گذشته در چنین اوضاعی طبیعی است که تا ماجم حمله کمونیستها و انقلابیون در درجه اول و عمدتاً باید

پاسداران طبیعی و عمده نظام سرمایه داری وابسته یعنی بورژوازی لیبرال و متحدان امپریالیسم باشند. کمونیستها و انقلابیون باید بتوانند از فساد خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم در مبارزه بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته استفاده نموده، و حتی در صورت مقتضی و در جهت نابودی نظام سرمایه داری وابسته، خرده بورژوازی حاکم را که مهر فدا انقلابی بر پیشانی خود دارد، به ائتلاف با خویش بکشانند، و ضدیت آنرا با امپریالیسم نشانر ازانابودنی سیستم سرمایه داری وابسته نمایند. اما باید توجه داشت که تحقق چنین تاکتیکی و بهره گیری انقلابی از فساد خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم مستلزم نیرو مندی و استحکام صف متشکل چپ و جبهه انقلاب میباشد. ■



■ لازم به توضیح است که بورژوازی لیبرال بعنوان پاسدار اصلی و طبیعی نظام سرمایه داری وابسته همیشه در مقابل بیگانان حمله انقلاب قرار دارد، و حتی در شرایط حاکم مواجعه با چشم انداز تصویر شده در مقاله نیستیم، بخصوص در شرایطی که قبل صحبت از آن کرده ایم که در مقابل تهاجم وسیع جناح خرده بورژوازی حاکم بر علیه انقلاب لبه تیز حمله را باید متوجه این گروه بورژوازی ساخت، باز ما بدون هیچ درنگ و تردیدی به مبارزه قاطع و انقلابی با بورژوازی لیبرال میپردازیم. بعبارت دیگر، اینکه لبه تیز حمله ما در حال حاضر متوجه خرده بورژوازی است و به هنگام اوضاع پیش بینی شده متوجه بورژوازی لیبرال میگردد، بهیچوجه بمعنای پذیرش اجتمالی همکاری و ائتلاف با بورژوازی لیبرال در لحظه حاضر نخواهد بود.

رشد رهبری کمونیستی در مبارزات طبقاتی پرولتاریا، اتحاد نیروهای انقلابی متحدینش و بسیج انقلابی توده تا مین گرد و نیل به قدرت را به اجرا در آورد. وظیفه کمونیستها سازماندهی و هدایت پرولتاریا و توده های زحمتکش برای تیل به قدرت سیاسی است. کمونیستها در این راه در هر عرصه که به رشد گامی و آمادگی طبقه کارگر و متحدین آن کمک نماید مبارزه خواهند کرد و در این راه به هرگونه اتحاد دموقت و کوتاه مدت دست خواهند زد. اما آنچه امروز برای پیگیری هر چه بهتر و بیشتر در انجام این وظیفه میبرم ضرورت درجه اول دارد، گسترش تبلیغ و ترویج و سازماندهی پرولتاریا و توده های زحمتکش در سطوح گوناگون است.

مضمون تبلیغ و ترویج کمونیستها نمیتواند چیزی جز افشاگری ماهیت فدا انقلابی بلوک سیاسی حاکم، گوشزد نمودن آینده مبارزات طبقاتی و جنبش انقلابی در جامعه و ضرورتهای ناشی از آن باشد. به این صورت است که ضرورت شکل توده ها در صفوف سازماندهی انقلابی کمونیستها تا آن حد که عرصه تبلیغ و ترویج بر آورده میگردد سازماندهی کمونیستها نیز چیزی جز اشکال ممکنه و از جمله عالی ترین شکل آن آمادگی مسلحانه برای جنگ توده ای بر علیه امپریالیسم و بورژوازی متحد امپریالیسم نمیتواند باشد. سازماندهی کمونیستها بهیچوجه نمیبایست به تعمیق و گسترش هر چند ضروری شورا های کنونی محدود شود. کمونیستها میبایست در اندیشه ایجاد اشکال جدیدی از سازماندهی توده ها باشند. اشکالی که تحت هدایت کمونیستها بتوانند به ضرورت مبارزه ما در طبقاتی جاری و دو-رئسای سرخ آن پاسخ دهد. ■



بقیه از صفحه ۱

راه کارگر . . .

بهر ترتیب این مسئله بوجود آمد که آیا با بدشمار "دفاع از میهن" وارد دستور کار قرار داد؟ آیا باید نیروهای اجتماعی و طبقات مختلف را حول شعار دفاع از میهن خودببر علیه امپریالیسم آمریکا متحد نمود؟ آیا شعار دفاع از میهن شعار صحیحی است و با اوضاع کنونی ما انطباق دارد؟

دفاع از میهن به چه معنا قابل تصدیق است؟

این مسئله تا آنجا که مربوط به تئوری و پراتیک مشخص ما بر انقلابات جهان و مبارزات طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیسم باشد، روشن است. شعار "دفاع از میهن" هنگامی که مسئله "انقلاب پرولتری" در جنگی غیر عادلانه، یعنی جنگ میان امپریالیست ها برای تقسیم جهان و به بنام بردن سرزمینها و منابع خلقهای دیگر، مطرح است، شعاری بورژوازی و برضد مصالح پرولتاریا است. لنین میگوید ما هنگامی که امپریالیست ها بجان یکدیگر میافتند و زحمتکشان را به خاطر مصالح سرما به راه رودرویی با هم و کشتار یکدیگر میسازند شعار جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی و انقلاب تبدیل کنیم و کارگران و زحمتکشان را آماده و تربیت میکنیم تا به جای افتادن به جان هم برای مطامع امپریالیست ها، با یکدیگر متحد شوند و امپریالیست ها را سرنگون سازند. جنگ را، جنگ امپریالیست ها با یکدیگر را به انقلاب تبدیل میکنیم. این امرها نظیر که در تاریخ سوسیال دموکراسی اروپا اساس یک انشعاب بزرگ محسوب میگردد، از لحاظ تاکتیک پرولتاریا بانی نیز نکاتی بی آموزنده و اساسی در بردارد. در آستانه جنگ اول جهانی، انترناسیونال دوم به دو جناح سوسیال شوونیست، سوسیال دمکرات حقیقی و یا مارکسیست - لنینیست تبدیل شد و دفاع طلبان بورژوازی، همه اپورتونیست ها بر علیه تاکتیک لنین که خواهان انقلاب در مقابل جنگ امپریالیستی بود به دفاع از میهن روی آورند. و بدینوسیله خیانت بزرگ خود به طبقه کارگر و خدمت توگرا نه خود به سرما به راه بورژوازی خودی نشان دادند و عملی کردند. آنها از پرولتاریا خواستند که بجای انقلاب با بورژوازی تو سعه طلب و امپریالیست خود متحد گردند و از میهن دفاع کنند. آنها مبارزه طبقاتی را بفرا موشی و عملاً به دفاع از بورژوازی خودی پرداختند.

اما، وقتی جنگی عادلانه، جنگ میان خلقهای تحت ستم و امپریالیسم، پرولتاریای انقلابی و بورژوازی امپریالیستی مهاجم، در جریان است، مفهوم شعار دفاع از میهن تغییر مییابد. لنین در این مورد میگوید:

"ما نباید بگذاریم با حرف اغفالمان نمایند، مثلاً مفهوم "دفاع از میهن" برای خیلی ها نفرت انگیز است. زیرا اپورتونیست های علنی و کائونیکیت ها چکم آن دروغ بورژوازی را در جنگ غارتگرانه فعلی استتار و پورده پوشی مینمایند. این یک واقعیتی است. ولی از این واقعیت چنین نتیجه نمیشود که ما باید از تفکر درباره همیست شعارهای سیاسی دست بکشیم. "دفاع از میهن" را در جنگ فعلی فقط و فقط وقتی میتوان تصدیق کرد که جنگ عادلانه یعنی مطابق با مصالح پرولتاریا باشد، زیرا هیچ جنگی امکان هجوم را منفی نمیسازد. سفاکت صرف بودهر آینه "دفاع از میهن" از طرف ملل ستمکش در جنگ آنها برضد ولتبهای بزرگ امپریالیستی و یا از طرف پرولتاریای پیروزمند، در جنگ وی برضد فلان "کالیفه" دولت بورژوازی نفی میشد.

از نقطه نظر تئوری کاملاً احتیاط بودهر آینه فراموش میشد هر جنگی فقط ادامه سیاست با وسایل دیگر است، جنگ

امپریالیستی فعلی ادامه سیاست امپریالیستی دوگروه از کشورهای بزرگ است و این سیاست معلول مجموعه مناسبات عصر امپریالیستی بوده و از آن نیرو میگیرد. ولی همان عصرناگزیر با بد موجب پیدایش سیاست مبارزه برضد ستمگری ملی و سیاست مبارزه پرولتاریا برضد بورژوازی گردید و به آن نیرو بخشید و بهمین جهت اولاً قیامها و جنگهای ملی، انقلابی و ثانیا جنگها و قیامهای پرولتاریا برضد بورژوازی و ثالثاً وحدت هر دو نوع جنگهای انقلابی و غیره را ممکن و ناگزیر سازد. لنین - برنامه جنگی انقلاب پرولتری منتخبات فارسی - ص ۲۲۲

این نشان میدهد که طرح شعار دفاع از میهن فقط و فقط در چه شرایطی قابل تصدیق است. وقتی امپریالیسم به جنگ علیه خلقی میپردازد، با خلق تحت ستمی، بر علیه امپریالیسم قیام میکند و به جنگ عادلانه دست میزند، در چنین شرایطی دفاع از میهن با مفهوم مشخص همراه بود و شعاری قابل تصدیق است و برای پرولتاریا هنگامی که پیرومند آن به ساختمان سوسیالیسم مشغول است و امپریالیسم دست به تجاوز و جنگ اشغالگرانه به کشورهای امپریالیستی میزند، دفاع از میهن کاملاً قابل تصدیق است.

اما معنی فقط و فقط معنی عینی آن شرایط و وجوه آن شرایط بطور مشخص میباشد. تا زمانی که چنین شرایطی ایجاد نشده است، و چنین وضعیتی ایجاد نگردیده، طرح این شعار، و کوشش برای جلب نیروها حول آن و اجرای همه تاکتیکهای مربوط به این امر، خود بخود کوششی برای فریب توده ها و غلبه بر مبارزه طبقه ای جاری است و هنگامی که چنین شرایطی نیز بوجود می آید، بنا به موقعیت معین نیروهای طبقاتی و مبارزه جاری آنها، بنا به تفاددهای طبقاتی موجود است، که ما به دفاع از میهن در برابر امپریالیسم میپردازیم. قصد ما اینست اولاً شیوه برخورد به مسئله، ثانیاً امکان چنین تجاویز را در حال حاضر و ثالثاً موضع صحیح و طبقاتی را در این حالت توضیح دهیم.

پیش از هر چیز بگوئیم، که راه کارگر، در مقاله در کجا ایستاده ایم - شماره ۲۲ کوشش میکند همین مسایل را با شیوه خود توضیح دهد. ما به این شیوه و تاکتیکهای راه کارگر نیز برخورد میکنیم.

۲- منشور مبارزه ضد امپریالیستی

اینک که بر ما روشن گردید شعار دفاع از میهن فقط و فقط به چه معنا قابل تصدیق است نگاهی به اوضاع و احوال جاری و تومیه های راه کارگر شماره ۲۲ بیفکنیم. راه کارگر میگوید:

"تردیدی نیست در حال حاضر میهن ما در معرض تجاوز امپریالیسم آمریکا و متحدان آن قرار دارد و تردیدی نیست که وظیفه تمام نیروهای انقلابی و ترقیخواه ما زمان دادن مبارزه و مقاومت ضد امپریالیستی خلق بزرگان در برابر آمریکا است. راه کارگر - شماره ۲۲ ص ۶، همه جا تاکید از ماست.

نکته فوق را از دو لحاظ باید بررسی کنیم. اولاً در حال حاضر امپریالیسم آمریکا به ایران تجاوز مینماید یا نه؟ و چرا؟ ثانیاً: چنین تجاویزی در چه شرایطی و چگونه انجام خواهد گرفت؟ راه کارگر به جای آنکه زمینه مادی و عینی ابدقت بررسی کرده نیروهای داخلی و شرایط بین المللی امپریالیسم را مورد چند و چون قرار داده باشد، ناگهان فریاد میزند: میهن در معرض تجاوز امپریالیسم قرار دارد! آیا واقعاً چنین وضعیتی موجود است؟ امپریالیسم آمریکا بایک ما نورنظامی و تجاوز آشکاره خاک ایران، بسود متحدیست داخلی و برای انجام یک سلسله اقدامات دیگر، در اوضاع موجود تسهیلاتی وارد کرده است. اما آنچه که مهم است خود تجاوز و جنبه اساسی

راه کارگر . . .

این عمل امپریالیسم آمریکا است. در حال حاضر شرایط نشان میدهند و همه تحلیل‌های نیز آرایش‌ها اشبات میرساند که تاج و زامپریالیسم آمریکا در حال حاضر تنها مورد تردید است بلکه خصوصیت اصلی تحولات موجود نیست و امری است که در شرایط پیچیده تری متحقق خواهد شد. نه تنها بحران در درون بلوک و محافل امپریالیستی، بلکه اوضاع استراتژیک منطقه، و عدم وجود یک پایگاه داخلی نیرومند و شرایط مساعد درونی، وجود مبارزه طبقاتی حاد که در عین حال بر علیه امپریالیسم بوده و میتواند تا انهدام کامل قیود وابستگی و ناپسندی متحدین داخلی امپریالیسم و خلاصه اضمحلال سیستم به پیش برود، همه و همه در حال حاضر چنین امکان ضعیف کرده است. یک حرکت آمریکا در طین به افشای ارتش وابسته به آن و بورژوا لیبرال‌های خوش خدمت امپریالیسم منجر گردید. آنها عملاً تضعیف شدند و در ذهن توده‌ها عموماً در مورد آنها سؤالاتی بوجود آمد. ما در همین شماره نشریه رزمندگان در مقاله‌ای وضعیت امپریالیسم آمریکا و امکانات آنرا از لحاظ تاج و زامپریالیسم بررسی کرده ایم. بنا بر این شرایطی (چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین المللی) که تحت آن بتوان تاج و زامپریالیسم به میهن رابه عنوان یک امر اساسی و در حال حاضر ممکن ارزیابی نمود وجود ندارد. و طرح دفاع از میهن در مقابل امپریالیسم بدون وجود زمینه عینی آن نشانه غفلت از شرایط عمومی موجود است.

امپریالیسم آمریکا تاج و زامپریالیسم خود را به ایران در شرایطی عملی میکند که از لحاظ داخلی، عمدتاً پایگاه درونی مستحکم را بوجود آورده و شایسته برای حمایت از آن و در جهت تامین منافع خود با اتکاء به این پایگاه عمل نظامی اش را صورت دهد. در حقیقت کلیه شبکه‌های جاسوسی در بوروکراسی و ارتش و سایر سازماندهی‌های امپریالیسم آمریکا از او آگاهی و نیروهای سرمایه دار وابسته همه در این جهت میبایند. معنی این امر کوشش امپریالیسم در شکستن بلوک سیاسی حاکم است. تقویت بورژوازی لیبرال و تضعیف جناح خرده بورژوازی حاکم، زمینه چینی برای قدرت یابی بورژوازی لیبرال در بلوک سیاسی حاکم و ایجاد آنچنان شرایطی که جناح بورژوازی بتواند به تعرض حقیقی بر علیه خرده بورژوازی حاکم دست بزند. آنگاه همه شبکه‌های داخلی و خود امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برای دخالت خود، و برای انجام تعرض موقعیت مناسب را خواهند یافت. در چنین شرایطی همه قوای امپریالیسم در جهت دفاع و پشتیبانی از بورژوازی لیبرال‌ها بی که سود خود را در رابطه با امپریالیسم و حمایت آن میبینند، متمرکز خواهند نمود. واضح است که اقداماتی از قبیل فرستادن نیروهای طرفدار بختیاریا شاه‌خاکن به ایران، حتی اگر با شرکت نیروهای آمریکا بی همراه باشد، در شرایط موجود، یک تاکتیک محکوم به شکست فوری است. بزودی منهدم و منهدم خواهند شد. قالیسی که آمریکا میتواند عملیات خود را در دل آن به پیش بردد و بگریخته بختیاریا شاه‌خاکن که، بورژوازی لیبرال‌ها و شبکه‌های بوروکراتیک و نظامی وابسته به آمریکا و شخصیت‌های نامدار بورژوا - لیبرال میباشند در حقیقت تاج و زامپریالیسم آمریکا به ایران نمیتواند جدا از پایدگی بلوک سیاسی حاکم باشد. این بلوک بورژوا - لیبرالی، خرده بورژوازی، بلوک متناقض است. مشخصات اصلی بورژوازی لیبرال در این بلوک، همانا کوشش در ایجاد شرایطی کاملاً مساعد برای راه اندازی سیستم ارتباط آشکار و عمیق با امپریالیسم آمریکا و تامین منافع آنست. بورژوازی لیبرال یک پای اساسی سرکوب در هیات حاکمه، درست همپای جناح خرده بورژوازی حاکم میباشد. آنها هر دو از این لحاظ، یعنی از لحاظ فیت با انقلاب و خلق، از لحاظ حفظ سیستم موجود و جدت دارند. اما خرده بورژوازی حاکم نمیتواند بنا به ما هیتش، آنگونه که جناح بورژوازی بلوک حاکم کوشش میکند، بزیربا وابستگی اینچنین نسبت به امپریالیسم آمریکا برود. آنها استقلال طلب بودارای تاج و زامپریالیسم هستند آنها بانظم مطلوب بورژوازی لیبرال تاکنون

به شیوه خود در افتاده اند در حالیکه عملاً در حفظ سیستم و سرکوب و کشتار خلفا کل بلوک حاکم اتحاد دارد. ما شاهد تظاهرات جناح خرده بورژوازی وایی با امپریالیسم آمریکا و عملکرد آن در افشای ارتش، در افشای بورژوازی لیبرال‌ها در گروگانگیری جاسوسان آمریکایی، بوده و هستیم. و همینطور شاهد وحدت منافع بورژوا - لیبرال‌ها، تلاش در جهت احیای آمریکا بی ارتش و زمینه چینی در خدمت به امپریالیسم آمریکا بوده ایم. از این لحاظ چنین بلوکی نمیتواند سبب تاج و زامپریالیسم قرار گیرد. و عملاً نیز بحران اقتصادی - سیاسی جاری این بلوک را در درون خود به صف بندی کشانیده است و جریانات سیاسی اخیر این امر را بهتر و آشکارتر نشان میدهد.

اما مبارزه توده‌ها، توسعه آن اولین و مهمترین منضمه اوضاع کنونی است. این مبارزه در گروگان، در کارخانه‌ها، در میان دهقانان و در دانشگاه‌ها جریان دارد. مبارزه‌ای است که به تمام معنی ارگان‌های سرکوب و کشتار رژیم (بلوک سیاسی حکومت) رابه میدان کشیده است. توسل به قهر، در مقابل توده‌های انقلابی مردم، در وحشیانه ترین شکل آن، قانن حرکت خارجی هیات حاکمه، یا دقیقتر حرکت آن در مقابل خلق است. یک نگاه کلی نشان میدهد که توده‌ها در خط انقلاب و هیات حاکمه در خط ضد انقلاب است. توده‌ها بر ضد سیستم موجود و در جهت نابودی کامل نفوذ و پایگاه‌های امپریالیسم و محافظان سیستم مبارزه میکنند (آگاهان خود آگاه) و هیات حاکمه در جهت حفظ سیستم موجود. خلعت عمومی شرایط کنونی بحران عمیق اقتصادی - سیاسی و مبارزه طبقاتی - تی حاد است، مبارزه‌ای که میرا عملاً را میباید. و البته امپریالیسم آمریکا ضمن تلاش جهت تقویت جناح بورژوا - لیبرالی حکومت و سازماندهی مزدوران و عوامل نظامی - بوروکراتیک خود، تا آنجا که هیات حاکمه در سرکوب و کشتار توده‌ها و انقلابیون پیشقدم است و سنگ تمام میگذارد، نمیتواند از این کشتارها و سرکوبی‌ها خوشحال نباشد. حتی بنی صدر هم در تبریز میگوید آمریکا از کشتار کمونیست‌ها در ایران خشنود است. این امر نشان میدهد که امپریالیسم در حال حاضر نه تنها این سرکوب‌ها را مطابق منافع خود میبیند، بلکه به این جماعت که با تاج و زامپریالیسم موجود در ایران نیروهای سیاسی درهم بریزد تن در نخواهد داد. این است منشاء همه اظهارات جرج بال ها و ماسکی‌ها در آمریکا. آنها عملاً با هیات حاکمه در حال حاضر برخوردی دوگانه میکنند. در مقابل سرکوب و کشتار توده‌ها حساس و جدت با هیات حاکمه میکنند، و در مقابل تاج و زامپریالیسم با این جناح وارد تاج و زامپریالیسم آنکه بلا جناح دیگر در وحدت تاج و زامپریالیسم بی موقع امپریالیسم، عملاً به دو نتیجه منجر خواهد گردید: یا بورژوازی لیبرال را بطور کلی در شرایط عدم آمادگی و تجهیز کافی شکست کامل در حکومت روبرو خواهد کرد و یا اینکه تجزیه سریمتر آنها را در بلوک حاکم مخدوش میبازد: اینهاست آن عوامل عینی که راه کارگر برداشته توجیه ندارد.

بنا بر این برای ما مشخص گردید که اقدام آمریکا جهت تاج و زامپریالیسم و همه جا نیه نظامی در ایران نمیتواند جدا از مبارزات درونی و قدرت یابی متحدین داخلی اش که در حال حاضر ضعیفند باشد. ما باید توده‌ها را تا زمانی که بلوک سیاسی موجود و شرایط موجود برقرار هستند، بر علیه سیستم حاکم و بلوک سیاسی حامی آن سازماندهی کنیم. علیه این سیستم و ماهیت حکومت ترویج و تبلیغ کنیم! و مقاومت و تعرض منطقه‌ای توده‌ها را بر علیه این سیستم هدایت نماییم. اگر تاج و زامپریالیسم با توجه به شرایطی که گفتیم و با شرایطی که به این نتایج منجر خواهد شد صورت گیرد، تازه ما با شکست بلوک سیاسی حاکم روبرو خواهیم بود. نیروهای ضد انقلاب حاکم بنا به منافع و مصالح طبقاتی خود به دو جناح طرفدار و مخالف آمریکا که با هم درگیرند تجزیه خواهند شد. جناح خرده بورژوازی حاکم که با امپریالیسم تاج و زامپریالیسم در مقابل جناح بورژوا - لیبرالی و عوامل بورژوازی وابسته قرار خواهد گرفت. چنین تجزیه‌ای در نیروهای ضد انقلاب از لحاظ ما تنها یک معنی میتواند داشته باشد. و آن این است که استراتژی اصلی ما، که تا بودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است

راه کارگر . . .

در مسیر خود، در مسیر تجهیز مستقل توده‌ها بر علیه سیستم و بر علیه امپریالیسم متجاوز آمریکا با ضد انقلاب دوبرخوردخواهد نمود. یک جناح ضد انقلاب که با امپریالیسم تضافی معینی دارد و به مبارزه با آن نمی‌پردازد، از دید نیروی است که ما میتوانیم و باید با آن وارد یک وحدت موقت، همراه افشاء و مقاومت در برابر آن گردیم. و نیروی دیگر ضد انقلاب، متحد امپریالیسم، بورژوازی لیبرال را باید در همین مبارزه‌ها بودکنیم و با آن به یک مبارزه حقیقی بپردازیم، ما نه تنها علیه امپریالیسم بلکه علیه متحدین طبقاتی درونی اش با یک مبارزه کنیم. و با نیروهایی که در عین داشتن حرکات ضد انقلابی به مبارزه با امپریالیسم می‌پردازند، ضمن حفظ صف مستقل خود، به اتحاد موقت همراه با افشاء و مقاومت در برابر آن بپردازیم. اینست یگانگانه راه مبارزه با امپریالیسم: مبارزه با متحدین داخلی اش در عین حال، تاکتیک ما در مقابل ضد انقلاب (نابودی، مقاومت، افشاء) است. و این تاکتیک بر اساس مبارزه طبقاتی و تضاد طبقاتی که تعیین میکند چه کسی و چگونه با امپریالیسم می‌جنگند، پایه‌ریزی شده است. ماضی سطور بعدی این تاکتیک را بهتر و بیشتر توضیح میدهیم.

راه کارگر ضمن آنکه اصولاً به بررسی شرایط نبرد اخته و عوامل متعددی را که باید در راه رگه‌ها تاکتیک اتخاذ نمود، فرا موش میکند در عین حال میگوید:

"در شرایط کنونی مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه ارتجاع و ضد انقلاب داخلی از منشور مبارزه ضد امپریالیستی و ضد آمریکا بی توده‌های زحمتکش میهن قهرمانان میگردد . . ."

قانون وارونه است! این مبارزه طبقاتی، منافع طبقاتی است که توده‌ها و طبقات مختلف را در برابر امپریالیسم به دو طیف متحد و مخالف امپریالیسم تقسیم میکند و نه بعکس! ما می‌گوئیم بورژوازی لیبرال بنا به ما هیتش، بنا به موقعیت طبقاتی اش نمیتواند با امپریالیسم متحدنبا شود مگر تا کنون آثار و شواهد متعددی برای این امر ندیده‌ایم؟ تاکتیک ما نمیتواند با این مسئله رانندیده بگیرد و عملاً نیز نمیتواند جز این باشد. این منشور مبارزه طبقاتی است که نیروهای ضد امپریالیست و متحد آنرا از هم جدا میکند و نه بعکس! تضادهای جناح خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم، محصول موقعیت طبقاتی اوست و به همین علت تا کنون علی رغم مبارزه علیه توده‌ها و علیه انقلاب و علیه کمونیست‌ها و نیروها و دمکرات، علی رغم ضد انقلاب بی بودنش، این تضاد یعنی تضاد خرده بورژوازی حاکم و امپریالیسم در عین حال موجودیت خود را حفظ کرده است. این نیرویی که مبارزه طبقاتی جاری و موقعیتش در حفظ سیستم او را به موضع ضد انقلاب نشانده است. بنا به همین قاعده و تضادی که در نحوه حفظ و شکل بخشیدن به سیستم با بورژوازی دارد، یعنی وضعیت اقتصادی و طبقاتی آن در جامعه، تضادهایی با امپریالیسم از خود نشان داده است. راه کارگر که خودبهارها تکرار کرده است. مبارزه طبقاتی اساس هر حرکت و تحلیلی میباشد، در این جا یکباره مبارزه ضد امپریالیستی را بر آن چیرگی میسازد!

۳- دو تاکتیک در مبارزه ضد امپریالیستی!

بنا بر این راه کارگر به یکبارگی با این چرخش در اوضاع سیاسی، چرخ عظیم مینماید. راه کارگر میخواهد توده‌ها را تنها حول مبارزه با امپریالیسم و در دفاع از میهن در قبال حمله امپریالیسم متحد کند هر کسی میدانند که چنین تاکتیک بر خلاف همه تجربیات کمونیست‌ها و جنبش‌های جهانی است: شما نمیتوانید با امپریالیسم بجنگید و بدون اینکه متحدین داخلی آنرا مورد حمله قرار ندهید. انقلابیون کمونیست

در چین ضمن رهبری جنبش ضد امپریالیستی خلق چین، علیه فتوایهای بزرگ و بورژوا کمبرادورها می‌جنگیدند. در ویتنام مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا همراه مبارزه با متحدین داخلی آن حکومت دست نشانده فتوایها و بورژوا کمبرادورها بود. اما راه کارگر که یک عمل نظامی آمریکا کلیه مشا عرش را از دیدن عینیت عاجز می‌داند که آن گها ن فریاد میزند: علیه امپریالیسم! آنهم در زمانی که هنوز حکومت موجود، بلوک سیاسی جاکم بر سر جای خود باقی است. بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم متحدان کردستان انقلابی را به توب و بمب بسته‌اند. مودن‌ها و معتمدی‌ها را اعدام و ترور کرده‌اند. دژ آگاهها و کارگران مبارزه را محکوم به اعدام کرده‌اند. و همین چند ما پیش از کشتار خلق ترکمن فارغ شده‌اند. انسان با بدخیلی کوربا شد که شرایط عینی را بناگهان در پرتویک حادثه و یوا یک شرایط دیگر که زمان آن متعلق به آینده است، ندیده بگیرد. تا زمانی که بلوک سیاسی موجود باقی است، تا زمانی که چنین اتحادی در سرکوب و کشتار توده‌ها در هیات حاکمه برقرار است، تا زمانی که آنها متحداً بر علیه توده‌ها اقدام میکنند و نه مبارزه ضد امپریالیستی یا لیستی و ضد آمریکا بی دربین است ما همچنان با این بلوک سیاسی، با این هیات حاکمه و با همه جناح‌هایش به شیوه مناسب با یک مبارزه کنیم و می‌کنیم. در حال حاضر اینست واقعیت: اود آینه و در صورت تجاوز امپریالیسم چنان خواهد بود که گفتیم.

اما احکام اولیه راه کارگر، بی حساب در کنار هم گذاشته نشده‌اند آنها بر اساس یک دید مشخص در پی هم آمده‌اند (اجازه بدهید کمی دیرتر به آن برخورد کنیم) ما زمینه‌های اصلی این دید را بلافاصله در کتاب کتیک مورد توصیه راه کارگر بازمیابیم. پیش از آن به این عیبارت توجه کنید.

"اقدامات یکجانبه و مطلق کردن مبارزه علیه ضد انقلاب عملاً اقداماتی است در تضعیف وحدت ضد امپریالیستی. توده‌ها" (همانجا)

اولاً: تا کنون ماکسی را سراغ نداریم. که مبارزه علیه ضد انقلاب داخلی را مطلق کرده باشد. این کار در شرایط موجود و با توجه به سیستم امپریالیسم و شیوه‌های عملکرد آن نه تنها غلط بلکه حماقت آشکار سیاسی است. ولی وقتی راه کارگر از روی میل خود به "مطلق کردن" این مبارزه حمله میکند در حقیقت به چیز دیگری تعرض کرده است و آن اصولاً مبارزه با ضد انقلاب داخلی است. آنها مبارزه با هیات حاکمه و با جناح متحد آن با امپریالیسم را مطلقاً (آری بدبختانه مطلقاً) از مبارزه با امپریالیسم جدا میکنند. توجه کنید در شرایطی که توده‌ها نمیتوانند مبارزه ضد امپریالیستی را جدا از مبارزه طبقاتی و لاجرم مبارزه با هیات حاکمه به پیش ببرند راه کارگر میگوید:

"بسته به نوع ضد انقلاب، (نیروهای انقلابی) باید در برابر آن مقاومت کنند. و با مقاصد آنرا (کدام مقاصد را؟) مقاصد کدام جناح را؟" (افشاء نمایند" راه کارگر شماره ۲۲)

فرض راه کارگر در اینجا اینست که تجاوز امپریالیسم خلق و هیات حاکمه را بطور کلی با هم برود و رویی با خود میکشد یعنی به امپریالیسم وقتی تجاوز کند بورژوازی لیبرال - خرده بورژوازی حاکم و غلط همگی به مقاومت بر می‌خیزند. گویا امپریالیسم بدون پایه داخلی به کشوری فارغ از هرگونه دشمن داخلی متحداً امپریالیسم حمله میکند. انقلابیون و طبقه‌ای در مقابل هیات حاکمه جز افشاء و مقاومت ندارند. (در حالیکه خود هیات حاکمه اعلام میکند: ضد انقلاب داخلی (یعنی کارگران و دهقانان، کردستان، ترکمن صحرا، کمونیست‌ها و دمکرات‌ها) انقلابی و... متحداً امپریالیسم است و بهشتی میگوید مبارزه با امپریالیسم یعنی سرکوب کردن آن! ضد انقلاب در کردستان است! راه کارگر توصیه میکند که ما به هیچ چیز دست نزنیم، مقاومت کنیم! افشاء کنیم. او مبارزه ضد امپریالیستی را سازمان دهیم این مبارزه در داخل ایران علیه کسی چه طبقه‌ای، چه متحد امپریالیستی و در چه شرایطی انجام میگیرد؟ راه کارگر ابداً در فکر آنهم نیست! و فقط بفکر مبارزه ضد امپریالیستی است!

راه کارگر . . .

ثانیاً: و بهمین علت است که به تاکتیک افشاء، مقاومت "متوسل" میشود. تاکتیک اصلی راه کارگر "افشاء" و مقاومت "است. راه کارگر ضد انقلاب را به دو بخش تقسیم میکند و بر حسب نوع ضد انقلاب به انقلاب توصیه افشاء و یا مقاومت در برابر آن را مینماید، اما واقعاً این ضد انقلاب که راه کارگر آن را به دو بخش تقسیم میکند، هر بخش آن در مقابل تهاجم امپریالیسم چه موضعی خواهد داشت؟

ما هم اکنون شاهد تلاشهای پنهان و آشکار، تند و آرام، نظامی و سیاسی جناح بورژوا - لیبرالها هستیم که مبرانه خواهان عادی شدن روابط و تقویت پیوندها با امپریالیسم هستند. آنها همان نیروهای هستند که امپریالیسم در همنوایی و پشتیبانی آنان تجاوز خود را از زمان میدهد و با مجرد تجاوز و نظامی امپریالیسم آمریکا با آن همنوایی کرده و آنرا در سرکوب توده های انقلابی یاری میدهند. آنها که هم اکنون با بیای جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه با توده در جنگی علنی بسر میبرند، در آن موقع به ژنرال "پتن" های ما تبدیل خواهند شد. آنها که بورژوازی را بطور کلی نمایندگی میکنند، پایگاه

اعلی امپریالیسم از لحاظ اقتصادی و سیاسی محسوب میشوند. بنابراین در چنین موقعیتی ما با چنین نیرویی چه باید بکنیم؟ آیا باید آنرا افشاء بکنیم؟ یا در برابر آن مقاومت ناهیم؟ یا آنرا اساساً از زمین ببریم؟ مگر بورژوازی لیبرال بقول شما دلال امپریالیسم نیست؟ با این دلالتان چه باید بکنیم؟ مگر ما میتوانیم بدون جنگ با آنها که در اینجا از امپریالیسم دفاع میکنند، مبارزه با امپریالیسم را پیش ببریم؟ ما باید بورژوازی متحد امپریالیسم را از زمین ببریم. ما نباید در برابر آنها خود را به دفاع یا افشاء محدود نمائیم. زیرا در این صورت مبارزه ما با امپریالیسم هیچ معنایی نخواهد داشت، بجز اینکه نفوذ و موقعیت امپریالیسم را بدون نابودی پایگاه دورنی آن بخواهیم از زمین ببریم. در این صورت ما به استقلال طلبان بورژوازی تبدیل میشویم و اتحاد سونالیست هایی که حقیقتاً توده ها را از عمیق تر شدن و طبقاتی شدن مبارزه بازمیدارند، تنزل میکنیم! اینست نکته اصلی! در مورد خرده بورژوازی حاکم باید بگوئیم که این جناح از حکومت، تفاهدهای با امپریالیسم دارد. این تفاهدها در چهار چوب بورژوازی سر میزنند. این جناح نیز ضد انقلاب و در فساد با توده ها است. آنها تاکنون مبارزه خود را علیه توده ها بر مهمتر و جدی تر از تفاهدهای پشیمان با امپریالیسم دنبال کرده اند. آنها نه تنها ضد کمونیست، بلکه ضد کارگران - دهقانان و زحمتکشانند. از این جهت تا زمانی که آنها عملاً به مبارزه با امپریالیسم کشیده نشوند، و تا زمانی که بلوک سیاسی کنونی و اتحاد آنها با بورژوازی بدین صورت برقرار است، طبعاً ما بسته به شرایط با کل هیات حاکمه و از جمله با این جناح مبارزه اساسی خود را دنبال میکنیم. ما منشور مبارزه طبقاتی را ملاک خود قرار داده ایم: "ضد مبارزه ضد امپریالیستی! و در صورتیکه، در دید استراتژیک، و در شرایطی که باز گفتیم، آنها بشیوه خود به مبارزه با امپریالیسم کشید" شوند، طبیعتاً است که ما تاکتیک (افشاء - مقاومت) را در مقابل این جناح بکار

ببندیم (ضمن اتحادهای موقتی ضد امپریالیستی) آنچه که برای یک کمونیست اهمیت دارد کسب قدرت سیاسی و اتکا مستقل به پرولتاریا و توده ها است. ما اساساً مبارزه خود را در این میریزیم. شرایط کنونی و شرایط آینده بدون شک مبارزه انقلابی توده ها را بیض و گسترش خواهد داد. مبارزه ای که اتحاد انقلابی کمونیستها و داشتن برنامه و استراتژی واحد میتواند آنرا تبدیل به یک پایگاه انقلابی کمونیستی نماید. با توجه به این شرایط است که ما میگوئیم: تجهیز و سازماندهی

مستقل توده ها بر علیه امپریالیسم و متحدان داخلی اش!، نابود کردن بورژوازی متحد امپریالیسم و افشاء مقاومت در مقابل عملیات ضد انقلابی ای که حتی در حین مبارزه ضد امپریالیستی از ناحیه خرده بورژوازی حاکم (بهر صورت) میتواند سر بزند. ما هر جا بتوانیم باید قدرت را کسب نمائیم و هر جا که نمیتوانیم باید با توجه به خط عمومی فوق مبارزه را به پیش ببریم. تجربه انقلابات جهانی نیز این امر را نشان داده است. در چین، هنگ کنگ و تاجیکستان امپریالیسم ژاپن، ضد کمونیستهای طرفدار ژاپن "نا بود میشوند" ضد کمونیستهای مخالف ژاپن "افشاء" گردیده، در مقابلشان مقاومت میکرد (ضمن اتحاد موقت و مشخص با آنها از طرف کمونیستها) در ویتنام، قشرهای بورژوازی و فئودالهای متحد با حکومت دست نشانده نابود میشوند. و نیروهای غیر کمونیست و حتی ضد کمونیست و مذهبی مخالف امپریالیسم افشاء میگردند و در برابرشان هر جا که تعرضی کرده اند، مقاومت کرده اند. در آلبانی با موضعگیری در مقابل ضد انقلاب داخلی و نیروهای متجاوز فاشیست حزب کار آلبنانی توانست یک انقلاب پیروز مند را رهبری کند. دشمنان طبقاتی داخلی را نابود کند، با نیروهای ضد کمونیست ضد فاشیسم اتحاد موقت - افشاء - مقاومت گرد و بدین ترتیب جنبش ضد فاشیسم را همراه با یک انقلاب حقیقی نماید.

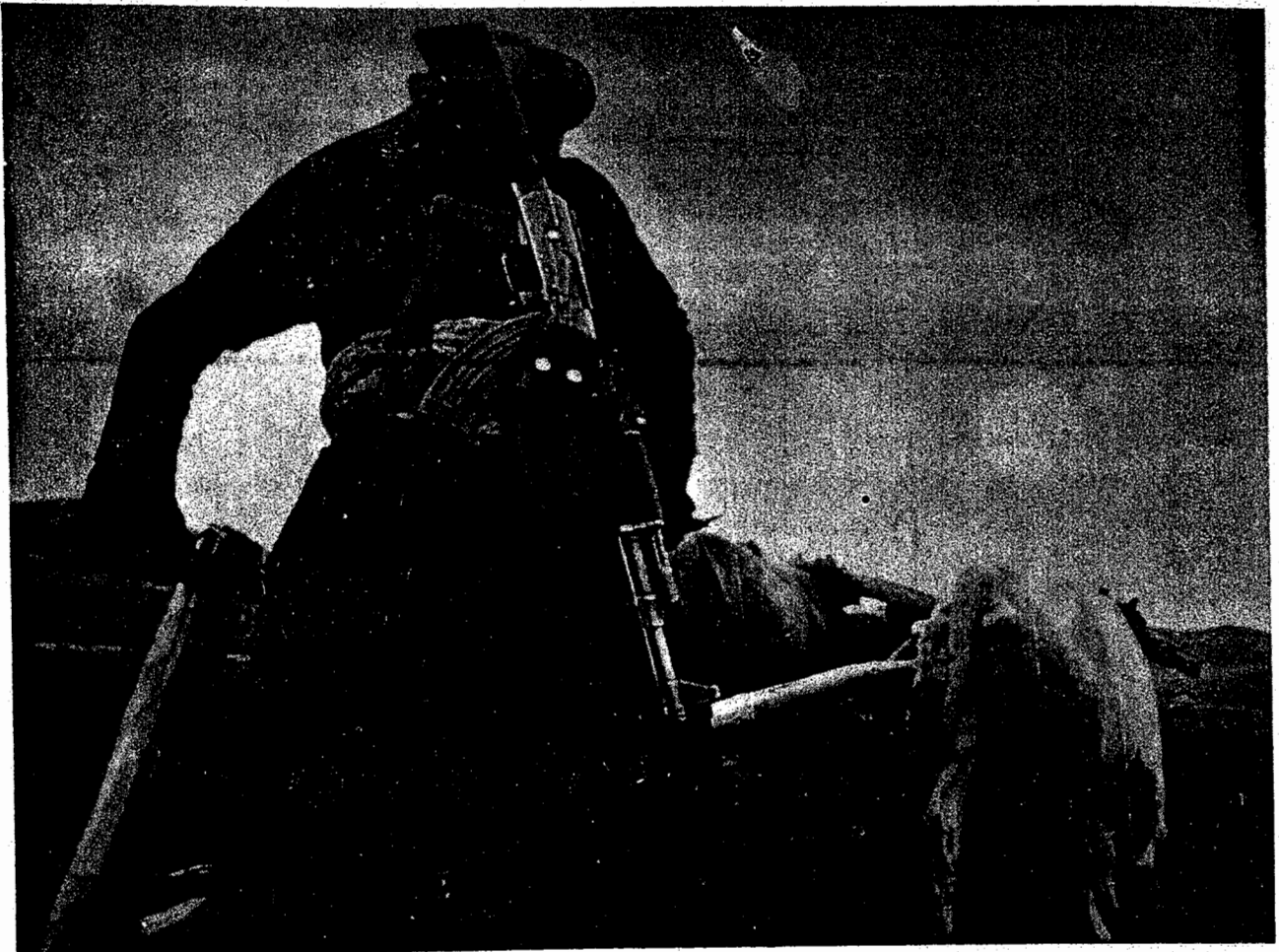
می بینیم که راه کارگر و خطای اساسی دارد. اولاً تاکتیک افشاء مقاومت را برای زمان حاضر طرح میکند. که هنوز پای تجاوز امپریالیسم در میان نیست. و هیات حاکمه عمدتاً و اساساً به سرکوب انقلاب مشغول است. ثانیاً: همین تاکتیک را برای شرایط تجاوز امپریالیسم که ما مطلقاً آنرا بررسی کردیم، توصیه میکند (بدون توجه به پایگاه داخلی و متحد امپریالیسم) آنچه که راه کارگر میآورد کم رنگ جلوه دادن طبقات اجتماعی است.

از نظر "راه کارگر" خرده بورژوازی مرفه سنتی در جناح خلقی است و در حاکمیت حضور ندارد. کاست حکومتی (شامل همه اعضای درونی - حاشیای و غیره) و بورژوازی لیبرال حکومت را در دست دارند، و این هر دو نیروهای ضد انقلابینند. اما از آنجا که "کاست حکومتی" منشأ فاشیسم و حفظ سیستم اجتماعی در تئوری راه کارگر است و این کاست خود ما و راه طبقات است، و بورژوازی لیبرال نیز نیرویی است که باید آنرا منفرد کرد، (از نظر راه کارگر) خود بخود کسی نمیداند که از لحاظ طبقاتی لیاقت نابود کردن را داشته باشد: "راه کارگر" در مقابل بورژوازی لیبرالها افشاء و در مقابل کاست "مقاومت" را پیشنهاد میکند!! (چه نتیجه عجیبی بعضی از تئوریها میتواند داشته باشند. انسان بیادکا بوسهای دانه در دوزخ میافتد!)

ما صرف نظر از این تحلیل راه کارگر با سایر روی اینک بورژوازی دست نخورده باقی میماند انگشت میگذاریم. اینجاست که مسئله امپریالیسم تنها بعنوان مسئله مرزی، مربوط به حفظ سیستم، حفظ جامعه و طبقات و تنها "دفاع از زمین" به کمک بورژوازی طرح میکرده: نه طبقه ای باید از زمین برود، نه سیستمی باید تغییر کند، نه... تنها باید از زمین خود دفاع کنیم! چنین است سر نوشت تاکتیک اپورتو - نیستی راست راه کارگر: مقاومت، افشاء راه کارگر نه تنها بخاطر تجاوز یافته امپریالیسم سر خود را میانندازد، و وضعیت کنونی و حرکت ضد انقلاب و وحدت اساسی آنها را در سرکوب و غیره نمی بیند، بلکه حتی در شرایطی که تجاوز امپریالیسم به صورت عملی کرده، تاکتیک بیرون ریزی را به ما هدیه میکنند، نه تاکتیک توسعه انقلاب، نه تاکتیک نابودی سیستم به همراه مبارزه علیه امپریالیسم. نه تاکتیک محیج در مقابل دوزخ انقلاب، نه هر... بلکه "دفاع"، "دفاع از زمین بدون درافتادن با متحدین امپریالیسم را پیش روی قرار میدهد: چنین است "دفاع از زمین" به شیوه بورژوازی در مقابل امپریالیسم! همه چیز دست زدن در مقابل ما به هیچ چیز!

"ادامه دارد"

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



اینجا کردستان است!

وسینه دشمنان خلق را خواهشکافت
 همچنانکه زمین را برای آبادانی
 از هم میشکافم!
 اینجا کردستان است!
 ومن شوهریک زن
 و پدرچندکودکم!
 کودکانی که بنا بدچون پدروما درشان
 زندگی را در زیر سر نیزه و ستم،
 در زیر استخما روفقر!
 در تشنگی و گرسنگی
 و پای در زنجیر!
 از سربگذرانند!
 اینجا کردستان است!
 ومن!
 یک بلوچم، یک ترکمنم، یک
 عربم، یک فارسم!
 یک آفریقایی ستم کشیده و آسیایی
 در بندم!
 من! از شیلی، ابولیوی و کوبا
 از ویستانم!

سرزمین قتل و عامهای قارنا و قله تا
 سرزمین تجا و زیبا ساران و ارتشیا
 مزدورگه زنان و کودکان بی سلاح
 را نیز به گلوله میبندند!
 اینجا کردستان است!
 سرزمین دهقانان و زحمتکشان!
 سرزمین پیشمرگان خلق!
 سرزمین، مرزعه‌های شخم نخورده
 و تشنه آب و آزادی!
 اینجا کردستان است
 ومن پیشمرگه‌ای زحمتکشم!
 برشانه‌ام تفنگم و اینک
 بردستانم خیش، تازمین مرده‌را،
 همچون خلقم زنده‌کنم!
 برشانه‌ام تفنگم و اینک
 آ ماده، بخاک مالیدن پوزه دشمنان
 خلق!
 من گلوله‌ایم را بر سینه دشمنان خلق
 شلیک خواهم کرد!
 بی پروا، بر کینه‌وبی لحظه‌ای تردید!

از هر جا که استخما روستم و مبارزه
 است به ارث رسیده‌ام!
 من یک ویتنامی‌ام!
 آه! ای مرتجعین! ای دشمنان
 خلق!
 هرگز مرا نخواهید شناخت!
 من شکستنا پذیرم! در زیر میباران
 زمین میکارم!
 وقتی زمین میکارم، سینه‌تورا با
 گلوله میشکافم!
 من فانتوم متجا و زنیستم! من
 خمپاره‌اندا زارنش نیستم! من
 تانک و توپ نیستم!
 من، پیشمرگه‌ام! با تفنگم بردوش!
 و قلبی به بزرگی آزادی همه خلقها!
 و قلبی به بزرگی کینه‌های بی‌پایان!
 من پیشمرگه‌ام و اینجا کردستان است!
 کردستان ایران!
 اینجا کردستان است
 سرزمین مبارزانه‌های هوایی جمهوری
 اسلامی!



کارگران جهان متحد شوید!

ضمیمه

رزمندگان

ارکان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

ضمیمه رزمندگان شماره ۱۳ - ۱۵ نال

اخبار جنبش

آیا ارتش در کردستان پیروز شده است؟

جنبش مصادرهٔ آپارتمانهای خالی ادامه دارد.

در ارتش چه خبر است؟

رفیق کمال کیانفر یک قربانی دیگر سال امنیت!

در کشت و صنعت کارون چه خبر؟

از ورود نماینده مردم مسجد سلیمان

به مجلس جلوگیری می شود!

پیشمرگه‌های کرد و جاش‌ها

چرا واقعهٔ سینمارکس آبادان را ماستمالی می کنند؟

کارگران هشیار باشید!

هیولای خفقان به کارخانه بازمی گردد

کارگران آستین‌ها را بالا می زنند!

دادگستری مسجد سلیمان بر ترور رفیق حمید

سلحشور توسط عوامل پاسدار سرپوش می گذارد!

در ارتش چه خبر است ؟

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۵۹ ،
 خیرکوتاه و تکان دهنده ای در روز -
 نامه ها منتشر شد. این خبرچین بود
 "یک ستوانیار خلبان محکوم بسه
 اعدام شد. ستوانیاسوم منصور حجاج
 قاسمی بجرم تمرد در انجام ما موریت
 تحریک پرسنل و عدم اجرای ما موریت
 و ایجاد شنج در ارتش محکوم بسه
 اعدام و حکم ما دره اجرا درآمد."
 این واقعه تکان دهنده بود
 نه از این لحاظ که خلق زحمتکش
 ما تاکنون چنین فرمانها و محاکمات
 فرمایشی را ندیده است زیرا او بخواهی
 بیاد دارد که چگونه دهها نفر از همین
 همافران و ستوانیاران خلبان
 در رژیم شاه، در گرما گرم روزهای
 قبل از قیام، به همین جرم به اعدام
 محکوم شدند. و نه از این لحاظ که از
 رژیم حاضر، توقع چنین رفتار
 جنایتکارانه را نداشته ایم زیرا
 این نه اولین و نه آخرین فردی است
 که در جمهوری اسلامی، بواسطه
 اینکه در کار ارتش "چرا" کرده است
 اعدام میشود. بلکه واقعه تکان دهنده
 بود زیرا که روزهای قبل از قیام رابه
 یاد خلق میاورد. زمانی را بیاد
 میاورد که دهها نفر از همافران
 و ستوانیاران خلبان در رژیم شاه و
 در گرما گرم روزهای قبل از قیام
 اعدام میشدند. این اعدام تکان
 دهنده بود زیرا رشد مبارزات انقلابی
 کارگران و زحمتکشان ما راحتی در
 صفوف ارتش نشان میداد. با این
 اعدام رژیم خود نیز مجبور شد اعتراف
 کند که در ارتش جمهوری اسلامی
 عناصر انقلابی مبارزی وجود دارند
 که حاضر نیستند به سرکوب و کشتار
 مردم تن بدهند. سرکوب پرسنل
 انقلابی، از سوی (هر دو جناح) هیات
 حاکمه، حتی باید گفت با یک شدت
 وحدت، از ماها پیش شروع شده است
 زیرا این راه ورسم رژیم های ضد
 انقلابی است که سرکوب آزادیخواه
 ها، زحمتکشان و نیروهای انقلابی
 بپردازند ارتش در همه کشورهای
 سرمایه داری، یکی از ابزارهای
 قدرت و سرکوب و ضامن حفظ بقای
 رژیم است و قاتون "ارتش چرا
 ندارد" و "اطاعت کورکورانه" جز
 لایتنجای ارتش های جوامع سرمایه
 داری و حکومت های ضد انقلابی است.
 مردم ما بخواهی بیاد دارند که
 از ماها قبل از قیام، در جریان اوج
 گیری مبارزات طبقاتی، جریانسی
 در ارتش شکل میگرفت که کم کم

چشمانش به حقیقت بازمیشد و میفهمید
 که منافع رژیم شاهنشاهی و ارتش
 شاهنشاهی، با منافع خلق زحمتکش
 منافع کارگران و دهقانان یکی
 نیست. این جریان بتدریج در درون
 ارتش نطفه های مقاومت برعلیه
 ضد انقلاب را بست و همیای آگاهسی
 اقشار خلق نسبت به ما هیت رژیم
 محمدرضای خائن، به آگاهی دست
 میافت ارتشیان پیشرو و انقلابی
 کم کم بصورت هسته ها و محافل دور هم
 میاوردند و از آنجا که رهبری مبارز
 ات بدست خرده بورژوازی مرفه ستی
 بود، رهبری این جریان را پذیرفته
 و حول مساجد و بعضی آزادیات مانند
 آیت الله طالقانی جمع میشدند.
 نمونه این مقاومت ها را در دهها
 ترور رهبران نظامی ارتش مزدور
 شاه خائن، و مقاومت در مقابل
 تیراندازی بمبم، فرار از ارتش،
 رژه و تظاهرات با لباس نظامی بس
 علیه رژیم سفاک، و خون آشام شاه
 خائن بارها و بارها دیدیم و سرانجام
 شورش همافران و پیوستن بخشی از
 ارتش به خلق و قیام مسلحانه
 نقطه عطفی در این جریان بود.
 در جریان یک مبارزه با دویک
 انقلاب، پرسنل انقلابی ارتش شکل
 گرفت و خود را به مردم مبارز ایران
 شناساند.
 بخشهایی از نیروی هوایی،
 همافران و ستوانیارها و درجه داران
 هوایی و برخی از خلبانها، نقش
 مهمی را در جریان مبارزات خلق
 بازی کردند، اوج مبارزات طبقاتی
 بطور علاج ناپذیری، ارتش رابه سمت
 تلافی و تجزیه پیش میبرد. اما همزمان
 با سازش رهبران
 انقلاب با آمریکا و سرمایه داران بر
 روی ارتش نیز آب تظہیر ریخته میشد و
 رهبران انقلاب ارتشی را که خلق را
 کشتار میکرد و برادر میخواندند، رهبر
 انقلاب که چشم انداز به قدرت رسیدن
 خود را داشتند میخواستند که ارتش
 را برای خود حفظ کنند و در نتیجه
 نمیخواستند که کینه و مبارزه بیمن
 توده ها و ارتش حادث شود و سعی
 میکردند بر ارتش ختم توده ها نسبت به
 ارتش آب بریزند. و به این ترتیب
 بود که از لحظه پیروزی بیعد، از ما
 لحظه که عناصری همچون "هاشمی
 رفسنجانی" با کمال وقاحت حمله به
 پادگان ها را کارا "امیرالایس" و

آمریکا توصیف کردند. هیات حاکمه
 جدید برای جلوگیری از تلافی، ارتش
 و برای باقیماندن ارتش مسز دورو
 حفظ فرماندهان و عناصری کسه در
 جنابات رژیم شاه دست داشتند. شروع
 به مظلوم جلوه دادن ارتش کرد و از
 همان روز به بعد، واژه "اخلالگر
 در باره" همه نیروهای انقلابی و از
 جمله پرسنل انقلابی ارتش باب شد.
 پرسنل انقلابی ارتش، که دل به
 رهبری جنبش بسته بودند، پس از قیام
 مواجه با عفوها، انتصاب ژنرالهای
 ارتش شاه، و باقیماندن همان ساخت
 و روابط درونی ارتش شدند. قبل
 از همه سر و کله شخصی به اسم
 سرهنگ توکلنی ظاهر شد کسی کسه
 وابستگی اش به آمریکا، توسط
 فاش شدن نوار صحبت هایش با یک
 خبرنگار آمریکایی، رسوایی بسیار
 آورده و او را از قدرت به گوشه ای
 برتاب کرد. آنها حتی نا هدا بقای
 کسی همچون ربیعی، در فرماندهی
 نیروی هوایی شدند که البته بر اثر
 فشار توده ها بر کناره برداشته شد، سپس
 سر و کله کسانی چون، مهدیون وقوهی
 و شاکر و مدنی و ظهیر نژاد و... پیدا
 شد که همگی سودای بازگشت بقدرت
 و زمین سازی برای سرکوب خلق را در
 سر داشتند.
 پرسنل انقلابی شعارهای بسی در
 نابودی ارتش ضد خلق و برپا سازی
 ارتش خلقی، ایجاد دشواریهای
 انقلابی میدادند اما در همه جا با
 مخالفت فرماندهان ارتش و کمال
 هیات حاکمه روبرو میشدند، بتدریج
 تمفیه عناصر انقلابی ارتش، بعنوان
 پاک سازی شروع شد بسیاری از ما
 نهایی که نطفه های مقاومت را در
 ارتش شاه پایه گذاری کرده و بیش از
 همه با رژیم شاه مبارزه کرده بودند
 اخراج و یا باز خرید شدند و در عوض
 امثال شاکرها و باقری ها و شاد مپرها
 با عزت و احترام به کار دعوت شدند.
 مدتی درست فرمانداری نیروی
 دریایی و استاندار خوزستان، رسماً
 در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۵۸ اعلام
 کرد "که هر کسی میخواستند توبه کنند
 باید کارگزار ملت باشد" (آیندگان
 ۱۶ اردیبهشت ۵۸) و با این ترتیب بطور
 کلی کاملاً علنی، راه را برای
 بازگشت آدمکشان و جنایتکاران
 و فرماندهان ارتش شاهنشاهی، با
 یک توبه و قول به کارگزار نبودن ملت
 باز کردند.
 پس از آن فرمانده دژبان طی
 بخشنامه ای در تاریخ خرداد ۵۸
 اعلام کرد که "اعتصاب و شورش در ارتش
 ش با اسلحه سرکوب میشود" (آیندگان

۹ خرداد ۵۸) زیرا رژیم نمیتوانست
 جریانی قوی از اعتراض ها و خواسته
 های دموکراتیک را در ارتش بپذیرد
 زیرا قاتون "بندی رژیم های حامی
 سرمایه داران قانون اطاعت کور
 کوران است. بعد ها دستور العمل
 موردها و دهها فتوا و دستور العمل
 در مورد اطاعت از ما فوق و اینکسه
 "اطاعت نکردن از ما فوق شخصیت
 نمی آورد" (از نطق بنی صدر در بندر
 عباس) صادر شد.
 در تاریخ ۵۸/۳/۱۴ تنها با
 یک بخشنامه، هرگونه تظاهرات و راه
 هیمایی نظامیان را ممنوع اعلام
 کردند و دژبان ها را ما مور جلوگیری
 از تظاهرات نمودند (کیهان ۱۳
 خرداد ۵۸)
 با هجوم و فشار ضد انقلاب، برای
 خفه کردن صدا های اعتراضی در ارتش
 و اخراج پرسنل انقلابی و سرکوب
 جریان های مقاومت درونی ارتش
 پرسنل انقلابی ارتش، غمخوار
 نیروی هوایی به مقابله آشکار با
 رژیم برخاستند از جمله پرسنل
 پایگاه نیروی دریایی رشت در ۲۳
 خرداد ۵۸ طی قطعنامه ای گفتند: "ما
 به هیچوجه عنوان و تحت هیچ شرایطی
 اجازه نخواهیم داد دشواری پادگان
 لغو شود. زیرا معتقدیم در صورت
 نبودن دشواریها اطاعت کور کوران و
 ظلم و ستم دوران طاغوت دوباره
 احیا خواهد شد، ما خواهان تصریح
 دشواری پادگانی در قانون اساسی
 هستیم تبعیضات و فاصله طبقاتی
 در ارتش با یتی سرمایه ازمین برود
 ما بدین وسیله اعلام میداریم تحت
 هیچ شرایطی به روی مردم مملکت
 آتش نگشوده و به هیچ عنوان در
 کشمکش های درون مرزی دخالتی
 نکرده و فقط از مرزهای کشور عزیز
 ما تا پای جان پاسداری و دفاع
 خواهیم کرد، و با علم به اینکه
 ارتش فعلی جمهوری اسلامی ایران
 با معوم شدن چند ژنرال و عمال
 کثیف وابسته به محمدرضا پاکسازی
 شده است ما خواستار تصفیه کامل
 ارتش از عناصر ناپاک هستیم و..."
 (آیندگان ۲۳ خرداد ۵۸) و سپس
 در ۲۸ همان ماه، پرسنل نیروی هوایی
 مستقر در پایسرخواستهای مابسه
 را بیان کردند (کیهان ۲۸ خرداد ۵۸)
 در سوم مرداد همان سال، هما
 قران طی قطعنامه ای گفتند "درغا
 لب قوانین اسلامی، انسانها
 صاحب تخصص اند نه تخصصها ما حسب
 انسان، و در این رابطه هیچ انسانی
 را نمیتوان از حقوق مکتسبه الهی

پیشمرگه‌های کرد و جاش‌ها.

این روزها، اینجا و آنجا، در رادیو و تلویزیون و مطبوعات، اصطلاح "پیشمرگه کرد" زیاد شنیده و دیده می‌شود. "پیشمرگه" اسمی نیست که دیروز و امروز اختراع شده باشد، این اسم در تاریخ مبارزات خلق کرد سابقه زیادی دارد اما پیش از هجوم رژیم به کردستان، در ۲۸ مرداد ۵۸، پیشمرگه‌های کرد با ضربات نا بودکننده‌ای که به نیروهای نظامی وارد ساختند و شورشات‌ها و قهرمانی‌ها بی نظیری که نشان دادند پیش از پیش نام پیشمرگه را در سراسر ایران مشهور ساختند. اما "پیشمرگان" مسلمان کرد! از ابدا عات، حکومت جمهوری اسلامی و پاسداران است. این روزها سروصداي این دسته خیلی بلند شده، اطلاعیه پشت اطلاعیه و بیانیه پشت بیانیه ما در می‌کنند، که از رادیو و تلویزیون "منتقل!" جمهوری اسلامی نیز پیش می‌شود، اما قبل از اینکه به ما هیت حقیقی این پیشمرگه‌های مسلمان "سپردار" بپسند نیست که ببینیم اساساً "پیشمرگه" ها چه کسانی بودند.

پیشمرگه از قدیم در کردستان به کسانی می‌گفتند که مسلحانه علیه حکام، اربابان و قدرتمندان مبارزه می‌کردند، پیشمرگه یک قهرمان و یک فرد انقلابی بود که بر علیه جور و ستم بلند می‌شد و دست و حاکمی زحمتکش بود به این معنی پیشمرگه در سنت مبارزاتی کردستان نامی مقدس و قابل احترام بوده و هنوز هم هست. سابق مبارزاتی پیشمرگان کرد، با اندازه تاریخ مبارزات خلق کرد طولانی است.

و در زمان سلطنت شاه خاشاک هم چه اوائل وجه او خاشاک‌ها و حمانه‌هایی از قهرمانان بیاد ماندنی این قهرمانان خلق و این "پیشمرگان خلق" شنیده می‌آید.

پس از سقوط رژیم شاه خاشاک، خلق کرد نیز که همچون دیگر زحمتکشان میهنمان به رژیم "جمهوری اسلامی" دل خوش کرده بود، هنوز اندک زمانی نگذشته همان آواهایی را که رژیم

مخلوع شاه خاشاک درباره "تجزیه طلب بودن خلق کرد" سر میداد، از دهان سران جمهوری شنید و اولین مرز عدل جمهوری را از "لوله‌های سوپ و خمپاره" ارتش توبه کرده در عید ۵۸ چید و از اینجا بود که دوباره، نقش "پیشمرگه" در مبارزات خلق کرد تداوم یافت. اما، رژیم جمهوری اسلامی که در خالی کردن محتوای انقلابی هر چیز انقلابی، بی‌طولانی دارد، در این مورد نیز دست بکار شد. بعد از حملات رژیم جمهوری اسلامی به کردستان و بمباران سنجید برای نیروهای انقلابی و کمونیست بطور عملی معلوم شد که این دولت نه نماینده کارگران و زحمتکشان بلکه حامی سرمایه داران بوده و به سرکوب خلق کرد و مبارزات آنها دست خواهد زد. از اینرو نیروهای انقلابی و کمونیست کردستان برای مبارزه با دولت مرکزی مسلح شدند و اسلحه بدست گرفتند. به این کمونیست‌ها و انقلابیون مسلح طبق همان سنت مبارزاتی پیشمرگه‌ها می‌گفتند.

این پیشمرگه‌ها که در مبارزات باستان دولت جمهوری اسلامی ارتش و پاسداران را عاجز کرده و آنها

را از شهرهای کردستان رانده بودند بعد از جنگ بیش از پیش مورد احترام و تائید مردم قرار گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی که از زمان به قدرت رسیدن از هیچ کاری برای فریب مردم فروگذار نمی‌کرده است، و چشم دیدن پشتیبانی و همراهی مردم از نیروهای انقلابی و کمونیست را ندارد، دست به حیل جدید زد و کاردی کرد تا پیشمرگه‌های قهرمانان کردستان را بدنام شوند.

بعد از شکست جنگ اول کردستان عده‌ای کرد فروش و جاسوس کرد را به عنوان پیشمرگه مسلح کرد.

و اسم آنها را "دسته پیشمرگان مسلمان" کرد گذاشت. این کار چند فایده برای رژیم داشت نخست اینکه می‌توانست از آنها به عنوان یک نیروی نظامی مشکل بر علیه خلق کرد، کمونیست‌ها و انقلابیون استفاده کند. و دیگر آنکه چون آنها خودشان کرده‌اند و مبارز

زین خلق کرد را بهتر از پاسداران اصفهانی و تهرانی وقتی می‌شناسند می‌توانند در شناسایی مبارزین کردستان به پاسداران و ارتش کمک کرده و خلاصه نقش ساواک کردستان را بازی کنند و سوم اینکه با اعلام این اسم در سراسر ایران و تبلیغ روی آن می‌توانند به مردم ایران بگویند که در مقابل آن پیشمرگان ضد انقلابی که با دولت می‌جنگند عده‌ای پیشمرگ مسلمان وجود دارد که خودشان کرد هستند و به دولت کمک می‌کنند و اساساً جنگ ما با کردها نیست بلکه با کفار و عوامل امپریالیسم است. و چنین وانمود کنند که در کردستان جنگ میان مسلمان و غیر مسلمان است و پیشمرگان مسلمان در کردستان در کردستان غیر مسلمانان نیستند!

این اولین باری نبود که حکومت دست به چنین شگردی می‌زند. بلکه فاصله بعد از به قدرت رسیدن نیز بسیار سوء استفاده از نام "سازمان همدین خلق ایران" که یک سازمان انقلابی بوده و در میان مردم خوش نام و عناصر آن مورد احترام است "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" را که یک سازمان ارتجاعی است بوجود آورد و با هرجا توانست شوراها و شوراهای غیر اسلامی منحل کرد و شوراهای قلابی تحت نام اسلام بوجود آورد. شوراها بی کلابد هر کس بر ما هیست ارتجاعی آن اعتراض کند ضد انقلابی و ضد اسلام می‌گردد. و با کارگران مبارز و انقلابی را به عنوان غیر مسلمان اخراج کرد و اعتراض آنان را با بدو دستگی در میان کارگران خفه کرد و اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی از خاشاکین به خلق کرده‌استه پیشمرگه مسلمان می‌سازد و بی‌مدارایی‌ها و بی‌مروتی‌ها را برادران دینی خود می‌خواند و از مردم می‌خواهد که برای شان تکبیر بفرستند و از آنها تقدیر کنند بنظر ما هم این جاسوسان کرد فروشان و خاشاکین برادران بنی صدر هستند و این یک بار را بنی صدر دروغ نگفته است. در رژیمی که انقلابیون و کمونیست‌ها، ضد انقلابی و همدست آمریکا، بحساب می‌آیند کارگران مبارز را خالگرو خرابکار محسوب می‌شوند بر سنل انقلابی ارتش به عنوان ضد انقلاب اعلام می‌شوند و

این اولین باری نبود که حکومت دست به چنین شگردی می‌زند. بلکه فاصله بعد از به قدرت رسیدن نیز بسیار سوء استفاده از نام "سازمان همدین خلق ایران" که یک سازمان انقلابی بوده و در میان مردم خوش نام و عناصر آن مورد احترام است "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" را که یک سازمان ارتجاعی است بوجود آورد و با هرجا توانست شوراها و شوراهای غیر اسلامی منحل کرد و شوراهای قلابی تحت نام اسلام بوجود آورد. شوراها بی کلابد هر کس بر ما هیست ارتجاعی آن اعتراض کند ضد انقلابی و ضد اسلام می‌گردد. و با کارگران مبارز و انقلابی را به عنوان غیر مسلمان اخراج کرد و اعتراض آنان را با بدو دستگی در میان کارگران خفه کرد و اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی از خاشاکین به خلق کرده‌استه پیشمرگه مسلمان می‌سازد و بی‌مدارایی‌ها و بی‌مروتی‌ها را برادران دینی خود می‌خواند و از مردم می‌خواهد که برای شان تکبیر بفرستند و از آنها تقدیر کنند بنظر ما هم این جاسوسان کرد فروشان و خاشاکین برادران بنی صدر هستند و این یک بار را بنی صدر دروغ نگفته است. در رژیمی که انقلابیون و کمونیست‌ها، ضد انقلابی و همدست آمریکا، بحساب می‌آیند کارگران مبارز را خالگرو خرابکار محسوب می‌شوند بر سنل انقلابی ارتش به عنوان ضد انقلاب اعلام می‌شوند و

در عوض رؤسای آمریکایی ارتش حافظین مرزهای ایران خوانده می‌شوند ساواکی‌ها عفو می‌گردند و دانشجویان کشتار می‌شوند با یه هم‌کسار فروشان و جاسوسان خلق کرده‌کار ساواک را در کردستان انجام می‌دهند برادر دینی رئیس جمهور خوانده شوند اما اگر مدت کوتاهی هم ایمن فریب‌ها در دیگر نقاط ایران کار ساز باشد در کردستان که مردم این عوام را خوب می‌شناسند چاره در آنها نیست. خلق کرد در کنار مبارزه با ارتش و پاسداران در دستگیری و محاکمه و اعدام انقلابی این جاشاکین لحظه‌ای کوتاهی نکرده و هر جا که دستش رسیده آنها را به سزای اعمالشان رساند. و آن‌ها که در کردستان می‌جنگند توده‌های خلق کردند. جنگ سنجید نشان داد که علیرغم همه ادعاهای رژیم، این تمامی خلق کرد است که با جنگ و دندان از حقوق خوبش دفاع می‌کنند و پیشمرگان مسلمان نکرده اگر چه کرد با شند از خلق نبوده و مزدوران و خود فروشان هستند که خلق کرد آنها را از خویش نمیدانند. او جگیری هر چه بیشتر مبارزات خلق کرد این خاشاکین و خود فروشان را روز به روز بیشتر رسوا می‌کنند و بر نیست روزی که مبارزات خلق کرد و مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران پرده از روی تمامی حقایق بردارد و فریبکاریها و جنایات رژیم جمهوری اسلامی را یکی بعد از دیگری برملا کند.

□ □ □



درکشت و صنعت کارون چه خبر؟

شرکت کشت و صنعت کارون یکی از بزرگترین مراکز کارگری در ناحیه دزفول، اندیمشک، شوش و هفت تپه و شوش است. این شرکت کسه وظیفه کشت و برداشت نیشکر و تبدیلی آن به مواد مختلف را دارد، از دو قسمت کشت و ریزی و بخش کارخانه تشکیلی شده است. بخش کشت و ریزی آن ۵۰۰۰ هکتار گردار دارد که اکثر آنها روستایی بود و از آگاهی ناچیز و بیثباتی برخوردار میباشند. بخش صنعتی شرکت بیشتر از کارگران فنی تشکیل شده است. کارگران کارخانه از آگاهی بیشتری برخوردارند و شورایی تشکیلی داده اند که عضو، یک مهندس، ۳ نفر کارگر و ۵ نفر کارمند دیپلمه دارد. این شورا در مورد خواستهای صنفی کارگران پیگیری است ولی به مسائل سیاسی کاری ندارد و مقابل کارگران کشت و ریزی اصلا شورایی ندارد و اصولا بسیاری از آنها با نام شورا هم آشنا نیستند.

یکی از مدیرعاملهای شرکت شخصی است به نام قلی زاده پاشا که با بازرگان در کارخانه "ایرفنو" شریک است و گرایش مذهبی داشته و مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی میباشند و متقابلا در هرجا میسازند آنان پشتیبانی میکند. وی علاوه بر آنکه در دولت نفوذ زیادی دارد، توسط آنکه در منطقه نیز دهقانان و شیوخ را به سمت خود جلب کند. قلی زاده پاشا عنصری است شدیداً ضد کارگر که تجارب فراوانی در سرکوب و مبارزات کارگران دارد و در عنوان مفریبی هیچ جای حرف ندارد. او در راه فریب مردم از هیچ کاری دریغ نند. در تریک ده برای شیخ ده که توده ها او را قبول دارند خانه میسازد در ده دیگر مسجد بنا میکند به روستاهای

میرود و به دهقانان سر میزنند و خلاصه از طریق این کارها توانسته عده زیادی از روستائیان را که عمدتاً هم بی سواد هستند به خود جلب میکند و با نتیجه مطمح مبارزاتی کارگران کشت و ریزی را پاشین نگهدارد. اما کارگران کارخانه بهراحتی در جنگ او نیستند و در حوال شوری خود مبارزه

میبردازند محور مهم مبارزات کارگران کارخانه خواست ۴ ساعت کار در هفته بوده است. تعداد زیادی از کارگران از یکم قبیل از عیدروزهای پنج شنبه سرکار نمی آیند، بعد از عید تعداد ۵۰۰ نفر از کارگران کسه اکثریت آن کارگران کارخانه هستند، با زهره روزهای پنجشنبه به سرکار نمی آیند. قلی زاده وارد میدان میشود برای جلوگیری از مبارزه کارگران تصمیم به اخراج آنها میگیرد اما میبیند که تعداد آنها زیاد است و نمیتواند اینکار را بکند و دست به کار توطئه دیگری میشود. کارگران و کارمندان این مجتمع از مدت پیش برای ۴ ساعت کار در هفته مبارزه میکردند که پس از پی گیری ها و مبارزات متوالی، بالاخره موفق میشوند که قول برقراری ۴ ساعت کار در هفته را با شرط اضافه کاری در روزهای پنجشنبه بگیرند اما قلی زاده پاشا نیز بر این قول زده و آن را عملی نمیکند. قلی زاده پاشا در اواسط فروردین به حیل دیگری متوسل میشود عده ای از کارکنان را که عمدتاً از زنانندگان پایه یک هستند جمع میکند و برای انحلال شورای کارخانه از آنها امضاء میگیرد و برای ۹ نفر اعضای شورا پرونده تشکیل میدهد. جنتی حاکم شرع اهو از بدون هیچ کوششی اظهاریه ای مستقیماً حکم جلب اعضای شورا را صادر میکند. و چهار پاسا دارا از احوال جهت جلب اعضای شورا به کارخانه میروند. آنها تفنگهای خود را دم در تحویل کارگران میدهند و سپس وارد کارخانه میشوند کارگران آنها را به طبقه بالا درون مسجد میرانند و نهنگی کاژ مندرجریان را به قسمتها اطلاع میدهند و حدود ۳۰ نفر جمع میشوند. کارگران و کارمندان سر راه را میگیرند و شروع به بحث با پاسداران و بیکدیگر میکنند. آنها به پاسداران میگویند ما را ببرد و بیا همینجا آنها را محاکمه کنید ببینیم جرمشان چیست؟

قلی زاده پاشا از فرصت

استفاده کرده در کنار آوردن پاسدار سعی میکند از ناآگاهی کارگران کشت و ریزی استفاده کرده و آنها را به سراغ کارگران کارخانه بفرستد و چون همه سرمایه داران از سرکوب و فریب هر دو استفاده کنند. به این منظور کارگران "نی بر" را با تسمه که وسیله ای برای بریدن نی هست جمع کرده و با شعارهای مرک بر کمونیست والله اکبر گویان آنها را به کارخانه میآورد. کارگران کارخانه هم در حالیکه شعار میدهند: کارگر کشت و ریزی ما با هم برابریم به استقبال آنها میروند. قلی زاده پاشا که در جلوی کارگران "نی بر" به سمت کارگران کارخانه میرفت با دیدن کارگران کارخانه عقب نشینی کرده و در میان کارگران نی بر خود را گم و گسور میکند. ولی کارگران و کارمندان کارخانه دست از سرش برنمیدارند. یک زن کارمندیک کشیده به صورتش میزند و کارگران بالکدو مشقت او را کتک میزنند، او به میان کارگران کشت و ریزی پناه میبرد و آنها را به حمله تحریک میکند ولی کارگران کشت و ریزی عکس العملی نشان نمیدهند. در این هنگام عده ای از کارگران کشت و ریزی به سرکارشان میروند و بقیه با کارگران کارخانه در دستها چند نفری بحث میکنند. در تمام این مدت راه پله ها مسدود بود و کارگران که اکثریت آنها زن بودند با نشستن روی پله ها مانع ورود اعضای شورا میشوند. آخر وقت کسه کارخانه تعطیل میشود و کارگران در حالیکه اعضای شورا را در میمان گرفته بودند سوار سرویس ها شده و سر ویس ها هم با چراغ روشن و در حال بوق زدن به حرکت درآمدند و کارگران که با این کار پیروزی خود را جشن می گرفتند سرشار از غرور به خانه ها پاشا میروند. در این روز قلی زاده پاشا برای رود کردن کارگران کشت و ریزی و کارگران کارخانه موثر نیفتاده و خود قلی زاده پاشا هم کتک نوش جان میکند! فردای آن روز بخش هایی از کارخانه شروع به کار میکنند و زنان مثل روز قبل پله را مسدود میکنند. یک کارگر "برقکار" پیشنهاد میکند روی پله ها آب بریزیم و در کنار آن سیم های برق را قرار دهیم تا اگر

پاسداران حمله شدید کردند پس سیم ها را داخل آب قرار دهیم تا کسی نتواند از پله ها عبور کند. کارخانه حالت خاصی دار تعدادی کارگر ان آماده برای هر کاری هستند. و با هم قرار میگذارند با هر وسیله ای حتی با سنگ هم شده جلوی بردن افراد "شورا" را بگیرند آن روز هم پاسداران میآیند ولی موفق به دستگیری اعضای شورا نمیشوند.

قلی زاده پاشا که حیلش برای رود کردن کارگران مبارز با کارگران ناآگاه به جایی نرسید و از طریق پاسداران هم نتوانست کاری از پیش ببرد و با مبارزه مشتکمل کارگران رو برو شد به حیل جدیدی دست زد.

و گفت پنج شنبه ها کار کنید وقتی بودجه اضافی کاری شما برداخت میشود. کارگران که تا حدودی خسته شده بودند یک قسم عقب نشینی کرده و قبول میکنند پنج شنبه ها کار نکنند و هر وقت بودجه اضافی کاری آنها پرداخت گردد. اما وقتی پای امضای سنده ۴ ساعت کار در هفته و پرداخت اضافه کاری پنج شنبه ها پیش میآید، از امضاء خودداری میکند. ولی بعلمت برخورد این روزها روز عزا داری برای امام صدر کارگران اعتراضی نمیکند. روزهای بعد قلی زاده پاشا شیوه سرکوب و اخراج منظم کارگران را پیش میبرد به اینصورت که اعلام میکنند یک گروه تحقیق تشکیل داده ام که روزهای شنبه هر هفته با ما می خرابکار های شناسایی شده را بخواباند و در همان هفته اول به مسدود اعتبارات و تحمّن کارگران اسم ۲۵ نفر را به عنوان اخراجی میخوانند و روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت هم ۲۱ نفر دیگر را اخراج میکند. و با حکم "هیئت نظارت در مورد اسرا ها و دادگاههای انقلاب اسلامی ایران" و اجرای بیام نوروزی امام از اخراجیها میخواند که ظرف ۲۴ ساعت خانه های سازمانی خود را تحویل دهند که این عمل با اعتراض اخراجیها و خانواده های کارمندان و کارگران مواجه شده و تخلیه صورت نگرفته است.

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

درکشت و صنعت

بدست گرفتن ۴ ساعت کار در هفته قلی زاده پانزده به طور منظم از روشهای زیر استفاده کرده است .

- ۱) آوردن پاسدار به کارخانه برای دستگیری اعضای شورا .
- ۲) رودر کردن کارگران ناآگاه
- ۳) کشتاوری با کارگران کارخانه .
- ۴) اخراج کارگران مبارزه به کمک رژیم جمهوری اسلامی و گرفتن محل زندگی آنها .
- ۵) و کارگران در مقابل با این کار دست به کارهای زیر زده اند .
- ۱) جلوگیری از دستگیری اعضای شورا با تحمیل و حمایت از نمایندگان شورا .
- ۲) دادن شعار اتحاد برای جلب کارگران کشاورزی وسیعی در توضیح

مسائل برای آنان .

۲) ندادن محل زندگی خود .
 نکته ای که در این مبارزات به چشم میخورد این است که کارگران مبارز مجتمع ، در عین حال که در مقابل هر کدام از حیلها و روشهای "قلی زاده" راه حلی ارائه میدادند ، اما از آنجا که اساسا حرکت های ایشان خود بخودی و بصورت عکس العمل بوده است نتوانستند در مقابل آخرین حیل "قلی زاده" در مورد وعده ۴ ساعت کار با نقشه عمل کنند و مبارزاتشان تا حدی متوقف شد و قلی زاده امکان یافت که ۴۶ کارمند و کارگر مبارز را از کارخانه اخراج کند . متوقف شدن مبارزه کارگران مجتمع یکبار دیگر به کارگران این شرکت و دیگر کارخانجات لزوم حرکت با برنامه و منظم حساب شده ریا داری میکند .

کمک های مالی و انتقادات خود را به هر طریق که می توانید بدست ما برسانید

هیئت نظارت بر اجرای

فرمان امام دام ظلله
 جامعه مدرسین قم
 تلفن : ۲۶۵۷

سرپرست
 مدیریت شرکت کشت و صنعت کارون

تاریخ - ۵۹/۲/۵

شماره - ۳۰۰

بیوست احمدی در کارون

لایحه است بر علیه سرپرست کارخانگان رزوم کارون در آن شرکت که این کارخانگان را در اختیار گرفته است و در آنجا با استفاده از روشهای غیرقانونی و غیر انسانی و غیر شرعی در اختیار این شرکت قرار گرفته در اطلاعیه های خود در آنجا در مورد این شرکت آنجا گفته دارد و در عرض ۴ ساعت خانه های کارگران را تخریب کرده

در صورتی که در این اطلاعیه در آنجا در مورد این شرکت گفته شده است که این شرکت در آنجا در اختیار گرفته شده است و در آنجا با استفاده از روشهای غیرقانونی و غیر انسانی و غیر شرعی در اختیار این شرکت قرار گرفته در اطلاعیه های خود در آنجا در مورد این شرکت آنجا گفته دارد و در عرض ۴ ساعت خانه های کارگران را تخریب کرده

و در صورتی که در این اطلاعیه در آنجا در مورد این شرکت گفته شده است که این شرکت در آنجا در اختیار گرفته شده است و در آنجا با استفاده از روشهای غیرقانونی و غیر انسانی و غیر شرعی در اختیار این شرکت قرار گرفته در اطلاعیه های خود در آنجا در مورد این شرکت آنجا گفته دارد و در عرض ۴ ساعت خانه های کارگران را تخریب کرده

کارگران هشیار باشید! هیولای خفقان به کارخانه ها باز می گردد .

مدتی است که اخراج کارگران مبارز در کارخانجات سراسر ایران آغاز شده است و سرما به داران که از همه حیلها برای خاموش کردن مبارزات کارگران استفاده کرده و سودی بردند ، به یکی از شکارترین شکل جلوگیری از مبارزات توده های یعنی اخراج کارگران پیشرو و مبارزان دست زده اند . عملیات این آقایان در صنایع فولاد مثنی نمونه خوار است ! بعد از اخراج های متعدد در صنایع فولاد ، بخصوص در قسمت قاسترویلترها جنوب (سابق) در حال حاضر ترس و وحشت بر کارخانسه مستولی شده و اعتراض کارگران را با شدت سرکوب میکنند "خاقانی" رئیس مجتمع که یک ضد کارگر معروف است ، اینک همچون ژنرالهای ارتش شاهنشاهی ، کارخانته را بصورت یک پادگان نظامی در آورده و با ایجاد ترس و وحشت بر کارگران حکومت میکند او تا کنون بیش از ۷۰ نفر از کارکنان مبارز و پیشرو کارخانته را از قسمت اخراج کرده که ۲۷ نفر از آنها اینک

در زندان اوین و ۱۰ نفر دیگر در زندان نهایی اهوایسر میبرند .
 روزیست و یک اردیبهشت تعداد ۳۵ نفر دیگر از کارکنان مبارز "مانا" را بعنوان "مجازا" در اخراج کردند و روز بعد ۲۷ نفر از کارگران مبارز و پیشرو قاسترویلتر اخراج شدند . "لاهو تسی" دزد خاکی که در زمان شاه خائن میلیونها تومان از شرکت مانا اختلاس کرده بود و بعد از قیام بوسیله کارگران از شرکت اخراج شده بود ، اینک به پشتیبانی هیات خاکمه و جمهوری اسلامی دوباره به "مانا" برگشته و همدمت با خارقانی به اخراج وار - عاب کارگران دست میزند . شایع است که اینک یک لیست ۴۰ نفری از کارکنان مبارز "مانا" ۳ ماهه شده تا آنها را نیز اخراج کنند . در حال حاضر "لاهو تسی" ضد کارگر ، از کارگران مبارز و انقلابی انتقام میکشد و تمام مقررات آریامهری دوباره در این

شرکت حاکم شده است کارگران که دوباره چهره اهریمنی نظام سرمایه داری را در مقابل خود میبینند در اعتراض به این خودکامگی های سر - مایه داران دست به راهپیمایی زدند که بلافاصله بوسیله عوام - دولتی به راهپیمایی اعتراض آمیز آنها حمله شد و آنها را با شدت سرکوب کردند . آنگاه فاحشین سرمایه ! شروع به دستگیری حدود ۴۹ نفر از کارگران مبارز و آگاه کردند . اینک لیست های جدیدی برای اخراج آماده میشود . کارخانته تحت کنترل پاسداران مسلح در آمده و در هر کار - گاهی به پرورش جاسوسان ریز و درشت پرداخته اند . سرمایه داران در این کار آنچنان وقاحت به خرج میدهند که اگر در هر کارگاهی نتوانستند جاسوس بسازند ، عده ای مزدور را از جای دیگر به آنجا منتقل میکنند اینک ژاندارم هایی که تا همیسن او اخراج داخل شدن بکارخانه را نداشتند و بیشتر مخفی بودند ، دوباره

مسلح و قلندریه داخل کارخانه آمدند و همه جا حضور دارند .
 اخراج کارگران مبارز از کارخانجات و سرکوب شکار مبارزات کارگران نشان میدهد که هیات حاکمه برای برقراری مجدد نظام سرمایه داری وابسته ، چاره ای جز سرکوب و وحشیگری ندارد و اگر تاکنون بدان دست نزده علتش نه از ناخواهی بلکه نداشتن قدرت سرکوب بوده است . آنها از اولین ماههای بعد از قیام کوشش خود را برای برقراری نظم و انضباط سرمایه دارانه آغاز کردند و امروز آریامهری را به آریامهری شکل بکار میبندند .
 آری ارتش سرمایه داران ، با یورش و وحشیانه خود ، خواب های خوش فتح و پیروزی میبیند ، در حالیکه ارتش فولادین کارگران ، با دریایی بی پایانی از کینه های پنهان ، در موجهای کوچک خشم فروخورده خود پیشرو برای خروش با شکوه جدیدی آماده میسازد .

چرا واقعه سینما رکس آبادان را ما مستمالی می‌کنند.

اینک حدود دو ماه است که باز - ما ندگان شهدای فاجعه ننگین سینما رکس در اداره دارایی شهر آبادان (مطلی ما بین شهر باقی وسینما رکس) تحنن کرده اند. این خانوادها های دلسوخته که بیش از پانزده ماه است در انتظار رگرمات حکومت باصطلاح انقلابی نشسته اند، اینک خسته و فرسوده از این انتظار در معلم های مختلف شهردست به افشاگری زده و اقدامات پشت پرده حکومت را برای ما مستالی کردن بین فاجعه جنايتکارانه به اطلاع مردم میرسانند. در بین مردم اینطور شایع است که مسبین این فاجعه، بیگ گروه افراطی مذهبی بوده اند که حکام جدید نمیخواهند دست آنها "رو" شود. باز ما ندگان شهدا، تا کنون چندین اطلاعیه منتشر کرده اند و از جمله در اطلاعیه شماره ۵ از افرادی که همه در فاجعه سینما رکس شرکت داشته و همگی بتوسط رژیم جمهوری اسلامی آزاد شده اند، نام میبرند. حتی یکی از متهمین بوسیله باز -

ما ندگان شهدا دستگیر شده و به مقامات تحویل میگردد و آنها نیز او را آزاد میکنند. در یک سخنرانی که بوسیله باز ما ندگان شهدا در مجلس اداره دارایی انجام شد، آنها افشا کردند که صباغیان - باز پرس پرونده عالم کرده است که از نظرمن پرونده سینما رکس بسته است! آنها همچنین میگویند زن آقای قربانی - رئیس آشنی نشانی وقت که مانع کمک رسانسی مردم به شهدای سینما شده است - به هزار تومان دادیم و شورهرم را آزاد کردیم. باز هم اگر زندان برود صد هزار تومان دیگر میدهم و آزادش میکنم. بنا بر این تحنن شما فایده ندارد!

آنها همچنین میگویند حاجی خرمی که سراسر هنگ آمینی - معاون رژیم رئیس شهر باقی - وقت - همدست بوده و در همه کارها دست داشته حالا آزاد است.

یکی از باز ما ندگان در جریان یکی از سخنرانی هایش در مقابل

مردم آبادان اعلام کرده که از وقتی پیش آنها رفته و گفته است که "تمام شما ندا انقلاب هستید!" او همچنین فاش کرده که "دو نفر از تهران بعنوان هیئت ویژه آمدند، ولی چرا پیش ما نیا مدند و میروند بدون حضور مسادر اطاق های در بسته پرونده را بررسی میکنند. مگر چه سری در این پرونده هست؟ آنها شبها را در منزل همان کسانی گذراندند که ما میگوئیم قاتل شهیدان ما هستند. و بعد رفتند تهران در این میان، کارگران، زحمتکشان و نیروهای مترقی آبادان با برگزاری راهپیمایی از باز ما ندگان شهدا حمایت کرده و توطئه های پشت پرده حکومت را افشا میکنند از جمله روز ۲۲ اردیبهشت جمعیت کثیری از مردم آبادان به حمایت از باز ما ندگان راه پیمایی پرشکو - هی ترتیب دادند و در حالیکه جمعیت شعار میداد "باز ما ندنه، باز ما ندنه، حمایت میکنیم"، "شورای انقلاب از افشای فاجعه سینما، چرا هراس دارد"، "تحنن، تحنن چاره باز ما ندگان" "خیابانهای آبادان را پشت سر گذاشتند. در پایان راه پیمایی

قطعا مه ای مادر شد که در آن سئوال شده بود که چرا حکومت پس از ۱۵ ماه هیچ کاری نکرده است؟ آنها خواستار اعزام باز پرس ویژه، دادگاه علنی و پخش آن از رادیو و تلویزیون شدند. مبارزات باز ما ندگان شهدای سینما رکس که خود در خدمت افشای هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی است از پشتیبانی مردم آبادان برخوردار است. این پشتیبانی نه بدان علت است که شهدای سینما رکس آبادان با دیگر شهدای سراسر ایران فرق دارند. چرا که میدانیم رژیم شاه بسیاری از مردم مبارز را زیر شکنجه و در فنجین ترین وضع کشته است پیگیری مبارزات باز ما ندگان از آنجا که چون مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلق کرد و ترکنم و عرب در خدمت افشای هر چه بیشتر ما هیئت هیات حاکمه رژیم جمهوری اسلامی بوده و در ادامه مبارزات مردم آبادان میباید از پشتیبانی تمامی کارگران و زحمتکشان آبادان و سراسر ایران برخوردار است.



دادگستری مسجد سلیمان بر ترور رفیق حمید سلحشور توسط عوامل پاسداران سرپوش می‌گذارد!

رفیق حمید سلحشور در مسجد سلیمان و در طی یک توطئه جنايتکارانه عوام مل کمیته سابق مسجد سلیمان، به شهادت رسید. پس از این ترور جنايتکارانه، دادگستری مسجد سلیمان علی رغم وجود همه شواهد و مدارک مبنی بر ترور رفیق حمید در همان ساعت اول، اعلام نمود که رفیق بر اثر اتفاق شهید شده و پرونده مختوم اعلام گردید.

اما وقایع بعدی و مدارک نشان داد که رفیق حمید و یک رفیق دیگر وی هنگامی که در شهر با موتور مشغول پخش اعلامیه بوده اند مورد تعقیب بیگانی با چاهار سر نشین قرار گرفته و هنگام بازگشت از بی بیان توسط بیگان به آنها حمله شد. بیگان از ناحیه راست به موتور ضربه میزدند که در نتیجه آن دور رفیق به کنار چاه پرتاب میشوند. و رفیق حمید به شهادت میرسد. (این مطلب را رفیق همراه حمید، بعد از بهوش آمدن توضیح داده است) اما با این وجود دادستان شهرستان مسجد سلیمان، که بجای داستانی، در حقیقت

نقش همدست جنايتکاران را در سرپوش گذاشتن به آنچه واقعاً اتفاق افتاده بازی میکند، کسیکه عدالت "برایش همان حرف زور مند است، در نامه مورخه ۵۹/۲۱/۵۹ (به شماره ۵۹/۳۲۸) به پاسداران مینویسد، که این جریان یک حادثه رانندگی بوده و سپاه پاسداران که هیچ خود را ننشده، جنايتکار هم بیگنا بوده و برایش "قرار منع پیگرد" صادر میشود در عوض رفیق همراه رفیق شهید حمید سلحشور را که خود زخمی و بییهوش بود، به علیت بی احتیاطی در رانندگی به دادگاه میفرستند!

اما این بار دروغ و فریب کاری داستانی انقلاب شهرستان مسجد سلیمان را در نجات پاسداران از جنایتان خودپاسداران "بنا فراموشکاری" خود بر ملا میکنند.

روایت عمومی سپاه پاسداران در اعلامیه ای که به تاریخ ۸ اردیبهشت چاپ کرده است صراحتاً مینویسد که "حمید سلحشور پس از سرعت یک موتور سیکلت در دوراهی

بی بیان با ماشین تما ف کرده که سپاه پاسداران اطلاعیه ای که در حدود ۱۹ اردیبهشت صادر میکنند نوشته اند "ملا هیچگونه مثنینی به این موتور بر خورده نشده است" و از حد اذ کنترل خارج میشود. و بقیه دروغها و داستانها.

ای دروغگویان که حافظه او ای جنايتکاران ترسو الا قتل به اعلامیه های قبلی خودتان نگاه میکردید بر راستی که دشمنان کارگران و زحمتکشان جز دروغ چیزی نمیتوانند بگویند.

آنها که هنوز ننگ به شهادت رساندن رفیق عزیز محمدی را با خود دارند، خودشان را اعتراف کرده اند که پاسداران داسراوی را به شهادت رسانده اند (در همان اعلامیه ۸ اردیبهشت) حالا دچار ننگ دیگری، ننگی سیاه بر چهره خود گردیده اند، این جانین مزدور در حالیکه هنوز کسی رسماً اعلام نکرده بود که سپاه پاسداران همدست ترور

رفیق حمید بوده، از ترس، قبلاً از خودشان دفاع میکنند و "عیب و هنر" خودشان را "با سخن گفتن" - سرور میدهند. همکارای دادگستری و سپاه پاسداران در ترور و جنايت کمونیست ها و نیروهای انقلابی روزیروز و زوا احترام میشود، و آنها روزیروز بیشتر سعی میکنند که با عوام مغربیی و دروغ خود را از آنها مبراک کنند. اما مگر امثال این داستانیها در زمان شاه خاشن، انواع جنایات ساواک - و پلیس را برده پوشی نکردند و مگر ما امروز شاهد بر ملا شدن آنها نیستیم؟ دیر نیست آنروز که خون سرخ رفیق حمید سلحشور و هزاران شهید دیگر گریبان این دادگستریها، پاسداران و ایسب جانین را هم بگیرد.

جاوادن با د خاطره، راه و آرمات رفیق شهید حمید سلحشور که با شیوه جنايتکارانه بدست عوام مل پاسداران و کمیته های سابق به شهادت رسید. هر چه رسوا تر باد، فریبکاری که احقاق آن کوش میکنند جنايت خود را برده پوشی کنند!



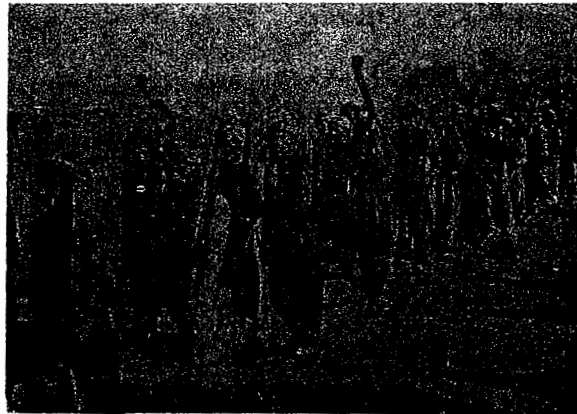
آیا ارتش در کردستان پیروز شده است؟

از روز پنج شنبه ۵۹/۲/۲۴ رادیو تلویزیون رژیم جمهوری اسلامی داستان جدیدی در مورد کردستان آغاز کرد؛ ارتش و پاسداران ضد انقلاب را شکست داده اند و سنجیدگی از آذوقه و جبهه ۵۹/۲/۲۶ نماز جمعه از آذوقه در شهر بزرگوارخواستند همه اخبار رسمی خیر از شکست نیروهای انقلابی و کمونیست و مبارزات خلسه کرد میدادند هر چند که از لابی خبرهای روزنامه ها گاهی وقتها مطلبی به چشم می خورد که نشان میداد مساله به این سادگی ها هم نیست. رژیم خود را پیروز شده خواند و روز جمعه راه پهنی صدر روزشده ای کردستان اعلام کرد. اما آیا برستی دولت در کردستان پیروز شده است؟ ما میگوئیم نه، مبارزه در کردستان ادامه دارد و دولت حتی جا هایی را که بعقل عقب نشینی کتا ها نه نیروهای مسلح تصرف کرده است، را نمیتواند حفظ کند!

جریان از این قرار است که بعد از ۲۶ روز مقاومت قهرمانانه مردم سنندج از شهر و حفاظت از پیشمرگان قهرمان و فرزندان جان بازان، خود مردم و با همکاری پیشمرگها تصمیم گرفتند که برای جلوگیری از کشتار بیشتر و اعدای دسته جمعی مردم بیگناه از شهر خارج شده و از بیرون شهر ارتش و پاسداران را مورد حمله قرار دهند. خلق قهرمان سنندج در کتار همه خلق کرد ۲۶ روز در مقابل ورود ارتش و سپاه پاسداران به شهر مقاومت کردند و ۲۶ روز خمپاره و توپ و بمباران را تحمل کردند، فرزندان خود را در حیاط خانه شان به خاک شهیدند، با کمی مواد غذایی، و جیره نهدی ساختند، و کشتارهای دسته جمعی فرزندان و ویران و خواهران هفت شهری خود را تحمل کردند، ولی شهر را به ارتش و پاسداران تحویل ندادند و مانع ورود آنها به شهر شدند. آنها هر چند شب یکبار در مساجد شهر سنندج در مورد اینکه آیا در شهرمان نند و مقاومت کنند یا جنگ را در بیرون از شهر ادامه دهند بحث و مذاکره میکردند آری مردم یک شهر، کارگران زحمتکشان، کارمندان اداره، کاسکباران، زنان، دانش آموزان و یک تک افراد شهردور هم جمع میشدند و در مورد زندگی و مرگ شان، در مورد شهرشان، در مورد مشکل مبارزه شان

و در کنار پیشمرگان قهرمانانشان بحث و گفتگو میکردند و تصمیم میگرفتند. آنها ۲۶ روز مقاومت کردند و وقتی ارتش بر شیوه های فاشیستی خود افزود و از سلاح های مرکب ارتزی استفاده کرد، وقتی ارتش به جلی خنپاره که دیگر مردم راه مقابله با آن را یاد گرفته بودند از بیم آتش زار استفاده کرد، و وقتی گروگانها را دسته جمعی اعدام کرد، خلق قهرمان سنندج همراه با پیشمرگهای قهرمان کمونیست و انقلابی شان تصمیم گرفتند که شهر را از نیروهای نظامی و افراد انقلابی شناخته شده خالصی کنند و پیشمرگها در بیرون از شهر مستقر شوند، پیشمرگها از شهر خارج

ستاد رجا ده ها و در هر سنگری و خانه ای ادامه دارد. در شهرهای بانه، میوان سردشت، پیشمرگهای قهرمان کمونیست و انقلابی هنوز در خود شهرها ارتش و پاسداران می جنگند با دگانها و پاسکاهای ارتش یکی پس از دیگری سقوط میکنند، شهر سنج از طرف در معرض حملات پیشمرگهای قهرمان است و آنها هر شب بر نیروهای ارتش و پاسداران ضربه میزنند. اما مبارزه توده های تنها شکل نظامی ندارد. مبارزه ای که مردم در آن شرکت دارند. نه زار شکل پیدا میکند اگر نیروهای نظامی پیشمرگ در جبهه جنگ، می جنگند مردم با هر وسیله ای و در هر جبهه ای که هستند می جنگند، وقتی ارتش و پاسداران به شهر سنج هجوم آوردند و حکومت نظامی برقرار شد مردم از همه مبارزه شان ادامه دادند و در مقابل نیروهای جنایتکار



ارتش مقاومت کردند. آنها غدا و داروهای پاسداران را به صورتشان برتاب میکردند. آنها از قاتلیسن فرزندان شان صدقه قبول نمی کردند. مردم قهرمان سنندج از دولت جمهور ری اسلامی کمک غذایی و دارویی و صدقه نمیخواهند. اسکناس های رژیم جمهوری اسلامی به خون فرزندان خلق کرد و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران آغشته است. زنان با بییل و کلنگ به پاسدارانی که نمی گذارند آنها شهیدانشان را از حیاط خانه شان به قبرستان ببرند حمله میکردند و جاش ها در شهر برانگنده شدند تا مبارزین و کمونیستها را شنا سایی کرده و برای اعدام به پاسداران بپوشد. اما مردم به هر وسیله ای آنها را بپنهان میکردند در کردستان کمونیست ها و انقلابیون چون ماهی در دریای توده ها دست نیافتنی و پیدا نکردنی هستند. در گیری های خیابانی در شهر ادامه دارد مردم قهرمان شهر سنندج

دندان بیرون از شهر نیروهای ارتش را مورد تهاجم قرار دهند. داستان پایان درگیری پیشمرگها و ارتش در داخل شهر سنندج از این قرار است: ولی رژیم ۲۶ روز تمام با آنها همه توپ و تانک و هلیکوپترش، با انهمه نیروهای ارتش و پاسداران ترسو و زیونش نتوانسته بود حتی بکند پیشروی کند و چیزی نداشته بود که ضعف و زبونی نیروهای سرکوب رژیم در مقابل اراده توده ها با ردیگریه آشکارترین صورت خود را نشان دهد، از این فرصت استفاده کرد و سنگری را که از نیروهای نظامی پیشمرگ خالی شده بود، در تمام جبهه خود معرفی کرد آری بنی صدر از ارتش و پاسداران بخاطر شجاعتش تشکر کرد. تشکر کرد که سنگر خالی شده از نیروهای نظامی را تصاحب کردند و اتفاقاً چهره شدنی است شهر غیر مسلح را با یک ارتش سرا با مسلح تصاحب کردن!! اما مبارزه در کردستان ادامه دارد مبارزه در کردستان در شهر و

بدون حضور نیروهای مسلح شان با جنگ و دندان از شهرشان و از زندگی و آبروی شان حفاظت میکنند. ارتش و پاسداران در کردستان پیروز نشده اند و پیروز نخواهند شد زیرا مبارزه در کردستان ادامه دارد و ادامه خواهد داشت زیرا اراده تمامی یک خلق را، به شهادت تاریخ نمیتوان نه با اسلحه و نه با هیچ چیز دیگر درهم شکست.

اما بنی صدر و دولت جمهوری اسلامی تصاحب سنگر خالی شده از نیروهای نظامی پیشمرگ را پیروزی میدانند، شهر سنج را آزاد شده میخوانند و روز جمعه را به مناسبت فتوحاتشان روزشده ای کردستان نامگذاری میکنند. بر راستی کسه رژیم های حامی سرمایه داران و کارگران و زحمتکشان دوزبان دارند. و برای فهم جریان دوا قعیست قضایا با بد حرفهای آنها را با وارونه و با به زبان مردم معنی کرد. اگر دولت میگوید پیروز شدیم یعنی کارگران و زحمتکشان و مردم شهر شکست خورده و با موقتا عقب نشینی کرده اند اگر دولت میگوید شهر را آزاد کردیم معنی اش آنست که دوران خفقان و سرکوب و حکومت نظامی شهر آغاز شده. اگر دولت بگوید مردم در سنندج از ما استقبال کرده اند یعنی آنکه جاها و جاسونان و نوکران دولت مقدم آنها را گرامی داشته اند. خلاصه روز عزای سرمایه داران روز جشن کارگران و زحمتکشان و روز پیروزی دغلکاران سرمایه داران هر روز عقب نشینی مبارزات کارگران و زحمتکشان است.

جنتش خلق کرده کجا میروند؟ کمونیست ها! زهان ابتدای مبارزات کردستان در بغداد زقیام اعلام کرده اند که مبارزه خلق کرد ادامه انقلاب ایران است و پیروزی آن در گرواوج گیری و پیروزی مبارزات سراسر ایران به رهبری طبقه کارگراست. کمونیست های کردستان و نماینده سیاسی آن سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و کمونیست های سراسر ایران همواره اعلام کرده اند که مبارزات خلق کرد و مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران دو جز از یک مبارزه هستند که پیشتیانی و حمایت یکی از دیگری هیچیک به پیروزی نخواهند رسید و حتی پیروزی موقتی یکی در خدمت رشد و اعتلا و کمک به آن دیگری است. زیرا که خلق کرد و کارگران و زحمتکشان هر

چند خبر از کردستان

✱ - روز پنجشنبه، نیروهای انقلابی منطقه کردستان، اطلاعیه‌ای بمنظور ترک شهر سنج صادر کرده و متعاقب آن از شهر عقب نشستند، در نتیجه شهر بدست نیروهای دولتی افتاده است.

✱ - دریا ته و سقز جنگ ادامه

دارد و در مرز میان و سردشت جنگ اوج یافته است. بخشی از پیشمرگان سنج به کمک دیگر شهرهای کردستان رفته اند و بقیه بشیوه جنگهای پارتیزانی به پا دگان و فرودگاه حمله میکنند.

✱ - ۷ نفر از امدادگران شیرو خورشید در بحبوحه جنگ به سنج

رفته و در فاصله شش ساعت آتش بس توانستند و رنجیده شوند. با فشار پاسداران مجبور به مداوای نیروهای دولتی بودند لیکن بعد از کشمکش توانستند به شهر رفته و به مسداوای زخمی های هر دو طرف بخصوص خلق کرد بپردازند. (الزام به تدویر که اغلب امدادگران یا سدا رو کمیته ای بودند) برخوردار کومله در بیمارستان با امدادگران فوق العاده خوب و اثر نیکویی گذاشته اند. نیمی از امدادگران

با مراجعه به منطقه پاسداران برای دریافت دارو دستگیر میشوند. چشمهای بسته مورد شکنجه و هرقت نفر (بقیه شان غیبا) محکوم به اعدام میشوند! در شهری یکی از امدادگران با خمپاره زخمی شده و به پا دگان منتقل و بقیه نیز به پا دگان منتقل میشوند با پایان جنگ و عوامل دیگر وجود جدید شهر ۱۷ مددگرموفق به فرار به تهران میشوند. البته در مرکز مورد حمایت قرار میگیرند.

از ورود نماینده مردم مسجد سلیمان به مجلس جلوگیری می شود!

جریان انتخابات در مسجد سلیمان بخوبی پرده آزوری انواع تقلبات و حقه بازیهای حکومت، در انتخابات به اصطلاح آزاد برداشته است. حکومت که در دور اول نتوانست نماینده مرتجع خود را، بیزورویا تزویر به مردم مسجد سلیمان تحمیل کند، در دور دوم با حقه بازی و بسا کوشش در مخدوش کردن انتخابات و به تعویق انداختن اعلام نتیجه سعی میکند، انتخابات را به نحوی باطل اعلام کند. جریان از این- جریان از این قرار است که در دور اول ناگهان در میان کاندیدها شخصی بنام حجت الاسلام موسوی ظاهر میشود که به حزب جمهوری اسلامی و موافقین آن تعلق دارد. این شخص را مردم مسجد سلیمان ندیده اند و او از قلمبه مسجد سلیمان آمده بود، تا نماینده مردم شود. در مقابل مردم و نیروهای انقلابی به تقوی محمد و زوربان کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران برداختند. زیرا هم او را میشناختند و هم اینکه زحمتکش بود که در میان مردم بسر میرود و بدبختی آنها را حس میکرد. پس از طی دو مرحله انتخابات

همه نیروهای انقلابی و مردم زحمتکش وی را با اکثریت آراء انتخاب نمودند. بلافاصله حجت الاسلام موسوی و سایر روحانیون و شروتمندان شهر به دست و پا افتادند و اعلام کردند با ید به شکایات رسیدگی کرد. آنها که میدیدند روزی نماینده دمکرات اکثریت آورده، حتی تحمل یک نماینده دمکرات را در مجلس ننموده قصد دارند با ایجاد تشنج، سروصدا و ناامنی، با اعتراض های دروغین و شکایت، انتخابات را منحل کنند تا به هر وسیله شده حجت الاسلام موسوی را به زور به نماینده مردم مسجد سلیمان تبدیل کنند. علی رغم حتی "قانون اساسی" دست پخت خبرگان، که با ید نتایج اعلام گردد و بعد به شکایات رسیدگی شود، آنها که هر جا اکثریت آوردند، اطلاق توجهی هم به شکایات نکردند، اعلام نتیجه انتخابات را تا کنون به تعویق انداخته اند. اما جمعه شهر هر روز عمر شماز وحدت برگزار میکند، نیروهای مرتجع را بدور خود جمع میکنند تا بدینوسیله شهر را به اغتشاش بکشاند تا به بها نه امنی رای

مردم را باطل کند! آنها که با وجود تبلیغات زهر آگین خود نتوانسته اند مردم را فریب دهند و رای برای موسوی جمع کنند، علیه زوربان اعلامیه صادر میکنند. و با وجود آنکه مردم اعتنایی به این دسیسه ها نکرده اند، باز هم کار خود ادامه میدهند!

این جریان نشان میدهد چگونه مرتجعین تحمل یک نماینده مردم را نمیکنند. چگونه وقتی تقلبشان اثر نمیکنند به دروغ، حقه بسازی و کلک های دیگر متوسل میشوند و از موقعیت خود در مساجد، ادارات و قرب مانداری شهر و غیره استفاده میکنند بخاطر منافعشان یک شهرو را در آستانه درگیری و خونریزی قرار میدهند. اما این کوشش های ارتجاعی از ناحیه حجت الاسلام موسوی و متحدین او در مساجد و مراکز شهر، در میان پاسداران و دیگران، هرگز نمیتواند مردم زحمتکش مسجد سلیمان را فریب دهد. مرتجعین محکوم به شکست و نابودی هستند چه بخواهند چه نخواهند! هیچ حکومتی نمیتواند تا مدت زیادی با این حقه بازیها و دروغ پیروان آنها و با حتی زیر پا گذاشتن "قانون اساسی" خودش، عمر کند.

ای کردستان

کردستان ای ادا مه دهنده انقلاب اگر یک روز تو را به رگبار میبندند روزی دیگر به تو پهای خمپاره و روزهای دیگر تو را به راکت میبندند و ... هر چند که شهدایت را تقدیم انقلاب میکنی هر چند که زنجیرهایت را از دست میدهی اما تو ای کردستان به همراه دیگر خلقها و طبقه کشوری را آزاد خواهی کرد کشوری را آزاد خواهی کرد که بر روی آن پرچم سرخ ظفر نمون کارگزاران و زحمتکشان به اهتزاز در میآید.

"شمر کارگر یکی از کارخانجات تهران بمناسبت حمله ارتجاع به کردستان و دفاع قهرمانانه اش"



سراسر ایران نابودی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را جشن خواهند گرفت و به امید آرزو! سراسر ایران در آینه ای تزدیک یاران و همراهان واقعی عبود را پیش از پیش خواهد یافت و خلق کرد



جنبش مقاومت خلق کرد ادامه دارد و مبارزه خلق کرد وسعت گرفته و تک تک مردم کردستان را در کنار سازمانهای سیاسی شان قرار داده است. به شکل های مختلف در شهر و روستا، مخفی و علنی، مسلحانه و غیر مسلحانه ادامه خواهد یافت و جنبش مقاومت خلق کرد با اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان دست در دست کارگران و زحمتکشان

عمیق شدن هر چه بیشتر آگاهی خلق کرد میکوشند. آنها خوب میدانند که آگاهی خلق کرد با بهره بیشتر با اهداف کارگران و زحمتکشان همسو شده و خلق کرد هر چه بیشتر یکسان بودن منافع خود کارگران و زحمتکش سراسر ایران را در یاد راه پیروزی خلق کرد آگاهی هر چه عمیق تر و متشکل شدن کارگران و دهقانان کردستان میگردد.

در ارتش . . .

بخاطر داشتن تخصص محروم کرد. بر این مبنا، چگونه میتوان ارتشیان را بخاطر داشتن تخصص نظامی از خدمت در امور سیاسی که حق هر بشر آزاد است محروم کرد. اگر ارتشیان به امر سیاست نمیبرداختند آیا میتوانستند صاحب بصیرت شوند و از اطاعت طاغوت سرباز زنند و عجب آنکه هر بار زدن توجیه لزوم دور ماندن ارتشیان از امور سیاسی، اوضاع ارتشهای جهان را مثال میآورند. مگر ارتشها اسلامی هستند؟ (آیندگان ۵۸/۴/۳)

در این رابطه بود که پرسنل انقلابی ارتش، (هوایی، دریایی و زمینی) دهها تخمین و اعتصاب و راهپیمایی راه انداخته و دهها بار از جانب حکومت به ضد انقلاب متهم شدند.

بررسی تمام مبارزاتی که در دوران پس از قیام در درون ارتش و بین نیروهای انقلابی و ضد انقلابی جریان داشت هر چه بیشتر تراوم مبارزات انقلابی را در درون ارتش این ارگان سرکوب دولتها ضد انقلابی نشان میدهد که دولت جمهوری اسلامی به هیچ وجه نتوانسته این مبارزات را خاموش کند.

اما اعدام شهید "ستوانیار حاج قاسمی" خلبان نیروی هوایی نقطه عطفی در مبارزات درون ارتش

میشود. اعدام شهید ستوانیار حاج قاسمی نشان میدهد که پشتوانه مبارزات ارتشیان انقلابی و قطع نامه ها و راهپیمایی های قهرمانانه آنها در تمام دوران اوج گیری مبارزات خلق ما در مقابل بله با فرمانهای ضد انقلابی فرماندهان جلاد ارتش و دولت جمهوری اسلامی چگونه عملی میشود و رژیم با آنها چگونه روبرو میشود. پرسنل انقلابی ارتش قطع نامه ما در می کنند "که حاضر نیستیم به جنگ با مردم خودمان در داخل کشور دست بزنیم" و آنگاه که دولت جمهوری اسلامی نیروی هوایی را برای سرکوب خلق قهرمان کرد به کردستان میفرستد، پرسنل انقلابی عملاً مقاومت میکنند و مقاومت را تا درجه شهادت ادامه میدهد و رژیم ضد انقلابی و بیاران و همسایگان را مجبور به اعتراف میکند تا بید صریح بنی صدر در مورد سرکوب نیروهای انقلابی درون ارتش و اعتراف "فخرالدین حجازی" به وخامتش در این امر دلیل برای مدعاست. فخرالدین حجازی، این یار حزب جمهوری اسلامی، کسی که نامه اش به "فرح" توسط نیروهای انقلابی افشا شد، اما صلاحیت برای نمایندگی مردم از طرف حکومت تأیید گشت، در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که "انگیزه سفر محرمانه خود را به اصفهان بفرمائید" میگوید: "معاشرت من محرمانه نبود بلکه غیر

مترقبه بود در شمال که بودم به من مراجعه شد که نا راحتیهای در هوانیبر و زرافهان پدیده آمده و ضرورت مسافرت من به اصفهان احساس میشود من هم با هواپیما خود را به اصفهان رساندم و بلافاصله عده ای از عناصر مرتهم هوانیبر و زدستگیر شدند و من میخوابتم از نزدیک محاکمات آنها را ببینتم و این بود که چند روزی مسافرت خود را بنهان داشتم تا مسائل را از نزدیک مورد بررسی قرار دهم متأسفانه معلوم شد که برخی عناصر چرچ توسط بعضی از پرسنل در داخل پایگاه نفوذ کرده و نا راحتیها و تشنجایی بوجود آورده اند. "عده ای روی صندل ها ایستاده و میگفتند ما بیه کردستان نمیرویم و حاضریم برادر کشتی نیستیم و اطاعت کورگورانه را نمیبپذیریم. و موجب شد که بعضی از خلبانها از دستور فرماندهان تمرد کردند"

آری حکومت و بیاران حکومت اعتراف میکنند پرسنل انقلابی ضد انقلابی اند زیرا "حاضریم برادر کشتی نیستند" زیرا "دیگر زیر بار اطاعت کورگورانه نمیروند". آنها باید اعدام شوند زیرا اگر "ارتش نظم نگیرد" چگونه میتوان خلق کرد و کارگران و زحمتکشان سرا بران را سرکوب کرد؟ اگر هر سر پرسنل ارتش در کار ما فوق خویش "فضولی" کند چگونه میتوان کردستان را با بمب به ویرانه تبدیل کرد؟ اگر پرسنل انقلابی نثریات گروهها را

بخوانند، اعلامیه بخش کندی و روزنامه بخوانند چگونه میتوان او را به سرکوب خلق کرد و بلوچ و عرب و دیگر کارگران و زحمتکشان و ادارا کرد؟ چگونه میتوان ژنرالهای ارتش شاهنشاهی مانند تیسما رباقری را به فرماندهی آنان نشانند؟ چگونه میتوان دخالت و همکاری آشکار ارتش را در تجا و ز آمریکا به ایران و مبارزان هلسنی کویپر را مل اسناد را بنهان کرد ولی پرسنل انقلابی ارتش را سرکوب نمود؟

اعدام، انقلابی شهید ستوانیار حاج قاسمی و محکومیت دیگر رفقایش به حبس های طویل المدت از سوی سفاکی و جنایتکاری رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش آشکار می سازد و در کنار دیگر جنایتها رژیم در کردستان، در دانشگاه و در کارخانه و مدارس قرار میگیرد و از سوی دیگر رشد مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ما را در سرا بران و نتوانایی و عجز رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل بله با آن نشان میدهد. آن زمان که مبارزه تا درون صفوف ارتش گسترش یابد آن زمان که پرسنل انقلابی ارتش نیز در کنار دانشجویان، کمونیست ها، خلق کرد و کارگران بیکار، به اعدام محکوم شود، نه جای تأسف، که حکایت از گسترش مبارزات خلق های ایران دارد. ■

در قاف هایم چه می گذرد؟

شرکت "قاف هایم" واقع در شمیران نو، ۴۵ متری اوقاف که حدود ۵۰ نفر کارگر دارد و لباسهای ارتشی تولید میکند روز ۵۹/۲/۲۰ تعطیل شده است. ۵۰ نفر کارگر دیگر به چند میلیون کلر و دیپلمه بیکار افاضه شد. کارگران کارگاه قاف هایم از ابتدایی ترین حقوق و مزایای یک کارگر ساده محروم هستند و روزانه ۱۲ الی ۱۶ ساعت کار میکنند.

این کارگران برای بدست آوردن ساده ترین حقوق خود چون غذا و سرویس و مسکن بنیمه درمانی و سود ویژه از چهار ماهه نیم پیش، با انتخاب نماینده ای، مبارزات خود را آغاز کرده و خواهشهای خود را با کارفرما مطرح کردند ولی این عمل آنها جز دستگیری و اخراج نماینده شان هیچ نتیجه ای نداشت

ادامه مبارزات کارگران و احضار کارفرما از سوی وزارت کار موجب شد که کارفرما برای تفرقه اندازی بین کارگران و دلسر کردن آنان در کارگاه را ببندد و کارگران را در پشت در کارگاه نگاهدارد.

مسئله بیکاری یکی از مشکلات اساسی جامعه ما و همواره یکی از مسائل مهم در جوامع سرمایه داری بوده است سرمایه داران همواره طوری وانمود میکنند که علت بیکاری تنبلی خود کارگران است و کارگر بیکار را بیکاری است که نمیخواهد کار کند آنها تنها در زمان کم شدن سود خود کارخانجات را تعطیل کرده و دسته دسته کارگران را اخراج میکنند بلکه بسیاری مواقع برای سرکوب مبارزات کارگران نیز دست به تعطیل کارگاهها و کارخانجات

میزنند بسته شدن کارگاه شرکت قاف هایم یکی از همین موارد است که کارفرما برای سرکوب و جلوگیری از رشد مبارزات کارگران بدان دست میزند. اما کارگران شرکت قاف هایم هم بیکار نشسته اند آنها در تاریخ ۲۸ دی بهشت ۵۹، یک هفته بعد از تعطیل شدن کارگاهشان اعلامیه ای نوشتند و برای بنی صدر، شور ای انقلاب، وزارت کار، و وزارت صنایع و معادن و مطبوعات ارسال داشته اند و در آن وضع کار خود را بطور کامل توضیح دادند. بعد از پخش اعلامیه سندیکای کارگران خیاط نیز با صدور اعلامیه ای از دیگر کارگران خواسته است که از مبارزه کارگران شرکت قاف هایم فعالانه حمایت کنند. سندیکای کارگران خیاط در اعلامیه خود نوشته است: "وضعیت کارخانه

قاف هایم نمونه زنده ای است که نشان میدهد که این کارگران نیستند که کم کاری میکنند، این کارگران نیستند که کارخانه را تعطیل میکنند، بلکه این کارفرمایان ز الوصفیت و خوانخواه هستند که در مقابل خواسته های برحق کارگران در برابر کارگاهها را بسته و کارگران را بیکار میکنند. سندیکای کارگران خیاط در آخر اعلامیه خود نوشته است "برای تقویت روحیه کارگران مبارز شرکت قاف هایم و برای کمک به پیوند آنان در مبارزه برحقشان با تمام قوا از کارگران شرکت قاف هایم پشتیبانی کنیم" ■

جنبش مصادره آپارتمان های خالی ادامه دارد

ساعت ۴ روز پنج شنبه ۵۸/۲/۱۸ عده ای از زحمتکشان شهری که اکثری کارگر هستند در آلونکهای ابتدای خیابان جیحون و بین جیحون و زنجان جنوبی زندگی میکنند، ساختمان سیرا با حدود ۲۴ آپارتمان که یکسال است خالی مانده و در همان حوالی است، بی سروصدا مصادره میکنند، در موقع مصادره ساختمان چون این کار خیلی بی ثروصدا صورت گرفت، جمعیت زیادی جلوی ساختمان جمع نشده بود و زنی از داخل پنجره که شیشه هم نداشت (تمام پنجره های ساختمان بدون شیشه است) با فریادهای حق طلبانه از مردم میخواست که شیشه از آنها پشتیبانی کنند، طولی نکشید که پاسداران "سر رسیدن ولی" با مقاومت زحمتکشان روبرو شدند. بالاخره با درخواست کمیته ای ها که میگفتند فردا انتخابات است و

نگذارید خدای نکرده مردم برداشت بدی بکنند و ساختمان را خالی کنید زحمتکشان ساختمان را در اوائل شب تخلیه کردند. روز جمعه بلافاصله بعد از انتخابات ساعت ۶ زحمتکشان مبارزو انقلابی آلونک نشین ساختمان را مصادره کردند. این بار جمعیت بیشتر جلوی ساختمان جمع شده بودند و با بحث و تبادل نظر حمله های کمیته چی ها را خنثی میکردند. تا ساعت ۱۰/۵ صبح خانه در دست زحمتکشان بود و مردم در جلوی آن با هم صحبت میکردند. در این ساعت پاسداران و کمیته چی ها به حمله جدیدی دست زدند آنها گفتند این خانه حق ثامت در آن باد. شیدا میرویم تا فردا برای این سند درست کنیم و با این حرف آنجا را ترک میکنند. بعد از رفتن پاسداران

سرمایه داران نه گرفته و نظم مطلوب خویش را برقرار خواهند کرد. زحمتکشان در میابندکسها آن نظم و امنیتی را که کمونیستها و نیروهای انقلابی نیز با آن مخالفتند در واقع نظم سرمایه داران است که در آن سرمایه داری در کمال امنیت، حق داشته باشد، دهها و دهها آپارتمان را مصادره کرده و حتی ماهها خالی نگه دارد در حالی که زحمتکشان میهن ما، از یک چهار دیواری کوچک و سرپناه حقیری نیز برای زندگی خود و فرزندانشان محرومند. آری، آن امنیتی که دادستان انقلاب از آن صحبت میکند و کمونیستها و نیروهای انقلابی را در آن کار آن به سفره میگیرند، امنیت سرمایه داران است و ائلی، این واقعه و دیگر وقایع نظیر آن، بخوبی نشان میدهد که "پاسداران" در واقع از امنیتیست سرمایه داران دفاع میکنند و امنیت زحمتکشان را با هجوم و حمله و گساز اشک آور و دستور شکنیک! بخطر می اندازند. *

بهمین مناسبت، روز چهارشنبه ۱۲۴ رده بیست، دانشجویان مبارز و انقلابی دانشگاه تبریز، نظاهرات وسیعی راه انداخته و شعارهای خویش میگفتند: "پاسدارها جسم، در پیشگاه ملت، اعدام باید گردد" "ما قلمبان خونین است، سینه مان پر کین است، ای جلاد سنگت باد، آرم یکا مرگت باد." "کردستان خونین شد، دانشگاه گلگون شد، ای جلاد سنگت باد، آمریکا مرگت باد" "کشتار دانشجویان، سرکوب در کردستان، توطئه آمریکا، علیه خلق ما" دانشجویان مبارز و انقلابی دانشگاه تبریز، به همین مناسبت کلاسهای دانشگاه را ۳ روز تحریم کردند. *

جمعیتی که جلوی ساختمان برای پشتیبانی تجمع کرده بودند بمرو پر اکنده میشوند و پاسداران که در مقابل مردم نمیتوانستند دست به تهاجم بزنند و اصولا وعده وعید و حمایت از مصادره کنندگان ساختمان هم برای همین بود، نیمه شب با کمک پاسبانهای کلانتری ۸ ساختمان را مصادره کرده و بعد از اخطار با بلند گو به داخل ساختمان گاز اشک آور پرتاب میکنند، زحمتکشان و کارگران سرمایه و وحشت زده در اتاقهایشان با درست کردن آتش مقاومت میکنند. اما پاسداران اعلام میکنند که ما دستور شکنیک داریم! و کارگسبران و زحمتکشان برای جلوگیری از کشتار زن و بچه هایشان ساختمان را تخلیه میکنند. زحمتکشان میهن ما نشان داده اند که علیرغم دهها فتوا در مورد حفظ مالکیت سرمایه داران، وعدم تصرف ساختمانهایی که مال هاست خالی مانده است، منافع خویش را بخوبی تشخیص داده و هرگز زیر بار نظر

کردند که به او کمک کنند، سپس از مدتی تلاش، بالاخره موفق شدند کمال را برداشته و بردوش خود بیهیمارستان برسانند، اما دیگر خیلی دیر شده بود و رفیق کمال نیز، تقدیمی دیگری از خلق قهرمان ایران، برای رهایی از استعمار نظام سرمایه داری وابسته بود. پاسداران پس از بردن رفیق، سعی در پاک کردن خون شهید کمال کردند و فلان از اینکه نه افتخار شهادت رفیق و نه تنگ جنا بیست پاسداران، هیچکدام با آپساک نمیشود. همچنان که دستان آلوده به خون پاسداران و نظامیان در کردستان، انزلی، بلوچستان، ترکمن صحرا و... نیز هرگز پاک نخواهد شد.

رفیق کمال کیانفر یک قربانی دیگر سال امنیت!

خبرناهای بردیوارهای شهر تبریز هستم. خون این رفیق بردیوارهای کهنه شهر تبریز، تبریز قهرمان، شنگ زد، افتخاری برای خلق قهرمان ترک و ننگی برای هیات حاکمه آفرید. رفیق کمال کیانفر، عصر روز سه شنبه ۱۲۴ رده بیست در حال چسباندن خبرنا مه کردستان از پشت موردا صامت گلوله پاسداران قرار گرفت. مردم خشمگین تبریز که برای کمک کردن به رفیق مجروح جمع شده بودند با تیراندازی هوایی پاسداران مواجه شده ولی کوشش

موج سرکوب و ترور و کشتار که راه بیفتد، کردستان و آذربایجان و تهران همیشه، دشمنان طبقاتی خلق هر جا که آوای مبارزه و مقاومت طنین اندازد وارد میدان شده و با ترور، ایجا دغقان و قتل عام خلق، سعی در خاموش کردن این صدا مینمایند. پس از ترورهای متعددی که "سپاه پاسداران" در لباس مبدل، در بلوچستان و ترکمن صحرا واقع و نهران انجام داده اند، اینک شاهد ترور آشکار یک رفیق انقلابی مبارزه، نجرم چسباندن

کنند، لذا کارخانه گلوکوزان را مصادره و متعلق به ملت ایران اعلام کرده اند. آنها همچنین تولید و توزیع محصولات و اداره کارخانه را نیز به شورای کارکنان شرکت محول کرده اند. ★★

۴۲ درصد آن متعلق به سرپرندگان رژیم گذشته و سرمایه داران وابسته به امپریالیزم است. آنها در این اطلاعیه اعلام کرده اند که با توجه به درخواستهای مکرر کارگران و کارکنان شرکت در مورد مصادره وطنی کردن آن، سرانجام خود دست بکش کرده و دیگر حاضر نیستند که برای شرکت های آمریکایی و سرمایه داران داخلی وابسته به امپریالیزم کسار

کارگران آستین ها را بالا می زنند!

کارخانه گلوکوزان واقع در شهر صنعتی البرز (قزوین) خودشان آستین ها را بالا زده و سرمایه های امپریالیستی را مصادره کردند. آنها طی اطلاعیه ای که به همین مناسبت منتشر کردند می آورده اند که کارخانه آنها هنوز ۴۰٪ مصادره شده و متعلق به سرمایه داران آمریکایی

سرانجام پس از ماهها که حکومت خیابان تحت جمشید سابق راه محال مبارزه با امپریالیزم اختصاص داده بقول خودش تمام فریادها را سرآورد یکا کشیده و گذاشته است که سرمایه های امپریالیستی با خیال راحت از خون و عرق کارگران و زحمتکشان ما تغذیه کنند، این بار کارگران و کارکنان